



امام علي عليه السلام :
عَلَيْكُمْ بِالدِّسْنَاءِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّهُمَا يَزِيدَانِ الرَّزْقَ وَ يُوْجِبَانِ الْمَحَبَّةَ

به یکدیگر هدیه بدهید تا محبت را در میان خود بیفزایید

تصنیف غزالی حکیم و دررالکلم



جوان

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۱۴۹ دی ماه ۱۳۹۶

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول و سردبیر: محبوب شهبازی
جانشین سردبیر: یوسف قدیانی
مدیر اجرایی: محمدمهدی مازنی

هیات تحریریه:

طیبه کریمی - محمد آوخ - ابراهیم گراوند
وحیدمیگونی - محمدرضا قاسمی
مریم خالقی - مهدی بابایی

امور فنی: آتلیه شاهد

ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی
امور مشترکین: محمدرضا صغری
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸

ناشر: انتشارات شاهد

تهران - خیابان طالقانی - خیابان
ملک الشعراي بهار شمالی - شماره ۵
تلفن: ۸۸۸۳۵۱۰۸

صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال
منتشر می شود.

* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب
رسیده آزاد است.

* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز
است

- حرف اول: ۴ / فرهنگ گفتگو
یادداشت: ۵ / انقلاب اسلامی چهل ساله شد
برداشت آزاد: ۶ / جهان های موازی
دخترانه، پسرانه: ۸ / چطور رابطه عاطفی را حفظ کنیم
مادرانه، پدرانه: ۱۰ / چگونه با کودک دلبندمان رفتار کنیم
اجتماع: ۱۲ / چرا انقلاب شد؟
حماسه آفرین: ۱۴ / اولین شهید زن انقلاب اسلامی که بود؟
راه و چاه: ۱۶ / راههای دریافت خسارت در تصادفات رانندگی
مهارت: ۱۸ / معرفی استارتاپ های معروف ایرانی
مطببخ: ۱۹ / خورشید به و آلبه سبک اصفهانی
جدول: ۲۱ /
زندگی به سبک دیگر: ۲۲ / بهاری ترین زمستان
تاریخ: ۲۴ / دیو چو بیرون رود...
عافیت: ۲۶ / پشت پرده داروهای رقیق کننده خون
سلامت: ۲۸ / تاثیر سجده نماز بر سلامتی
خانه دوست: ۳۰ / ماخونیک: لی لی پوتیه های ایران
نور و نقره: ۳۲ / خانواده فدای گیشه طنز فدای ابتدال
موج سازان: ۳۴ / آخرین دیدار
نقد و نظر: ۳۶ / یک فیلم استاندارد و کم ادعا
علمی: ۳۸ / قدیمی ترین مجسمه چوبی دنیا
رو به رو: ۴۰ / چگونگی ظهور نهادهای اجتماعی و نقش آن ها
یک، دو، سه: ۴۲ / صعودی آسان گروهی سخت
حرکت: ۴۴ / ارزش شناسی در ورزش
بین الملل: ۴۶ / تاریخچه پاسپورت
دریچه: ۴۸ / به بهانه شانزدهمین سالروز درگذشت مهرداد اوستا
باشگاه اندیشه: ۵۰ / ایرانیان کتاب نخوان
روایت: ۵۲ / راهیان نور، راویان حماسه و ایثار
شعر:
بازار کتاب:
تفأل:
انگلیسی:

فرهنگ گفتگو

و تحمل مخالف را ارج نهاد و ضمن پذیرش هویت هرکس، طبق آیین اسلامی - ایرانی رفتاری مودبانه و گفتاری ملایم در پیش گرفت. بررسی آیات قرآن و روایات معصومان (ع) نیز حاکی از آن است که اسلام به موضوع گفتگو به عنوان ابزاری مناسب برای برقراری ارتباط بین فرهنگ‌ها و ادیان توجه ویژه‌ای دارد. چنانکه می‌توان گفت اسلام «آئین گفتگو» و قرآن، «کتاب گفتگو» است. در قرآن کسانی که به گفتار و سخنان دیگران گوش فرا می‌دهند و از بهترین کلام پیروی می‌کنند، هدایت‌شدگان و خردمندان معرفی شده‌اند: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (سوره زمر، آیه ۱۸)

تعامل یا گفتگوی دوطرفه با تمرین و فراهم ساختن زمینه‌های آن حاصل می‌شود. اینکه رهبر انقلاب کرسی‌های آزاداندیشی را مطرح کردند می‌تواند فتح بایی برای دیالوگ و گفتگوهای دوطرفه شود. برای اینکه چنین شود، باید باب گفتگو را باز کنیم و اظهار نظر نقادانه کنیم. البته بعضی‌ها می‌گویند اظهارنظرها و انتقادها باید سازنده باشد یعنی راه حل ارائه دهند اما باید گفت عده‌ای مشکلات را می‌بینند و راه حلی برای رفع آن ندارند. آنها هم باید در انتقاد کردن آزاد باشند البته اگر راه حل ارائه دهند که بهتر است. مسئولین باید این انتقادها را بشنوند و برای حل آنها چاره‌اندیشی کنند. این مسئله در راستای همان کرسی‌های آزاداندیشی است که رهبر انقلاب فرمودند باید انتقاد آزاد باشد و مسئولین انتقادها را بشنوند و بپذیرند و کارها را اصلاح کنند.

لازم است با تاسی به رهنمودهای رهبر انقلاب، در مسیر ترویج فرهنگ گفتگو تلاش کنیم و در این مسیر فرهیختگان حوزه‌های سیاست، فرهنگ و جامعه‌شناسان بیش از پیش به کمک جامعه بیایند تا گفتگو برای حل تعارضات جایگزین اعتراضات علنی شود انشاءالله.

سردبیر

اعتراضات دی ماه ۹۶ به تعبیر مقام معظم رهبری دو وجه داشت. وجه اول پیگیری مطالبات به حق مردم و وجه دوم سوء استفاده دشمنان از این موضوع. ایشان فرمودند: "تفکیک بین «مطالبات صادقانه و بحق مردم» و «حرکات وحشیانه و تخریب‌گرانه یک گروه» است. اینکه عده‌ای از حقی محروم بمانند و اعتراض کنند، یک مطلب است و اینکه عده‌ای با سوءاستفاده از این تجمع، به قرآن و اسلام و به پرچم اهانت کنند یک حرف دیگر؛ هیچ‌کس با آن اعتراض‌های مردمی مخالفت ندارد، باید هم به این حرف‌ها رسید، شنید و به آنها پاسخ داد، همه باید دنبال کنیم" وقتی افراد، زبان به اعتراض می‌گشایند نشان می‌دهد که فرصتی برای گفتگو فراهم نیست و یا گفتگوها بی‌سرانجام بوده است. در این بین تأکیدات مستمر رهبر معظم انقلاب بر ارتباط مستقیم مردم با مسئولین و گفتگوی چهره به چهره نیز در واقع تأکید بر اهمیت این موضوع است. این گفتگوی دو سویه قطعاً به حل معضلات و مشکلات کمک شایانی خواهد کرد.

باید گفت آنچه در جامعه سالهاست مورد غفلت قرار گرفته است فرهنگ گفتگو است. انسان موجود اجتماعی و مدنی است و گفت‌وگو مهم‌ترین وجه این مدنیت است. گفتگوی واقعی شیوه‌ای است برای تلاش مشترک و دست یافتن به ریشه‌های سوء تفاهمات و پیش‌داوری‌هایی که مانع فهم درست بین انسان‌ها می‌شود. گفتگو چاره‌دردهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ما است. یکی از مشکلات فرهنگی و اجتماعی جامعه، نهادینه نشدن فرهنگ گفتگو بین مردم است از این رو چگونه می‌توان فرهنگ گفتگو را بین مردم برای حل اختلافات و تنش‌ها نهادینه کرد.

برای حرکت در مسیر پیشرفت و توسعه، گریزی از گفت‌وگو نیست. باید گفتگو را به عنوان یک روش مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخت. باید به تفاوت‌ها و اختلاف سلیقه‌ها احترام گذاشت. باید روحیه تساهل و مدارا



انقلاب اسلامی چهل ساله شد

مردم ارزنده‌ترین و مهم‌ترین سرمایه نظام ما هستند و حضور همیشگی آنان در همه صحنه‌های اداره کشور ضرورتی گریزناپذیر است. مردم خالق حماسه‌های پیروزی‌اند و تاریخ معاصر از جنبش‌های ضداستعماری تا انقلاب مشروطیت که امروز سالگرد پیروزی آن است و آن را گرامی می‌داریم و تا انقلاب بزرگ اسلامی و دفاع مقدس، گواه بر این مدعاست و همین ایمان و اراده آنان است که ناممکن‌های بسیاری را ممکن ساخته است.

در فرایند شکل‌گیری انقلاب و براندازی نظام شاهنشاهی، شاهد یک حرکت خودجوش مردمی بودیم که با تکیه بر رهبری امام خمینی (ره) زمینه برپایی حکومت اسلامی را فراهم آوردند. دوران‌دیشی حضرت امام (ره) بعد از تصرف لانه جاسوسی آمریکا و افشای ماهیت ضد انسانی و مردمی آمریکا باز می‌گردد. امام از آذر ۱۳۵۸ بر این نکته تاکید می‌ورزند که قدرتهای بزرگ یک لحظه ما را راحت نمی‌گذارند و نمی‌پذیرند که یک نظام مستقل در میان دو بلوک قدرت آن زمان شکل گیرد. امروز پس از گذشت قریب به چهار دهه از پیروزی انقلاب مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷ باید بدانیم که در سن کمال نظام گام نهاده ایم. اگر دهه‌های انقلاب را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم می‌بینیم که دهه اول دوره تشکیل و مقابله با تهدیدات است که در این دوره، نظام هم‌زمان با تشکیل و سازماندهی خود، در حال مقابله با تهدیدات است. جنگ تحمیلی مهم‌ترین اتفاق و درگذشت بنیانگذار جمهوری اسلامی نیز تلخ‌ترین اتفاق این دهه بودند. اما در نگاهی کلی به دهه اول می‌توان شکل‌گیری هویت، خودباوری و ورود به عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی با هدف تغییرات بنیادین را اساسی‌ترین تحولات این دهه نامید.

در دهه دوم به واسطه پایان دفاع مقدس، سازماندهی، ساماندهی، ارتقای آموزش‌های فرهنگی اجتماعی، بالا بردن قابلیت‌های نظامی، مقابله با تهدیدات فرهنگی با تاکید رهبری بر تقابل جدی با تهاجم فرهنگی اولویت پیدا می‌کند. باید گفت دهه دوم، دوران بررسی عملکرد و بازساخت هویت، انطباق با نیازهای فزاینده از عرصه پاسخگویی به تهدیدات خارجی بوده است. دهه سوم، دوره انتقال تجربیات نسل اولیه انقلاب به نسل جدید و مقابله با

تهدیدات روزافزون دشمن بود. در این دهه نظام، موضوع پیشرفت در ابعاد مختلف فناوری، تجهیزات آموزشی و استفاده بهینه از منابع را مدنظر قرار داد و چون در حال متناسب‌سازی ساختار، سازمان و شیوه‌های مقابله با تهدیدات جدیدی بود که در آینده به وقوع خواهد پیوست، باید به این موضوع اهتمام می‌ورزید. دهه سوم دهه وسعت دادن آموزش و سازماندهی منطبق با شرایط خاص است.

آنچه امروز باید بیش از پیش به آن با چشم یک منتقد مصلح نگرست، نگاه به الزامات دهه چهارم انقلاب است. در این دهه می‌توان به ارزیابی عملکرد گذشته، انطباق با شرایط پیچیده جدید و انتقال تجربیات به نسل جدید به صورت علمی و نظری اشاره کرد.

نظام جمهوری اسلامی در دهه چهارم، متناسب با تحولات نو و جدید رویکردهای خود را تعیین کرد و در این مسیر بر اساس سیاست‌های کلی نظام که توسط رهبر معظم انقلاب اعلام می‌گردد، ویژگی‌ها و الزامات این دهه را به طور جدی پی گرفت.

شناسایی نقاط قوت و ضعف و تشخیص فرصت‌ها و درک تهدیدات از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر استمرار و بقا تمدن‌ها و حکومت‌هاست. از این رو، کشف و استخراج متغیرهای چهارگانه مذکور، ارتباط تنگاتنگی با تأمین یا کاهش و حتی از میان رفتن امنیت ملی، استمرار حرکت انقلابی و بقا حیات سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران دارد. در پی کنکاش، استخراج و تبیین قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات فرهنگی فراروی نظام برآمده از انقلاب اسلامی در ابتدای دهه چهارم به این پیام روشن می‌رسیم که قوت‌ها و ضعف‌ها از عوامل درونی و فرصت‌ها و تهدیدات از عوامل خارجی و فراملی متأثر هستند. با وجود اینکه دشمنان از هیچ تلاشی برای متوقف کردن پیام انقلاب در داخل مرزهای کشور فروگذار نکردند، اما سخن استقلال‌طلبی و حق خواهی انقلاب اسلامی به گوش جهانیان و مردم آزادی‌خواه و عدالت‌طلب منطقه رسید و نهضت بیداری اسلامی در میان بسیاری از ملت‌های مسلمان شکل گرفت.

نظام به عزم و اراده اسلامی و ملی همگان در این فصل نوین تاریخی ایمان دارد و شور و نشاط و همت همه زنان و مردان به خصوص جوانان و نوجوانان برومند کشور این ایمان را راسخ‌تر می‌کند. انقلاب اسلامی ایران که چهار دهه عمر بابرکت خویش را علیرغم مخالفت، سنگ اندازی و مبارزه استکبار جهانی، با موفقیت پشت سر گذاشته و بر همه توطئه‌ها و ترندهای آنان فائق آمده است، اینک در سال پایانی دهه چهارم که دهه پیشرفت و عدالت نام گرفته بود باید بررسی محتوایی عملکرد همه دستگاه‌های نظام را آغاز کنیم.



گردآوری: ایمان رستگار

جهان های موازی

نیز در بر نگرفته است.

فضای بیکران

فضا بیکران است و تقریباً بطور یکنواخت از ماده انباشته شده است، چیزی است که مشاهدات هم آن را تأیید می کنند. در فضای بی کران، حتی غیر محتمل ترین رویدادها نیز بالاخره در جایی، اتفاق خواهند افتاد. در این فضا، بینهایت سیاره مسکونی دیگر وجود دارد، که نه تنها یکی، بلکه تعداد بیشماری از آنها مردمانی دارند که شکل ظاهری، نام و خاطرات آنها دقیقاً همان هاست که ما داریم. به ساکنانی که تمامی حالت‌های ممکن از گزینه‌های موجود در زندگی ما را تجربه می کنند. من و شما احتمالاً هرگز خودهای دیگران را نخواهیم دید.

وسعت عالم

دورترین فاصله‌ای که ما قادر به دیدن آن هستیم، مسافتی است که نور در مدت ۱۴ میلیارد سال که از انفجار بزرگ و آغاز انبساط عالم سپری شده است، طی می کند. دورترین اجرام مرئی هم اکنون حدود ۴۱۰۲۶ متر دور تر از زمین قرار دارند. این فاصله که عالم قابل مشاهده توسط ما را تعریف می کند. بطور مشابه، عالم‌های خودهای دیگر ما کراتی هستند به همین اندازه، که مرکزشان روی سیاره محل سکونت آنهاست. چنین ترکیبی ساده ترین و سر راست ترین نمونه از

روی سیاره‌ای به نام زمین با کوه‌های مه گرفته، مزارع حاصل خیز و شهرهای بی در و پیکر در منظومه خورشیدی که هشت سیاره دیگر نیز دارد، زندگی می کند؟ آیا زندگی این شخص، از هر لحاظ درست عین زندگی شما بوده است؟ اگر جوابتان مثبت است، شاید در این لحظه او تصمیم بگیرد این مقاله را تا همین جا رها کند، در حالی که شما به خواندن مقاله تا انتها ادامه خواهید داد.

نظریه جهان های موازی

اندیشه وجود یک خود دیگر نظیر آنچه که در بالا شرح آن رفت، عجیب و غیر معقول به نظر می رسد، اما آنگونه که از قرائن بر می آید انگار مجبوریم آن را بپذیریم. زیرا مشاهدات نجومی از این اندیشه غیرمادی پشتیبانی می کنند. بنابر این پیش بینی ساده ترین و پر طرفدارترین الگوی کیهان شناسی که امروزه وجود دارد، این است که هر یک از ما یک جفت (همزاد) داریم که در کیهانی که حدود 10^{28} متر دورتر از زمین قرار دارد، زندگی می کنند.

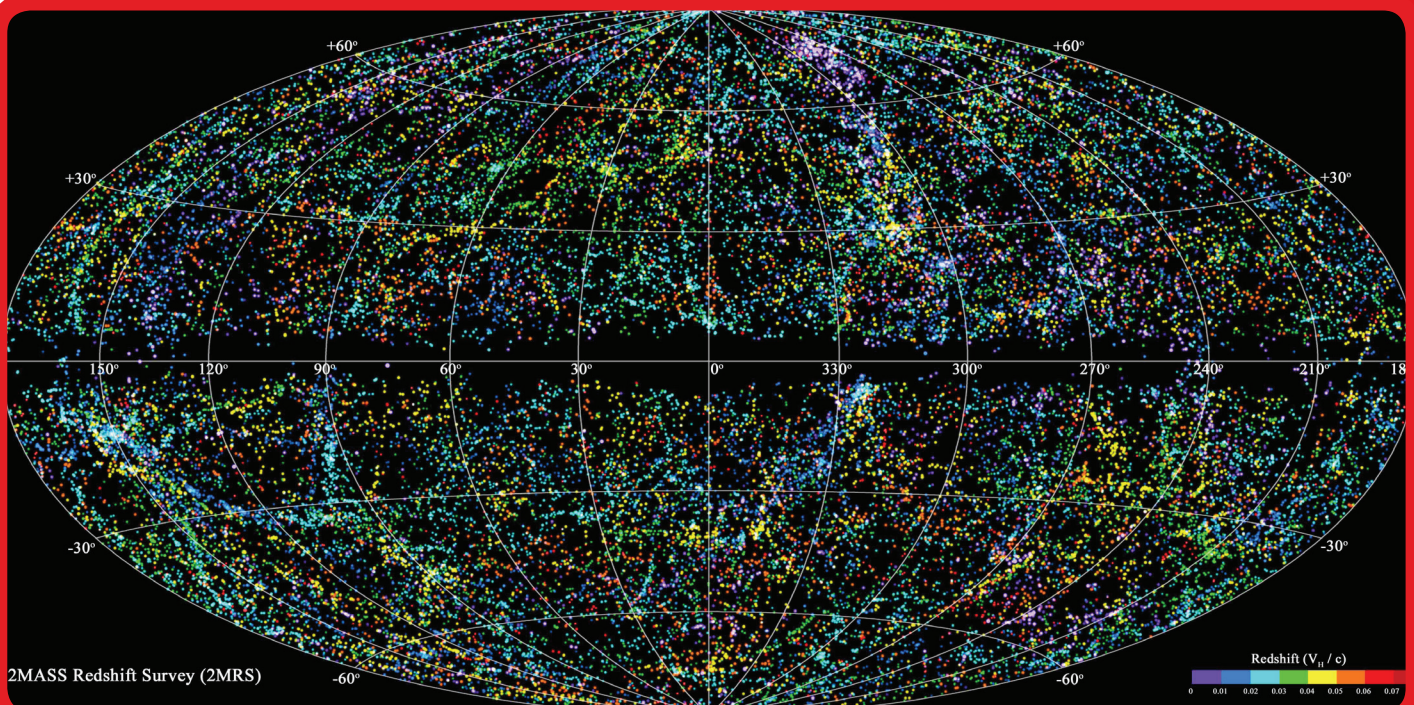
این مسافت آنچنان زیاد است که بطور کامل خارج از هر گونه امکان بررسی‌های نجومی است، اما این امر واقعیت وجود نسخه دوم ما را کمرنگ نمی کند. این مسافت بر اساس نظریه احتمالات مقدماتی برآورده شده و حتی فرضیات خیال پردازانه فیزیک نوین را

در سال ۱۹۵۴ میلادی، یکی از دانشجویان دوره دکتری دانشگاه پرینستون به نام Hugh Everett III ایده‌ای بنیادین را مطرح کرد: اینکه جهان‌های موازی متعددی وجود دارند که درست شبیه به دنیای ما هستند. این عوالم همگی به دنیای ما مربوط می شوند؛ در واقع آنها تابعی از ما هستند و ما نیز تابعی از آنها.

براساس نظریه او، در این جهان‌های موازی، جنگ‌ها، نتایج و پیامدهایی متفاوت از آنچه ما می دانیم داشته‌اند. موجوداتی که در این دنیا منقرض شده‌اند، تکامل یافته و اکنون در عوامل دیگری زندگی می کنند. از طرفی در جهان‌های دیگر، احتمال می رود که ما انسان‌ها نیز منقرض شده باشیم.

این ایده بسیار پیچیده است و می تواند هوش را از سر انسان ببرد. با این همه، باز هم امکان درک آن وجود دارد. نظریه وجود جهان‌های موازی، پیشتر در آثار علمی و تخیلی نیز مطرح گردیده و در متافیزیک نیز به آن اشاره شده. اما سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که چرا یک فیزیکدان جوان و خوش آتیه باید با مطرح کردن چنین ایده‌ای در رابطه با جهان‌های موازی، آینده شغلی خود را به خطر بیندازد؟

آیا نسخه دومی از شما، یک رونوشت از خود شما وجود دارد که همین الان مشغول خواندن این مقاله باشد؟ آیا شخصی دیگر،



2MASS Redshift Survey (2MRS)

Redshift (V_r / c)

0 0.01 0.02 0.03 0.04 0.05 0.06 0.07

جهانهای موازی است. هر جهان تنها بخشی کوچک از "جهان چند گانه" بزرگتر است.

جدال فیزیک و متافیزیک

با این تعریف از جهان ممکن است شما تصور کنید که مفهوم جهان چند گانه تا ابد در محدوده قلمرو متافیزیک باقی خواهد ماند. اما باید توجه داشت که مرز میان فیزیک و متافیزیک را این مسأله که یک نظریه از لحاظ تجربه قابل آزمون است، یا خیر تعیین می کند نه این موضوع که فلان نظریه شامل اندیشه‌های غریب و ماهیتهای غیر قابل مشاهده است. مرزهای فیزیک به تدریج با گذر زمان فراتر رفته و اکنون مفاهیمی است بسیار انتزاعی تر نظیر زمین کروی، میدان الکترو مغناطیسی نامرئی، کند شدن گذر زمان در شرعتهای بالا، برهنه‌ی کوانتومی، فضای خمیده و سیاهچاله را در بر گرفته است. طی چند سال گذشته مفهوم جهان چند گانه نیز به این فهرست اضافه شده است.

پایه این اندیشه بر نظریاتی است که امتحان خود را به خوبی پس داده اند. نظریاتی همچون نسبیت و نظریه مکانیک کوانتومی، افزون بر آن به دو قاعده اساسی علوم تجربی نیز وفادار است. که پیش بینی می کند و می توانند آن را دستکاری نمایند.

انواع جهان های موازی

دانشمندان تا کنون چهار نوع جهان موازی متفاوت را تشریح کرده اند. هم اکنون پرسش کلیدی وجود یا عدم جهان چند گانه نیست، بلکه سوال بر سر تعداد سطوحی است که چنین جهان می توان داشته باشد. یکی از نتایج متعدد مشاهدات کیهان شناسی اخیر این بوده است که جهانهای موازی دیگر مفهومی خیال پردازانه و انتزاعی صرف نیست. به نظر می رسد که اندازه فضا بینهایت است. اگر اینگونه باشد، بالاخره در جایی از این فضا هر چیزی که امکان پذیر باشد واقعیت خواهد یافت. اصلاً مهم نیست که امکان پذیری آن تا چه حد نامتحمّل است.

فراسوی محدوده دید تلسکوپهای ما، نواحی دیگری از فضا کاملاً شبیه آنچه که پیرامون ماست وجود دارند، آن نواحی یکی از انواع جهانهای موازی هستند. دانشمندان حتی می توانند محاسبه کنند که این جهانها بطور متوسط چقدر با ما فاصله دارند و مهمتر از همه اینکه تمامی اینها فیزیک حقیقی و واقعی است. زمانی که کیهان شناسان



مبنای تئوری ریسمان این شکل گیری روی ۱۱ جهت مختلف اتفاق می افتد.

همچون نظریه جهان های متعدد، تئوری ریسمانی نیز بر وجود جهان های موازی دلالت دارد. براساس این تئوری، جهان خود ما به سان حبابی است که در کنار جهان های موازی دیگر وجود دارد. اما در نظریه ریسمان، برخلاف تئوری جهان های متعدد، این جهان ها می توانند با یکدیگر تماس پیدا کنند. در واقع نظریه ریسمانی می گوید جاذبه می تواند میان این جهان ها جریان پیدا کند و زمانی که با هم تعامل پیدا کردند، اتفاقی نظیر انفجار عظیم یا همان بیگ بنگ که باعث شکل گیری این جهان شد، رخ خواهد داد.

البته فیزیکدانان توانسته اند مکانیک هایی را برای تشخیص ماده کوانتومی ایجاد نمایند با این همه، ریسمان های زیرکوانتومی هنوز هم کشف نشده اند و به همین دلیل این مقوله و نظریه ای که بر پایه آن استوار شده کاملاً در سطح نظری است.

در پایان باز هم می خواهیم این سوال مهم را مطرح نماییم که آیا واقعا جهان های موازی وجود دارند؟ براساس تئوری جهان های متعدد نمی توان با قطعیت در این رابطه سخت گفت چرا که انسان نمی تواند از وجود این جهان ها باخبر شود.

نظریه ریسمانی نیز دست کم یک مرتبه تا به حال تست شده و نتایج آن منفی بوده است با این همه دکتر Kaku باور دارد که ابعاد موازی وجود دارند.

متاسفانه انیشتین به اندازه ای عمر نکرد که نتایج حاصل از تحقیقات دانشمندان دیگر برای پیدا کردن «نظریه همه چیز» را ببیند. با این همه، اگر تئوری جهان های متعدد صحت داشته باشد، این دانشمندان همچنان در جهان های موازی زنده است و شاید در آن عالم، فیزیکدانان موفق به کشف آن نظریه شده باشند.

با نظریاتی روبرو می شوند که از استحکام لازم برخوردار نیستند، نتیجه می گیرند که جهانهای دیگر می توانند ویژگیها و قوانین فیزیکی کاملاً متفاوتی داشته باشند. وجود این جهانها بسیاری از جنبه های پرسش بنیادی در خصوص ماهیت زمان و قابل درک بودن جهان فیزیکی را پاسخ داد.

آلبرت انیشتین با دنبال نمودن نظریه معروف خود به نام نسبیت باقی عمرش را صرف پیدا کردن آخرین سطحی نمود که امید می رفت به تمامی پرسش های فیزیکی پاسخ دهد. دانشمندان از این نظریه خیالی تحت عنوان «نظریه همه چیز» یاد می کنند. فیزیکدانان کوانتومی باور دارند که تا یافتن آن نظریه نهایی زمان زیادی باقی نمانده. اما شاخه دیگری از فیزیک باور دارد که کوانتوم کوچک ترین سطح ممکن نیست و به همین دلیل نمی توان «نظریه همه چیز» را بر مبنای آن تدوین کرد.

این فیزیکدانان در مقابل به سطوح زیرکوانتومی نظری رجوع نمودند که تحت عنوان تئوری ریسمانی (String theory) از آن یاد می شود. نکته جالب اینجاست که حتی محققانی نظیر Everett در جریان بررسی های نظری خود به این نتیجه رسیدند که جهان های موازی وجود دارند.

نظریه ریسمانی در اصل توسط یک فیزیکدان ژاپنی-آمریکایی به نام Michio Kaku مطرح شد و براساس آن سنگ بنای همه چیز و البته نیروهای فیزیکی این دنیا نظیر گرانش در سطح زیرکوانتومی وجود دارد.

این سنگ بنای معرف نوارهای پلاستیکی (یا رشته های) کوچکی هستند که کوآرک (ذرات کوانتومی) و در نهایت الکترون ها، اتم ها و سلول ها را تشکیل می دهند. اینکه با استفاده از این ریسمان ها دقیقاً چه نوع ماده ای ساخته می شود و رفتار آن ماده چگونه خواهد بود به میزان لرزش این رشته ها بستگی دارد و در واقع به همین ترتیب است که کل جهان ما ساخته می شود و بر

چطور رابطه عاطفی را حفظ کنیم

اگر قرار است که چند ساعتی از او دور بمانید.

تهدید به جدایی

درست است، ما از بسیاری از رفتارهای شریک زندگی مان راضی و خشنود نیستیم اما نباید او را توسط این رفتارها تهدید کنیم. به عنوان مثال اگر شما دوست ندارید که شریک زندگی تان با جنس مخالف در ارتباط باشد، نباید به او بگویید که اگر این کار را کردی، رابطه ما تمام خواهد شد. با این ترفند نه تنها او به شما وفادار نخواهد ماند بلکه برعکس، حقیقت را نیز از شما پنهان خواهد کرد. بنابراین برخلاف چیزی که شما تصور می کنید، تهدید در رابطه عاطفی اشتباه محض است.

به اشتراک گذاشتن جزئیات رابطه در شبکه های اجتماعی

رابطه عاطفی شما چیزی از زندگی شخصی تان است، بنابراین لزومی ندارد که آن را با دیگران به اشتراک بگذارید. اگر شما هر لحظه از زندگی مشترک تان را در شبکه های چون فیسبوک، اینستاگرام و... به اشتراک بگذارید، در واقع هیچ رابطه شخصی با شریک زندگی تان نخواهید

مطمئناً شما باید شریک زندگی تان را در اولویت قرار دهید اما نباید در این کار افراط کنید، بدین معنی که خود و نیازهایتان را نادیده بگیرید و تنها به او توجه کنید. اگر قدرت تان را فدای شریک زندگی تان کنید، خیلی زود از چشم او هم خواهید افتاد. شما باید در هر زمینه ای تعادل را حفظ کنید، در غیر این صورت مانند برده ای خواهید شد که هیچ اراده ای از خود ندارد. بنابراین قبل از هر کسی به خودتان اهمیت دهید تا بتوانید فرد بهتری برای شریک زندگی تان باشید.

به سرعت زندگی مشترک را آغاز کردن

بسیاری از افراد، پس از چند بار قرار ملاقات، سریع تصمیم به ازدواج می گیرند در صورتی که شناخت کافی از هم ندارند. این باعث می شود که پس از مدتی از هم خسته شوند و به این نتیجه برسند که برای هم ساخته نشده اند. آیا شما بعد از چندین دیدار به تمام رفتارها و عادات طرف مقابل تان شناخت پیدا کرده اید؟ آیا می دانید که او با چه افرادی در تماس است یا دوستان او چه کسی هستند؟ یا این که در مواقع سخت و ناراحتی چه عکس العملی از خود نشان می دهد؟... اگر می خواهید برای زندگی آینده تان انتخاب درستی داشته باشید، باید به طور کامل شریک زندگی تان را بشناسید که این احتیاج به زمان دارد. پس اگر می خواهید که پشیمانی به سراغ تان نیاید، زود تصمیم نگیرید.

کوتاه آمدن های مدام

سازش و توافق لازمه یک رابطه عاطفی سالم است اما این بدین معنی نیست که شما همیشه از خواسته ها و علاقمندی هایتان به خاطر طرف مقابل، بگذرید. اگر شما نیازهای خود را همیشه نادیده بگیرید، در واقع به خودتان خیانت کرده اید. بنابراین گاهی لازم است که خواسته های خود را به شریک زندگی تان ترجیح دهید، حتی

داشتن یک رابطه عاطفی سالم کار ساده ای نیست. شاید شما رفتارهایی از خود نشان دهید که به خیال تان برای رابطه عاطفی مفیدند، اما واقعیت چیز دیگری است. بسیاری از کارهایی که ما انجام می دهیم در درازمدت رابطه را ویران خواهند کرد. اگر شما هم دوست دارید بدانید که این رفتارها کدامند، در ادامه مطلب با ما همراه باشید.

تلاش برای تغییر طرف مقابل

اکثر ما این اجازه را به خودمان می دهیم که در سبک زندگی و رفتار شریک زندگی مان دخالت کنیم و اگر چیزی به میل ما نباشد، آن را تغییر دهیم. تصور می کنیم که طرف مقابل باید قهرمان زندگی ما باشد و آنطور که ما می خواهیم رفتار کند، در حالی که این غیر ممکن است. جز برخی از رفتارهایی که برای رابطه عاطفی مخرب اند، شما نباید برای تغییر دادن شخصیت شریک زندگی تان تلاش کنید، بلکه احترام گذاشتن به او و طرز فکرش از ضروریات رابطه است.

به او بیش از خود توجه کردن





داشت، به علاوه دیگران نیز علاقه‌ای ندارند که از هر دقیقه زندگی شما باخبر باشند. آنچه برای شما جذاب است، شاید برای دیگران هیچ جذابیتی نداشته باشد، بنابراین زندگی خصوصی خود را برای خودتان نگه دارید. رابطه عاطفی شما جزئی از زندگی شخصی‌تان است، آن را با دیگران به اشتراک نگذارید.

بحث نکردن

آیا شما هم جزو افرادی هستید که در زمان‌های ناراحتی از بحث کردن گریزانند؟ ممکن است در عصبانیت و ناراحتی گفتگوی شما حالت دعوا به خود بگیرد اما باز این شرایط بهتر از حرف زدن است. بحث نکردن در دراز مدت شما را از شریک زندگی‌تان دور و دورتر خواهد کرد. حرف زدن، حتی اگر به دعوا منتهی شود، نشان دهنده این است که شما برای رابطه‌تان ارزش قائلید و برای بهبود آن تلاش می‌کنید، به علاوه به شریک زندگی‌تان نیز اعتماد دارید و مشکلات و ناراحتی‌های خود را با او در میان می‌گذارید. بنابراین بحث کردن خود یکی از علائمی است که نشان می‌دهد شما هنوز هم به رابطه عاطفی‌تان اهمیت می‌دهید.

او را یک انسان کامل و ایده‌آل فرض کردن

در ابتدای هر رابطه، ممکن است که ما آنقدر محو زیبایی و خوبی‌های طرف مقابل مان باشیم که نقص‌های او را نبینیم. اما هر چه که رابطه بیشتر پیش می‌رود متوجه می‌شویم که او هم مانند دیگران یک انسان معمولی است. بنابراین شما نباید طوری نشان دهید که شریک زندگی‌تان یک انسان کامل و بی‌عیب و نقص است زیرا این موضوع نه تنها بعدها توی ذوق خودتان می‌زند، بلکه ممکن است انتظارات طرف مقابل‌تان را هم بالا برده و برای او یأس و ناامیدی به همراه آورد.

مطرح کردن کوچک‌ترین مشکلات

مطمئناً شما تمام رفتارهای شریک زندگی‌تان را نمی‌پسندید، اما آیا منطقی است که تمام آنها را مطرح کنید. برخی از رفتارها هستند که اهمیت چندانی ندارند. به عنوان مثال امروز شما رفتاری از شریک زندگی‌تان می‌بینید که ناراحت‌تان می‌کند اما اگر این رفتار او فردا صبح که از خواب بیدار شدید از یادتان رفته بود، بدین معنی است که اهمیت چندانی ندارد و مطرح کردن آن نیز غیر

حسادت بیش از حد نشان دهنده عدم اعتماد و احترام به طرف مقابل است که در دراز مدت رابطه شما را ویران خواهد کرد. بنابراین بهتر است که آن را کنترل کنید.

وابستگی بیش از حد

وابستگی در هر رابطه‌ای طبیعی است اما اگر در آن افراط شود، نه تنها شما را به شریک زندگی‌تان نزدیک‌تر نخواهد کرد، بلکه او را از شما نیز خواهد گرفت. اگر شما مرتب به عشق زندگی‌تان بگویید که بدون او نمی‌توانید زندگی کنید، در واقع این پیغام را به او منتقل می‌کنید که در زندگی هیچ استقلالی ندارید و اگر یک روز او در کنارتان نباشد، نمی‌توانید از پس خود و احساسات‌تان بآیید. این حرف شما مسئولیت‌های شریک زندگی‌تان را دوچندان می‌کند طوری که ممکن است برای جلوگیری از وابستگی بیشتر، شما را ترک کند. بنابراین حتی اگر در رابطه‌ای عاطفی به سر می‌برید، باید استقلال داشته باشید.

۲۴ ساعت با هم بودن

زمانی که شما کل روز را با شریک زندگی‌تان می‌گذرانید، در واقع هویت اصلی خود را از دست می‌دهید. به عنوان مثال دوست دارید کارهایی انجام دهید که او دوست دارد، یا دور دوستان و خانواده‌تان را خط بکشید یا حتی به باشگاه ورزشی نروید تا زمان بیشتری را در کنار او باشید... در واقع کل برنامه زندگی شما حول محور او می‌چرخد، در صورتی که ما باید یاد بگیریم که در کنار دیگری برنامه و هدف‌های زندگی خودمان را نیز پیش ببریم. بنابراین همه ما به زمان‌های تنهایی احتیاج داریم تا بتوانیم خود و آنچه به راستی دلمان می‌خواهد را پیدا و به آن عمل کنیم.

منبع: پایگاه اینترنتی تنظیم خانواده

ضروری است. بنابراین رابطه خود را به خاطر مشکلات کوچک متشنج نکنید.

در تلاش مدام برای شاد کردن او

زندگی پستی و بلندی‌های خود را دارد. مسلماً شرایط همیشه‌انطور که ما می‌خواهیم، نخواهد ماند و وظیفه زوجها این است که در این شرایط، همدل و سنگ‌صبور هم باشند. اگر شما تنها به این علت که دوست ندارید شریک زندگی‌تان را ناراحت ببینید، از بیان مشکلات و نگرانی‌هایتان خودداری می‌کنید، در واقع دارید به رابطه خود آسیب می‌رسانید. یک رابطه زمانی موفق است که هر دو طرف در هر شرایطی، چه خوب و چه بد، کنار هم باشند، نه فقط در خوشی‌ها.

خود را مسئول شادی‌های او دانستن

زمانی که ما وارد یک رابطه عاطفی می‌شویم، در واقع مسئولیت فرد دیگری را نیز به عهده گرفته‌ایم اما این که خودمان را مسئول خوشحالی او بدانیم، کار اشتباهی است. هر کسی خود مسئول شاد کردن زندگی خود است. به بیان دیگر، شادی شخصی، انتخاب خودمان است. بنابراین اگر شما خودتان را مسئول شاد کردن شریک زندگی‌تان بدانید، بعد از مدتی نه تنها خودتان بلکه طرف مقابل‌تان نیز تبدیل به فردی افسرده خواهید شد.

حسادت

شاید حسادت در ابتدای رابطه برایتان رمانتیک باشد و به شما ثابت کند که برای طرف مقابل‌تان مهم هستید اما هر چه رابطه بیشتر پیش می‌رود، ممکن است که این حس رابطه‌تان را ویران کند. طبیعی است که هر دو طرف رابطه باید مراقب رفتارهای خود و افرادی که با آنها در تماس‌اند باشند اما

چگونه با کودک دلبندهمان رفتار کنیم

انجام ندهد سعی کنید به جای آن کار دیگری را جایگزین کنید. سپس تمرین کنید تا بتوانید هر چه بیشتر بر روی فعالیتی که جایگزین کرده اید تمرکز کنید.

• کودکان شوق آموختن دارند. به فرزندتان بگویید نگاه کن! مامان و بابا این کار را چگونه انجام دادند. سپس او را تشویق به انجام آن کار کنید.

• حتماً به جای "نه" و "نکن" فعالیتی را برای کودک جایگزین کنید. سریع تر و با رضایتمندی بیشتری به خواسته خود می رسید.

• به هیچ وجه از واژه "نکن" استفاده نکنید. کودکانی که در ابتدای نوپایی هستند ممکن است مفهوم این کلمه را درک نکنند. او مفهوم نه را درک نمی کند و دقیقاً کاری را ادامه می دهد که شما نمی خواهید.

• کودکان عبارات دستوری مثبت را آسان تر از نوع منفی آن درک می کنند و به خاطر می سپارند. به او بگویید "بنشین" به جای آنکه بگویید "نکن".

• کودکان همیشه تحرک را به بی تحرکی ترجیح می دهند. سعی کنید در گفت و گو با او به جای "این را دوست ندارم" بگویید "آن کار را دوست دارم".

• در مواجهه با کار اشتباه کودک خود؛ مثلاً پاره کردن کتاب؛ به او نگویید کتاب را پاره نکن. چون او را از یک فعالیت مهیج باز داشته اید. به جای این جمله به او بگویید: اگر کتابت پاره شود ما نمی توانیم

بتوانند به ارضای این حس دست پیدا کنند.

• به کودک خود حق انتخاب بدهید مثلاً در هنگام لباس پوشیدن از او بپرسید بلوز قرمز را می خواهد یا آبی؟ یا دوست داری برای سیب بخرم یا پرتقال؟ به این شکل به او فرصت اظهار نظر داده اید.

• به کودک خود حق انتخاب بدهید اما دقت داشته باشید تنها زمانی به او حق انتخاب بدهید که بتوانید آن را عملی کنید.

• هیچگاه عبارتی را از کودکان به حالت سوالی نپرسید مگر اینکه به واقع بتوانید پاسخ آن را عملی کنید. هنگامی که از کودک خود سوال می کنید اما به پاسخ او توجه نمی کنید تنها حالت عجز و ناتوانی را تایید کرده اید.

• وقتی به کودک می گویید کاری را

مهم ترین مسئله در تربیت کودک، چگونگی صحبت کردن با وی است. در هر سن، بسته به شرایط فکری و سنی کودک باید به روش خاصی با او حرف زد. این که بدانیم چه انتظاری را در چه سنی باید از کودک داشته باشیم بسیار مهم است. برخی اوقات والدین می خواهند کودک انتظاراتی که فراتر از توان کودک است را برایشان برآورده کند. در زیر با برخی مهارت در شیوه رفتار با کودک آشنا می شویم؛

• کودکان از شخصیتی خودمدار برخوردارند. در حقیقت کودکان بر این باورند که همه چیزهای پیرامون شان در جهت حفظ منافع و سرگرمی آنها فراهم شده است.

• کودکان برای برخورد با ناکامی ها و رنجش ها باید بردبار شوند زیرا هر مانعی در مسیرشان آنها را خشمگین می کند.

• لازم و ضروری است که هر پدر و مادری پذیرای کج خلقی ها و نافرمانی های کودک خود باشد. میزان تکرار این هیجانات در درون کودکان به خلق و خوی ذاتی آنها ارتباط دارد.

• به کودک خود حق انتخاب بدهید. کودکان بسیار تمایل دارند که بر دنیای اطرافشان به طور کامل تسلط داشته باشند.

• شما می توانید هر گاه که برایتان امکان دارد با دادن حق انتخاب به آنان کمک کنید که





برایت قصه بخوانیم.
 • برای بازی کردن کودک دلبرندان زمان خاصی را در نظر بگیرید. بازی کردن کودکان با یکدیگر برایشان امری مفرح است و به آنها کمک می کند تا مهارت های اجتماعی را بیاموزند.

• برای بازی کردن کودک دلبرندان زمان خاصی را در نظر بگیرید در این زمان وظیفه مهمی بر عهده والدین است و آن هم آموزش مفاهیمی چون سهیم شدن با دیگران، نداشتن رفتار پر خاشگرانه و احترام به دیگران است.

• اگر کودک شما نسبت به هم بازی هایش ابراز علاقه کرد در این صورت آنها می توانند بر روی رفتار فرزندتان تاثیر بسزایی بگذارند.
 • همیشه به این موضوع توجه داشته باشید: کودکان بیش از آنکه دوست داشته باشند کارهای شما را تقلید کنند عاشق آن هستند که از کودکان هم سن و سال خود تقلید کنند.

• کودکان مشتاقند مهارت های جدید خود را به نمایش بگذارند. دوستانشان را دعوت کنید و آنها را به گفت و گو درباره مهارتهایشان تشویق کنید.

• ممکن است کودک شما عادت های از هم بازی هایش یاد بگیرد که شما آن را نمی پسندید. سعی کنید رفتارهای خوب را جایگزین رفتارهای ناشایست کنید و آگاه باشید که دیر یا دیر زود کودک شما این تغییر را درک می کند.

• برای آنکه کودک شما آواز بخواند و تحرک جسمی داشته باشد موسیقی شاد برایش پخش کنید.

• مادران اصرار دارند فرزندان را متقاعد کنند در استفاده از وسایل خود با دیگران شریک شوند. باید بدانید این موضوع به ماه ها زمان نیاز دارد. راه بهتر تهیه کردن اسباب بازی و وسایل هم شکل است.

• برای کودکان اسباب بازی هم شکل تهیه کنید و در منزل خود و دوستان زمینه بازی آنها را فراهم کنید. اگر دو کودک برای یک اسباب بازی ناسازگاری کردند وسیله مشابه در اختیارشان قرار دهید.

• ایجاد حس مشارکت در کودکان جنبه انتزاعی دارد و به ماه ها آموزش و تعلیم نیاز دارد تا کودک بتواند چنین مهارتی را از خود نشان دهد.

• در منزل جعبه ای داشته باشید تا وقتی کودکی به آنجا آمد آن را در اختیار کودکان قرار دهید. در آن جعبه سعی کنید تعداد بیشتری از وسایل مشابه بگذارید.

• در کنار وسایل بازی بچه ها ظرف هایی حاوی تنقلات مفید قرار دهید مانند

کشمش، بادام و نان. بهتر است این ظرف ها هماهنگ باشد.

• به کودکان خود مشارکت و همکاری جمعی را آموزش دهید تا در کارها مشارکت کند اما از او انتظار نداشته باشید که حتما آنچه مد نظر شماست را اجرا کند.

• بدانید صرفا با تهیه چند اسباب بازی یکسان در منزل به طور دقیق نمی توان حس مشارکت را به کودکان آموزش داد. به محض اینکه حس مشارکت در کودک ایجاد شد باید به او تبادل اسباب بازی ها را آموزش داد.

• ایجاد حس مشارکت در کودکان از جمله موارد تربیتی است که والدین عجله دارند تا کودکان هر چه سریع تر آن را بیاموزند. اما بدانید که کودک همچون پدر و مادر خود در این موارد شتابان عمل نمی کند.

• خانواده عزیز! مشارکت کودک باید توسط معلم هایی آموزش داده شود که صبور باشند و همچنین آگاه باشند که مشارکت نیز همانند خواندن و نوشتن و یا دوچرخه سواری و اسکیت آموختنی است.

• روانشناسان معتقدند اینکه افراد بزرگسال سعی کنند فرزند خود را مجبور کنند تا وسایل خود را با کودکان دیگر شریک شوند کاری بیهوده است.

• انتظار نداشته باشید به محض اینکه از کودکان می خواهید اسباب بازی خود را به دوستش بدهد او فوری با لیخند و با رضایت این کار را بکند. به جای آنکه بگوید

به دوستت هم بده باید از قبل روی موضوع گذشت و بخشش کار کنید.

• با آموزش گذشت و بخشش بر روی احساسات فرزندتان کار کنید. وقتی کودک شما دوست ندارد توپش را به دوستش بدهد به او بگویید " می بینم دوست داری تنها با توپت بازی کنی. وقتی بازی ات تمام شد مایل هستی آن را به دوستت بدهی؟ "

• وقتی کودک شما در وسایل بازی با دوستش شریک نشد به دوستش پیشنهاد بازی دیگری بدهید. مثلا بگویید: اینجا تعدادی گچ هست که می توانی با آن نقاشی کنی.

• هنگامی که کودک شما از روی شادی فریاد می کشد یا انگشتش را در بینی می کند، اجازه دهید دهیم کودک؛ کودکی کند. اما در مقابل جیغ و داد بی دلیل عکس العمل نشان می دهیم. این یعنی قوانین انضباطی برای موارد آزار دهنده

• شما تنها فردی هستید که دارید با فرزندتان زندگی می کنید پس بهترین شیوه های رفتاری را در پیش بگیرید تا فرزندتان اصلاح شود و زندگی بر وفق مرادتان گردد.

• کودکان زمان زیادی را پای تلویزیون می گذرانند اما با خاموش کردن آن تحمل جار و جنجال و سر و صدایی که راه می اندازد را ندارند. اگر اطمینان کامل برای اجرای مقررات در خانه ندارید هرگز آن را به مرحله عمل نرسانید.

• ولی شجاعی پور

چرا انقلاب شد؟

کرده‌اند، هر یک با رویکرد و نگرشی خاص به تحلیل چرایی وقوع انقلاب اسلامی بپردازند؛ اما آنچه مسلم است، انقلاب اسلامی ایران پدیده‌ای فرهنگی-اجتماعی بود که طی آن مردم ناراضی از شرایط حاکم بر جامعه و ناامید از انجام اصلاحات اساسی در ساختار سیاسی و اقتصادی، بر وضعیت موجود شوریدند و طرحی نو در انداختند. در وقوع انقلاب‌ها، مؤلفه‌هایی بسان شرایط اقتصادی و معیشتی مردم، مسائل اعتقادی، مذهبی و فرهنگی، عوامل سیاسی و نقش نیروهای خارجی دخالت دارند.

بی‌گمان هر یک از عوامل فوق در وقوع انقلاب اسلامی نقشی اساسی داشته‌اند. اما اینکه بخواهیم تنها یک عامل مشخص را زمینه ساز بروز انقلاب در ایران بدانیم، پذیرفتنی نیست. در سال‌های منتهی به انقلاب پنجاه و هفت، گرچه فقر و شکاف اقتصادی هنوز بخش زیادی از جامعه را دربر می‌گرفت، اما شاه به پشتوانه افزایش قیمت نفت و دلارهای نفتی توانسته بود گشایشی نسبی در رفاه کشور بوجود آورد و همین رونق اقتصادی باعث شده بود طبقه متوسط شهری متشکل از کارکنان نهادهای دولتی، فرهنگیان و حتی کسبه و بازار بسیار قدرتمندتر از گذشته به ایفای نقش بپردازند.

فضای اقتصادی جدید که به تبع خود باعث افزایش جایگاه اجتماعی و اقتصادی طبقه متوسط شده بود، برخی مطالبات تازه سیاسی را در جامعه مطرح کرد، افرادی که در بستر توسعه اقتصادی شاه به رفاه نسبی دست یافته بودند، به دنبال توزیع عادلانه قدرت در ساختار سیاسی و ایفای نقش مؤثر در پدیده‌های سیاسی و اجتماعی کشور بودند و ساختار مستبدانه شاهنشاهی را بر نمی‌تابیدند؛ از سویی به دلیل درک ناصحیح شاه از وضعیت جامعه و مطالبات و نیازهای اساسی مردم؛ به رغم بهبود در وضعیت اقتصادی، توسعه سیاسی در دستور شاه قرار نگرفت و بالعکس شاه به پشتوانه درآمدهای نفتی به تقویت نهادهای اطلاعاتی و امنیتی برای حفظ و مصونیت نظام شاهنشاهی و تحکیم حاکمیت مطلق و استبدادی خود پرداخت، غافل از اینکه هیچ عاملی به اندازه رضایت مردم نمی‌تواند در بقای یک نظام مؤثر باشد.

شاه با تکیه بر اطلاعات غیرواقعی و مشورت مشاورین متملق و همچنین ایجاد انحصار مطلق در فضای سیاسی، بروز و حضور هیچ صدای مخالفی را بر نمی‌تافت و با ممیزی و کنترل شدید روزنامه‌ها، نشریات و مطبوعات



برای ضبط و پخش مستقیم مراسم آماده‌اند. فرودگاه مهرآباد آماده استقبال از پرواز انقلاب بود.

روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، پرشکوه‌ترین استقبال تاریخی رقم خورد و هواپیمای ایرفرانس در حوالی ساعت ۹ صبح در فرودگاه مهرآباد نشست و حضرت امام، با قلبی آرام و مطمئن پس از ۱۵ سال هجرت، با گسترش قیام مردم و خروج شاه از ایران، شاپور بختیار به عنوان آخرین و تنها امید رژیم پهلوی و سردمداران غربی پشتیبان این رژیم، به عنوان نخست وزیر، باقی مانده بود. در طرف مقابل، تظاهرات مردم هر روز پرشورتر و مصمم‌تر می‌شد و شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بعنوان اصلی‌ترین خواسته مردم در نهضت انقلابی به رهبری امام خمینی مطرح می‌شد. امام خمینی که شرط ورود خود را به کشور، خروج شاه، اعلام کرده بودند، با فرار شاه در ۲۶ دی ۱۳۵۷، تصمیم به بازگشت گرفتند. قرار بود این رجعت تاریخی در روز پنجشنبه پنجم بهمن ۱۳۵۷ انجام گیرد اما بختیار، با بستن فرودگاه‌ها مانع از انجام این امر شد.

با انتشار خبر بسته شدن فرودگاه‌ها، مردم خشمگین به خیابان‌ها ریخته و با تحصن و شعارهای کوبنده، دولت بختیار را تحت فشار شدید قرار دادند. در همین زمان رییس شورای سلطنت، سید جلال تهرانی، در پاریس، ضمن استعفاء خدمت امام، اعلام کرد که شورای سلطنت غیر قانونی است. سرانجام، تحصن‌ها و تظاهرات عظیم مردم، بختیار را مجبور کرد، فرودگاه‌ها را باز کند. کارکنان اعتصابی تلویزیون اعلام کردند

پیچیده شود. بدین ترتیب، از ورود امام، ۱۰ روز تاریخی که بعدها دهه فجر انقلاب اسلامی نام گرفت، سپری شد تا طومار رژیم پهلوی و ۲۵۰۰ سال استبداد شاهنشاهی برای همیشه در هم پیچیده شود.

در تبیین وقوع انقلاب اسلامی ایران همانند سایر انقلاب‌های جهان، رویکردها و نظریات گوناگون و مختلفی مطرح شده است، تحلیلگران و کارشناسان سیاسی سعی

هواپیمای ایرفرانس حوالی ۹ صبح در فرودگاه مهرآباد نشست و حضرت امام، با قلبی آرام و مطمئن پس از ۱۵ سال هجرت، با پا به خاک میهن اسلامی گذاشتند. با گسترش قیام مردم و خروج شاه از ایران، شاپور بختیار به عنوان آخرین و تنها امید رژیم پهلوی و سردمداران غربی پشتیبان این رژیم، به عنوان نخست وزیر، باقی مانده بود. در طرف مقابل، تظاهرات مردم هر روز پرشورتر و مصمم‌تر می‌شد و شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بعنوان اصلی‌ترین خواسته مردم در نهضت انقلابی به رهبری امام خمینی مطرح می‌شد. امام خمینی که شرط ورود خود را به کشور، خروج شاه، اعلام کرده بودند، با فرار شاه در ۲۶ دی ۱۳۵۷، تصمیم به بازگشت گرفتند. قرار بود این رجعت تاریخی در روز پنجشنبه پنجم بهمن ۱۳۵۷ انجام گیرد اما بختیار، با بستن فرودگاه‌ها مانع از انجام این امر شد.

با انتشار خبر بسته شدن فرودگاه‌ها، مردم خشمگین به خیابان‌ها ریخته و با تحصن و شعارهای کوبنده، دولت بختیار را تحت فشار شدید قرار دادند. در همین زمان رییس شورای سلطنت، سید جلال تهرانی، در پاریس، ضمن استعفاء خدمت امام، اعلام کرد که شورای سلطنت غیر قانونی است. سرانجام، تحصن‌ها و تظاهرات عظیم مردم، بختیار را مجبور کرد، فرودگاه‌ها را باز کند. کارکنان اعتصابی تلویزیون اعلام کردند



و تشکیل احزاب خودساخته فرمایشی، راه را برای هرگونه اصلاحات ساختاری بسته بود؛ شاه تمام راه های متعارف و قانونی را برای هرگونه تغییری در ساختار نظام سیاسی کشور مسدود کرده بود و در چنین فضایی، تفکر عمومی به این سمت و سوی رفت که هیچ راهی به جز انقلاب و دگرگونی ناگهانی و عمیق نمی تواند شرایط موجود را تغییر دهد؛ شاه بدون اینکه توجهی به مطالبات واقعی مردم داشته باشد، بیشتر در پی اجرای برنامه های خودخواهانه بود، او بدون توجه به بافت سنتی و مذهبی جامعه ایران تلاش کرد سیاست غربی شدن ایران را به صورت جدی دنبال کند؛ برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و تبلیغ فرهنگ غربی در رسانه ها و مطبوعات، حساسیت بخش زیادی از جامعه مذهبی ایران را برانگیخت و بحران مشروعیت شاه را بیش از پیش نمایان ساخت.

در چنین شرایطی امام خمینی (ره) که از تحولات درونی جامعه ایران آگاه بود، تلاش کرد با تأکید بر عناصری چون استقلال طلبی، تکیه بر باورهای دینی و استبداد زدایی، جامعه ناراضی ایران را که همچون آتشی زیر خاکستر بود، تحریک کند. البته امام وعده برپایی حکومتی اسلام محور، آزادی سیاسی و حاکمیت قانون را هم به مردم پیشنهاد داد؛ وی استبداد و خودکامه بودن شاه را نشانه گرفت و به مردم قول داد پایه گذار حکومتی باشد که مردم در آن آزادانه سخن بگویند، احزاب سیاسی کشور مشارکت داشته باشند، مطبوعات و رسانه ها از زیر تیغ تیز سانسور

و فشار خارج شوند، قدرت موروثی و در انحصار عده ای خاص نباشد، امکان مشارکت موثر همگان در اداره کشور میسر شود، مردم سرنوشت خویش را رقم بزنند و در یک کلام قانون بجای شخص بر کشور حکومت کند.

برون داد شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و به تبع آن ناراضی عمیق مردم، در کنار اشتباهات شاه و اطرافیانش در کنار اختلاف نظر و سوءظن شاه به برخی کشورهای خارجی که آنها را مخالف پیشرفت و توسعه ایران می دانست باعث شد تا امام خمینی (ره) که سالها غم مبارزه با رژیم شاهنشاهی را به دوش می کشید، رهبری موج عظیم ملت ایران را عهده دار شود و با هدایت هوشیارانه و تکیه بر مشارکت واقعی مردم در مسیر پیروزی انقلاب، نظام جمهوری اسلامی ایران را بنیان نهد، آن هم در شرایطی که تنها چند ماه قبل از وقوع انقلاب، ایران توسط جیمی کارتر رئیس جمهور دموکرات وقت آمریکا، جزیره ثبات در یکی از آشوب زده ترین مناطق جهان معرفی شده بود.

اخلاق گریزی و دین ستیزی پهلوی ها در سال های پایانی رژیم پهلوی به شکل

افسارگسیخته ای درآمدن بود. نمایش صحنه های شرم آور در ملا عام در جشن هنر شیراز، نمایش بی بندوباری در تئاتر، سینما و تلویزیون، تغییر تقویم، تشدید اقدامات ضد دینی همچون باستان گرایی، حاکی از عزم رژیم پهلوی (با حمایت قدرت های خارجی و عوامل داخلی آنها) بر نابودی اسلام و هویت دینی و ملی ایرانیان بود. آشکار شدن فساد سیاسی، فساد اقتصادی و فساد اخلاقی رژیم پهلوی زمینه را برای اعتراض و قیام عمومی مهیا کرد و منجر به انقلابی شد که استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، آزادی و دست یازی به حکومتی پاک و طیب جزو اهداف اصلی آن محسوب می شد. در فرآیند این انقلاب پرشکوه، در ۲۶ دی ماه سال ۱۳۵۷ محمدرضا پهلوی از ایران رانده شد در حالی که امیدوار بود همچون گذشته باز هم به سریر قدرت بازگردد ولی در عمل او حتی برای قبر خویش نیز در ایران جایی نداشت.



اولین شهید زن انقلاب اسلامی که بود؟

داشتند، بیشتر بچه‌های این مدرسه نیز متعلق به خانواده‌هایی بودند که به نوعی درگیر مسایل سیاسی روز بودند. بدین ترتیب محبوبه در مدرسه رفاه تحت تعلیم معلمان مبارز قرار گرفت و هماهنگی آموزش‌های او در مدرسه و خانه، پایه‌های اعتقادی و مبارزاتی محبوبه را مستحکم کرد.

با شدت گرفتن فعالیت‌های مبارزاتی معلمان و دانش‌آموزان مدرسه رفاه، این مدرسه توسط دولت تعطیل شد و محبوبه و دیگر دانش‌آموزان مبارز این مدرسه مجبور شدند به دبیرستان هشترودی بروند؛ مدرسه‌ای که فضایی غیردینی و کاملاً متفاوت با مدرسه رفاه داشت و نفوذ ساواک در آن زیاد بود. با این حال آتش مبارزه که در جان محبوبه و دیگر دوستانش روشن شده بود، نه تنها در فضای نامساعد دبیرستان هشترودی خاموش نشد، بلکه شعله‌ورتر هم گردید؛ چراکه آن‌ها با راه‌انداختن انجمن اسلامی، فعالیت‌های مبارزاتی خود را بیش از پیش توسعه دادند^(۳).

محبوبه؛ سرسخت در کشف حقیقت و شجاع در مبارزه

فضای مذهبی و روشنفکر خانواده دانش‌آشتیانی به همراه تعلیمات مدرسه رفاه، جو انقلابی جامعه و آشنایی با حرکت‌های اسلامی مبارزاتی، باعث شد که محبوبه در نوجوانی آشنایی کافی نسبت به مسایل اجتماعی پیدا کند و برای یافتن پاسخ‌های مناسب به سؤالات بی‌شمار خود، به مطالعه دقیق و اصولی قرآن و نهج‌البلاغه اهتمام جدی داشته باشد^(۴).

او برای ارتقای سطح فکری خود، از طریق شهید مالکی و شهید بهشتی روی قرآن کار می‌کرد. یکی از دوستان او در این باره می‌گوید: «محبوبه قرآن را طوری خوانده بود که در حاشیه همه صفحاتش مطلب و سؤال نوشته بود؛ در صورتی که در آن دوران اگر کنار قرآن مطلبی می‌نوشتی و سؤالی می‌پرسیدی، زندان داشت.»^(۵)

علاوه بر قرآن و نهج‌البلاغه، محبوبه کتاب‌هایی که درباره مسایل

زنان در تاریخ انقلاب اسلامی به منزله بازوان توانمند انقلاب و برانگیزنده شعله‌های فروزان آن به شمار می‌آیند؛ چراکه نقش به‌سزایی در راهپیمایی‌ها، تظاهرات و فعالیت‌های سیاسی نهضت امام خمینی(ره) ایفا کردند.

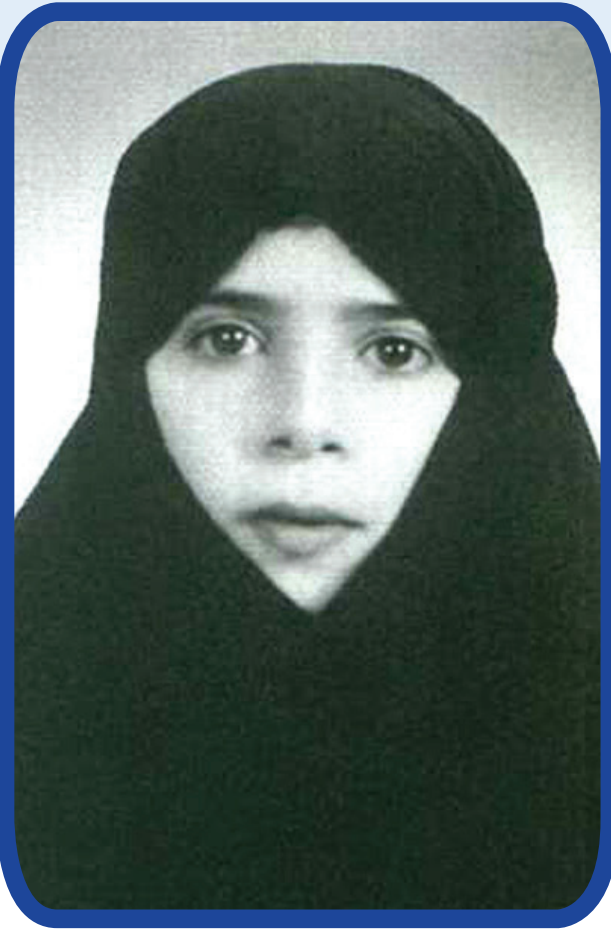
فاجعه هفدهم شهریور ۱۳۵۷ که یکی از نقاط عطف مبارزات مردم ایران علیه حکومت پهلوی دوم بود، به خوبی نقش مؤثر زنان در پیروزی انقلاب را ثبت کرده است؛ در این روز زنان ایرانی دوشادوش مردان حضور مؤثری را به نمایش گذاشتند و در جریان وقایع میدان ژاله، اولین شهید خود در دوران انقلاب - محبوبه دانش‌آشتیانی - را تقدیم کردند. (در همین زمینه: زنان و شهریور خونین ۵۷)

محبوبه دانش‌آشتیانی نماد شجاعت و فداکاری زن ایرانی برای پیروزی انقلاب اسلامی است که با خون خود، مهر تأییدی بر حماسه زنان مبارز این مرز و بوم زده است.

شرح حال محبوبه دانش‌آشتیانی؛ از تولد تا دبیرستان

محبوبه در غروب یکی از روزهای سرد بهمن سال ۱۳۴۰ در خانواده‌ای مذهبی در تهران به دنیا آمد و در سایه حمایت پدری فرهیخته و مادری مؤمن، پرورش یافت. پدرش غلامرضا دانش‌آشتیانی، روحانی فرهیخته و متعهدی بود که به تربیت اسلامی فرزندانش اهمیت زیادی می‌داد و با کسانی چون شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید مفتاح و شهید باهنر رفت‌وآمد داشت و بدین ترتیب محیط خانواده او، افق‌های روشنی را برای بالندگی فکری و روحی محبوبه خردسال فراهم کرد^(۱). توجه پدر به تربیت اسلامی فرزندانش باعث شد که محبوبه را در مدرسه مذهبی - سیاسی رفاه ثبت‌نام کنند؛ این مدرسه که در سال ۱۳۴۸ به اهتمام مبارزاتی چون شهید رجایی، شهید باهنر، هاشمی‌رفسنجانی و تحت حمایت مؤسسه خیریه رفاه و تعاون تأسیس شده بود^(۲)، محیط مناسبی برای رشد فکری و مبارزاتی محبوبه نوجوان فراهم کرد؛ چراکه علاوه بر معلم‌های مدرسه که فعالیت‌های گسترده سیاسی و مذهبی





سیاسی و مبارزاتی نوشته می‌شدند را به دقت می‌خواند و توجه ویژه‌ای به مطالعه آثار دکتر شریعتی و شهید مطهری داشت. او بارها برای یافتن پاسخ سؤالاتش با شهید مفتوح بحث می‌کرد و تا به جواب نمی‌رسید، دست بر نمی‌داشت. همین درایت، ذهن پویا و مطالعه زیاد باعث شد که محبوبه از نظر فکری بسیار فراتر از همسالان خود بیاندیشد. یکی از همکلاسی‌هایش در این باره می‌گوید: «همه کارهایی را که ما تازه در دبیرستان شروع می‌کردیم، او در سال‌های راهنمایی انجام داده بود. واقعا سنش با تجربه‌ها و به خصوص استقلال و قدرت فکری‌اش نمی‌خواند.»^(۶)

محبوبه در سال اول دبیرستان هم‌زمان با تحصیل، فعالیت‌های

سیاسی و اجتماعی خود را به شکل منسجم آغاز کرد. او اعلامیه‌های امام (ره) را به مدرسه می‌برد و درباره آن‌ها با دانش‌آموزان صحبت می‌کرد. در مسجد گلشن به آموزش قرآن می‌پرداخت، جلسات هفتگی با بچه‌ها داشت و به بحث درباره احکام اسلام و شیوه‌های صحیح مبارزه می‌پرداخت. سیر مطالعاتی او برای بچه‌های مسجد یا دیگر جاها به قدری جدی و درست بود که بچه‌ها واقعا به وفاداری، وفای به عهد، صداقت، نظم، پایداری و صفات انسانی ایمان پیدا می‌کردند و این صفات در آن‌ها نهادینه می‌شد^(۷)

او علاوه بر فعالیت‌های فوق، اداره کتابخانه‌ای در خیابان سیروس را به عهده گرفته بود و برای بچه‌های محروم جنوب شهر کتاب می‌برد. همچنین یک برنامه دقیق مطالعاتی برای آن‌ها تنظیم کرده بود و به این ترتیب یک حرکت اجتماعی عمیق و به دور از جنجال گروه‌ها را در میان کودکان و نوجوانان آغاز کرده بود^(۸)

دختر جوان خانواده دانش‌آشتیانی مبارزه و حرکت مردمی خود را شجاعانه، مستقل و بدون وابستگی به گرایش‌های مختلف سیاسی پیگیری می‌کرد. او در اکثر مواقع اعلامیه‌ها و کتاب‌های شریعتی و مطهری را

جا را گرفت و عده زیادی از تظاهرکنندگان در خون خود غلطیدند و به شهادت رسیدند. مأموران رژیم شاه «ابتدا خاکاره‌های آغشته به بنزین را بر کف خیابان ریخته و آتش زدند و چون انبوه جمعیت هراسان در تلاطم افتاد... آتش مسلسل‌ها را گشودند... همه کوچه‌ها و خیابان‌های فرعی را با تانک و زره‌پوش مسدود کردند تا کسی را توان گریختن نباشد. هدف، نه پراکنده کردن مردم بود و نه مرعوب‌ساختن. همه گلوله‌ها به قصد کشتن شلیک می‌شد...»^(۱۰) پرچم استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی در دست محبوبه بود. او شجاعانه بر سر عقیده خود ایستاده بود و شعار می‌داد که ناگهان گلوله، قلب پر ایمانش را شکافت؛ سرو قامتش بر زمین افتاد و در خون خود غلطید تا خونش مهر تأییدی بر حضور زن مسلمان ایرانی در عرصه‌های نبرد حق علیه باطل باشد^(۱۱) پی‌نوشت:

در کفیش داشت و در برخورد با افرادی که عقاید انحرافی داشتند و یا در مقابل مأموران ساواک، بسیار شجاعانه و محتاط عمل می‌کرد^(۹)

دو سال آخر دبیرستان، هم‌زمان با اوج‌گیری مبارزات در سطح جامعه، درس برای محبوبه تبدیل به مسئله‌ای فرعی شد و با افزوده شدن آگاهی نسبت به جامعه، با عزم یک مسلمان رشید، به شکلی جدی وارد عرصه مبارزات شد.

جمعه سیاه؛ شهادت محبوبه

صبح روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ دولت‌مردان پهلوی دوم که از گسترش تظاهرات و مبارزات مردم به هراس افتاده بودند، تصمیم گرفتند که در تهران و یازده شهر دیگر به مدت ۶ ماه حکومت نظامی اعلام کنند، اما تظاهرکنندگان بی‌اعتنا به اخطارهای فرمانده نیروهای نظامی در صف‌های فشرده به طرف میدان ژاله رفتند و در آنجا تجمع کردند. محبوبه نیز در میان تظاهرکنندگان بود. او که غسل شهادت کرده بود و سلاح‌های سنگین مأموران امنیتی بر پشت‌بام خانه‌های اطراف میدان را می‌دید، لحظه‌ای تردید نکرد و خود را به ضلع شمالی میدان، که محل تجمع زنان بود رساند. دیری نگذشت که صدای گلوله و فریاد همه

۱. مسعود دانش‌آشتیانی، برای پیدا کردن حقیقت سرسخت بود: «شهید محبوبه دانش در قامت یک خواهر»، شاهد یاران، بهمن ۱۳۸۶، شماره ۲۷، ص ۱۸.
۲. ساسان طهماسبی کهیانی، نقش زنان در نهضت امام خمینی (ره)، تهران، سازمان اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹.
۳. مریم حیدرعلی، «شهید محبوبه دانش در قامت یک دوست»: هوشیاری و درایت او زبان‌زد بود، شاهد یاران، بهمن ۱۳۸۶، شماره ۲۷، ص ۲۳.
۴. علی دانش‌آشتیانی، محبوبه، نماد شور و پویایی جوان مسلمان، شاهد یاران، بهمن ۱۳۸۶، شماره ۲۷، ص ۱۰.
۵. معصومه بزرگی، «شهید محبوبه دانش در قامت یک دوست»: شکل طبیعی مدیر می‌شد، شاهد یاران، بهمن ۱۳۸۶، شماره ۲۷، ص ۲۲.
۶. حیدرعلی، همان، ص ۲۴.
۷. بزرگی، همان، ص ۲۲.
۸. علی دانش‌آشتیانی، همان، ص ۱۰.
۹. فهیمه دانش‌آشتیانی، «شهید محبوبه دانش در قامت یک خواهر»: راهش را آگاهانه انتخاب کرده بود، شاهد یاران، بهمن ۱۳۸۶، شماره ۲۷، ص ۱۷.
۱۰. جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۳۵۲.
۱۱. بی‌نام، شهید محبوبه دانش‌آشتیانی در یک نگاه: دلی که با ایمان می‌تپید، شاهد یاران، بهمن ۱۳۸۶، شماره ۲۷، ص ۹.

منبع: iusnews.ir

راههای دریافت خسارت در تصادفات رانندگی

بیمه‌گر باید خسارت را بدهد

در سال‌های اخیر به دلیل پرتنگ شدن حضور بیمه‌ها در کشور در صورت بروز تصادف این شرکت‌های بیمه هستند که باید خسارت را جبران کنند. البته این باید، بجز مواردی است که تصادف منجر به کشته شدن فردی شود. این مورد در ماده ۱۶ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه پیش‌بینی شده است. در این قانون آمده است که «در حوادث رانندگی منجر به صدمات بدنی غیر از فوت، بیمه‌گر وسیله نقلیه مسبب حادثه یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی حسب مورد موظفند پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه و در صورت لزوم گزارش سایر مقامات انتظامی و پزشکی قانونی بلافاصله حداقل ۵۰ درصد از دیه تقریبی را به اشخاص ثالث زیان‌دیده پرداخت کرده و باقی‌مانده آن را پس از معین شدن میزان قطعی دیه بپردازند». به یاد داشته باشید که در حوادث رانندگی منجر به فوت، شرکت‌های بیمه می‌توانند در صورت توافق با راننده مسبب حادثه و ورثه متوفی، بدون نیاز به رای مراجع قضایی، دیه و دیگر خسارت‌های بدنی وارده را پرداخت کنند.

صندوق تأمین خسارات بدنی

البته کم نیستند مواردی که شرکت‌های بیمه زیر بار مسئولیت جبران خسارت نمی‌روند. مواردی مانند تمام شدن مدت بیمه‌نامه یا بیمه نبودن خودرو از این موارد است در اینجا پای صندوق تأمین خسارت بدنی به میان می‌آید و این صندوق خسارت را پرداخت می‌کند. این مورد در ماده ۱۰ قانون جدید درج شده است. این ماده قانونی می‌گوید: «به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرار کردن یا شناخته نشدن مسئول حادثه یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه باشد (به استثنای موارد مصرح در ماده ۷) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت خواهد شد.»

در این ماده حتی پیش‌بینی شده است که اگر راننده خاطی فرار کند، این صندوق مسئولیت را به عهده می‌گیرد و خسارت را جبران می‌کند. البته این مورد نیز شرایطی دارد؛ مثلاً باید مجهول بودن مسئول حادثه اثبات شود.



قابل سرزنشی شده است. در واقع ممکن است بدون ارتکاب تقصیر هم تصادفی رخ دهد و زیانی به بار آید که در این صورت احتمال دارد شخص بی‌گناه مسئول شناخته شود. پس مسئول جبران زیان وارده همیشه مقصر نیست.

در تبصره دو ماده یک قانون اصلاح قانون بیمه اجباری نیز آمده است که «مسئولیت دارنده وسیله نقلیه مانع از مسئولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است، نیست.»

بد نیست بدانید که برابر تبصره ۱ ماده ۱ «قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث»، دارنده همان مالک یا متصرف وسیله نقلیه است و هرکدام که بیمه‌نامه موضوع این ماده را تحصیل کند تکلیف از دیگری ساقط می‌شود.

البته در ماده ۱۹ قانون فوق دارنده کسی است که از وسیله نقلیه استفاده می‌کند و باید بیمه‌نامه وسیله را به همراه داشته باشد.

بر اساس مفهوم ماده، دارنده مسئول جبران زیان‌هایی است که بر اثر وسیله نقلیه یا پدک یا تریلر یا از محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد می‌شود.

هر روز تعداد زیادی تصادف در کشور رخ می‌دهد که بخش از آنها تصادف‌هایی است که خسارت به بار می‌آورند. همیشه بعد از وقوع تصادف و رخ دادن حادثه این سوال مطرح می‌شود که چه کسی باید خسارت ناشی از این اتفاق را پرداخت کند؟ در سال‌های اخیر و با توجه به اجباری شدن بیمه شخص ثالث، بسیاری بیمه‌ها را پاسخ به این پرسش می‌دانند اما باید بدانید که راه‌های دیگری نیز برای جبران خسارت وجود دارد.

وقتی حادثه رخ می‌دهد در قدم اول باید معلوم شود مسبب اصلی تصادف کیست. باید بدانید که برابر قانون در سوانح رانندگی کسی که حادثه مستقیماً از فعل وی ناشی شده، مسئول و قابل تعقیب است و قانون جدید هم مانعی بر سر این مسئله ایجاد نکرده است.

به نقل از حمایت، در تبصره دو ماده یک قانون اصلاح قانون بیمه اجباری آمده است: «مسئولیت دارنده وسیله نقلیه مانع از مسئولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است، نیست.»

به عبارتی در حوادثی که مطالبه زیان ناشی از آن مشمول قانون اصلاحی است، می‌توان علیه مقصر حادثه طرح دعوا کرد. مقصود از مسبب حادثه شخصی است که مرتکب فعل

نقش بیمه‌ها بعد از تصادف

حال فرض را بر این بگیرید که بعد از تصادف شرکت بیمه بخواهد پرداخت‌کننده خسارت باشد؛ باید بدانید که در این مورد نیز قوانین و مقررات زیادی وجود دارد. برای نمونه اگر هنگام بروز تصادف طرفین به توافق برسند و میزان خسارت آن زیر ۳ میلیون تومان باشد لازم به کشیدن کروکی و گزارش پلیس نیست و دو طرف می‌توانند با هماهنگی یکدیگر به مراکز پرداخت خسارت بیمه مراجعه و خسارت خود را دریافت کنند. باید به خاطر داشته باشید اگر قصد حل کردن مشکل به این روش را دارید طبق قوانین بیمه، خودرو مقصر و زیان‌دیده نباید تعمیر شده باشند ضمن آنکه برای دریافت خسارت، حضور دوطرف یعنی زیان‌دیده و مقصر الزامی است. این نکته را نیز باید در نظر داشته باشید که اگر با شخصی تصادف کرده‌اید و او مقصر حادثه است باید به شرکت پرداخت خسارت بیمه‌نامه فرد مقصر مراجعه کنید. برای مثال اگر شما بیمه شخص ثالث بیمه ایران دارید و فرد مقصر بیمه شخص ثالث بیمه البرز، باید به واحد پرداخت خسارت بیمه البرز مراجعه کنید نه به واحد پرداخت خسارت بیمه ایران.

اگر با مقصر به توافق نرسیدید

در حالت ذکرشده نیازی به مامور نیروی انتظامی نبود زیرا دو طرف با هم به نتیجه رسیده بودند اما گاهی پیش می‌آید که طرفین تصادف به نتیجه نمی‌رسند و مقصر تقصیر خود را نمی‌پذیرد؛ در این جاست که باید پلیس وارد میدان شود. در این زمان می‌توانید

با پلیس راهنمایی رانندگی از طریق شماره ۱۱۰ تماس بگیرید. در نظر داشته باشید تصادفاتی که خسارتش زیر ۳ میلیون ریال باشد و طرفین بر سر این موضوع توافق نرسند در صورتی که افسر راهنمایی و رانندگی در صحنه حاضر شود کروکی صادر نخواهد کرد و طرفین باید به مراکز پرداخت خسارت مراجعه کنند. کروکی فقط به تصادف‌های بالای این رقم تعلق می‌گیرد.

البته این مورد فقط مربوط به تصادف‌های خسارتی است و در مواقع تصادفی که منجر به جراحت و خسارت جانی شود حضور افسر راهنمایی و رانندگی الزامی است و برای پرداخت خسارت نیز به کروکی و گزارش پلیس نیاز است. همچنین در بیشتر تصادفات که منجر به جرح نمی‌شود می‌توانید صحنه تصادف را به هم بزنید و خودروها را منتهی‌الیه سمت راست هدایت کنید و از محل حادثه قبل از برهم زدن صحنه تصادف و خودروها عکس بگیرید یا فیلمبرداری کنید که برای پلیس راهنمایی و رانندگی نیز قابل استناد باشد.

یکی دیگر از انواع تصادف

همیشه طرف دوم تصادف فرد یا خودرو نیست گاهی نیز پیش می‌آید که اتومبیل با جسم دیگری برخورد می‌کند. باید بدانید که در برخورد اتومبیل با جسم ثابت مانند جدول، درخت و... برای دریافت خسارت نیاز به کروکی و برگه گزارش پلیس است و در این نوع حادثه فقط بیمه بدنه برای بیمه‌گذار جبران خسارت می‌کند و خسارت بیمه شخص ثالث هیچگونه خسارتی پرداخت نخواهد کرد.

همچنین اگر در هنگام بروز تصادف بر اثر ضربه وارد شده اتومبیل شما نیز به جسم ثابتی برخورد کند برای دریافت خسارت قسمت زیان‌دیده اتومبیل بر اثر برخورد با جسم ثابت از شرکت بیمه حتماً کروکی پلیس لازم و ضروری است.

یک نکته ضروری

اینکه بعد از تصادف علاوه بر خسارت ریالی بخش زیادی از وقت خسارت‌دیده نیز تلف می‌شود صحت دارد اما بد نیست بدانید که جبران این خسارت نیز در قانون پیش‌بینی شده است. در تصادف رانندگی، فرد زیان‌دیده می‌تواند علاوه بر دریافت خسارت‌های وارده به خودرو از طریق بیمه، تمام هزینه‌های مرتبط با تصادف را محاسبه کند و از طریق شکایت حقوقی، از طرف مقابل، مطالبه کند. این راهی است که براساس قانون «مسئولیت مدنی» پیش پای زیان‌دیدگان گذاشته شده است و اینکه کسی تا به حال از این حق استفاده نکرده، نمی‌تواند دلیلی باشد بر اینکه، این حق اساساً وجود ندارد. هرگاه بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و یا عدم رعایت نظامات دولتی و یا عدم مهارت رانندگی منتهی به قتل غیرعمدی شود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه، به حبس نیز محکوم می‌شود. البته اگر «گواهینامه رانندگی نداشتن» مرتکب را به این موارد اضافه کنیم، مجازات جدی‌تر خواهد شد و قاضی باید شدیدترین مجازات را در این گونه موارد انتخاب کرده و شخص مقصر را به آن مجازات محکوم کند.



معرفی استارت‌آپ‌های معروف ایرانی

تنظیم: یوسف قدیانی

بزرگی در پیشرفت اینگونه بازی و نرم افزارها ایفا نمود. این زنبیل کوچک کمتر از ۵ سال است که بافته شده است اما با همین سن کم توانسته به یکی از محل‌های مورد اطمینان برای داندلود بازی و نرم افزار اندروید تبدیل شود.

اسنپ

اسنپ یکی از استارت‌آپ‌های موفق و الهام گرفته شده از ایده خلاقانه Uber (بزرگ‌ترین شرکت تاکسی رانی دنیا) است. این شرکت توانست با داشتن یک اپلیکیشن موبایل، افرادی که تمایل دارند تا به عنوان تاکسی فعالیت کنند را جذب کرده و با آن‌ها همکاری داشته باشد. از طرفی با ارائه خدماتی با کیفیت بالا و پشتیبانی قوی به همراه هزینه پایین، مشتریان زیادی را به خود جذب نماید. این شرکت که در سال ۱۳۹۳ توسط شهرام شاهکار، یک دانشجوی مهندسی برق دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان اولین استارت‌آپ ایرانی در زمینه حمل و نقل عمومی تأسیس شد.

آپارات

از زمانی که وب سایت آپارات شروع به فعالیت نموده است ۵ سال می‌گذرد، این سایت در واقع بومی سازی شده سایت یوتیوب می‌باشد که با فیلتر بودن این شبکه جهانی در ایران آپارات توانسته به خوبی جایگزین مناسبی برای این وب سایت در داخل کشور باشد و از این طریق به درآمد قابل توجهی دست پیدا کند. این سایت در سال ۸۰ تأسیس شد و در سال ۹۳ پس از تأسیس حساب کاربری رئیس جمهور در این سایت، آپارات رسماً وارد دنیای پخش ویدیوی آنلاین شد. سایت آپارات از سایت‌های زیر مجموعه شرکت صبا ایده است، این شرکت مالک سایت‌هایی نظیر میهن بلاگ و سایت تبلیغات کلیک صبا ویژه نیز می‌باشد.

تپسی

تپسی (TAP30) رقیب قدر اپلیکیشن اسنپ، سامانه هوشمند درخواست تاکسی است که در حال حاضر در شهرهای تهران و کرج و اصفهان و شیراز و تبریز و مشهد خدمات خود را ارائه می‌دهد. تپسی از طریق اپلیکیشن موبایل و پنل سازمانی، شما را با سفیران (رانندگان) مرتبط می‌سازد. شما به راحتی، با دو کلیک می‌توانید درخواست خودرو دهید و سفری با کیفیت، ایمن و ارزان را تجربه کنید. پدیدآورنده این استارت‌آپ میلاد منشی‌پور نام دارد. میلاد در دانشگاه تهران مهندسی مکانیک خواند و سپس به فرانسه رفت و از مدرسه عالی مدیریت پاریس (HEC) در رشته MBA فارغ‌التحصیل شد.

لپتاب و... می‌نمود ولی با گذشت زمان به فکر فروش این محصولات در وب سایت خود افتاد

تا به امروز که شاهد این هستیم که تقریباً کالایی نمانده که شما مشابه آن را در دی جی کالا یافت نکنید.

این فروشگاه با ضمانت یک هفته‌ای تعویض و پس گرفتن کالای فروخته شده این آرامش خاطر را به مشتری می‌دهد که اولاً جنسی که به دست او می‌رسد اصلی است و ثانیاً در صورتی که از کیفیت و کارایی کالا رضایت نداشته باشد می‌تواند با انجام مقدمات کار کالای خریداری شده‌ی خود را برای شرکت باز پس بفرستد و به جای آن کالایی مشابه‌ای دریافت نماید و یا اینکه هزینه پرداختی خود را باز پس گیرد.

کافه بازار

این شرکت بزرگ‌ترین بازار انواع اپلیکیشن‌های گوشی‌های هوشمند در ایران می‌باشد. موسسان این استارت‌آپ توانسته‌اند میلیون‌ها کاربر، تبلیغات کنندگان اینترنتی و برنامه نویسان گوشی‌های هوشمند را از طریق بستریهایی مانند آپ استور بازار به یکدیگر متصل نمایند.

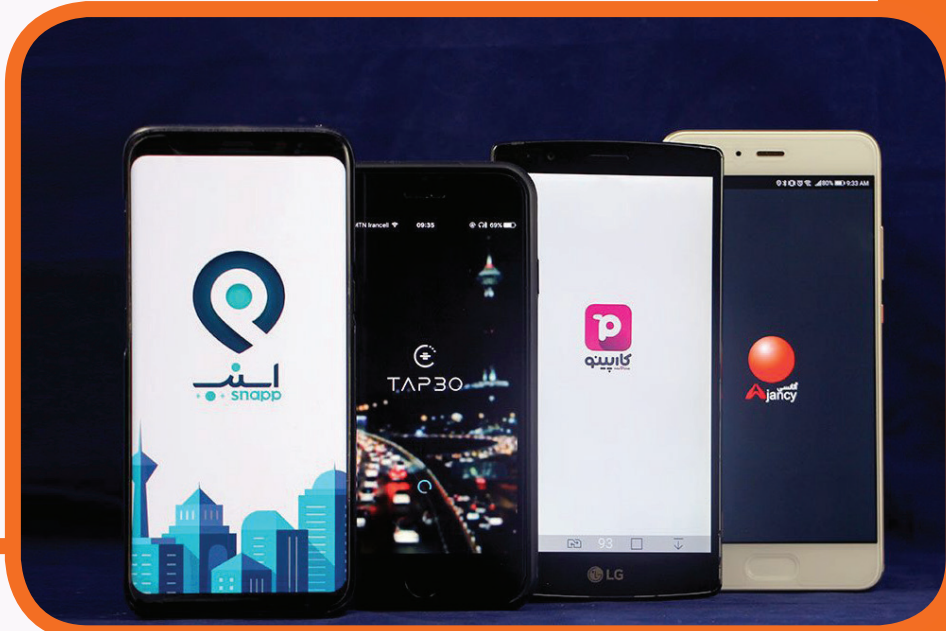
پس از اینکه شرکت گوگل برای دسترسی کاربران ایرانی به برنامه‌های قرار داده شده در فروشگاه گوگل (گوگل پلی) محدودیت ایجاد کرد شرکت آوای همراه هوشمند با بومی سازی برنامه‌ای مشابه برنامه گوگل پلی توانست تا حد قابل قبولی خلا ایجاد شده برای کاربران اندرویدی را از بین ببرد و با در دسترس قرار دادن بازی‌ها و نرم افزارهای تولید داخل سهم

دنیای تکنولوژی و استارت‌آپ هر روز در حال پیشرفت و معرفی ایده‌های جدید است. استارت‌آپ یک رویداد یا همایش، یک وب سایت و یا اپ موبایل نیست. استارت‌آپ یک شرکت کوچک که در حال درآمدزایی و رشد است، نیست. استارت‌آپ یک سازمان موقت است که با هدف یافتن یک مدل کسب و کار تکرارپذیر و مقیاس پذیر بوجود آمده است. استارت‌آپ‌ها، معمولاً حول ایده‌های نوآورانه و خلاقانه بنا می‌شوند. در واقع فرد یا افرادی خوشفکر، با ایده‌های نو، در جستجوی روش‌هایی برای کسب درآمد از آن ایده و تولید انبوه محصولات یا خدمات مبتنی بر آن ایده هستند. نوآوری در استارت‌آپ‌ها، به شکل نوآوری در بازار یا نوآوری در محصولات و خدمات خود را نشان می‌دهد.

به دلیل اهمیت استارت‌آپ‌ها قصد داریم در اینجا ۹ استارت‌آپ معروف ایران که ضمن درآمدزایی بالا تقریباً در این زمینه پیشرو هستند را معرفی کنیم برخی از این استارت‌آپ‌ها برند شده و از نظر ارزش گذاری بسیار بالا هستند.

دیجی کالا

دیجی کالا بزرگ‌ترین شرکت خرده‌فروشی اینترنتی در ایران است که در سال ۲۰۰۶ راه اندازی گردید. امروزه دیجی کالا، پربازدیدترین سایت در خاورمیانه و بزرگ‌ترین سایت فروش محصولات دیجیتالی و الکترونیکی در ایران می‌باشد. این وب سایت در آغاز راه خود تنها به نقد و بررسی کالاهای دیجیتالی نظیر موبایل و



خورشت به‌وآلو به سبک اصفهانی

فاطمه عسگری



- مواد لازم:
- گوشت گوسفندی خرد شده ۴۰۰ گرم
 - به بزرگ ۲ عدد
 - پیاز متوسط نگینی خرد شده ۱ عدد
 - آلو بخارا ۱۵ تا ۲۰ عدد
 - شکر ۱ تا ۲ قاشق غذاخوری
 - کره ۳۰ گرم
 - آبلیمو تازه ۱ قاشق سوپ‌خوری
 - رب گوجه فرنگی در صورت تمایل
 - نمک، فلفل سیاه و زردچوبه به میزان لازم

اسنپ فود

یکی از جذاب‌ترین استارت‌آپ‌های موفق ایرانی اپلیکیشن‌های سفارش آنلاین غذا می‌باشد. ایده این استارت آپ سرویس دلیوری غذا در کمترین زمان به همه نقاط تهران است. این اپلیکیشن بر حسب موقعیت جغرافیایی، تمامی رستوران‌های طرف قرارداد خود را به شما نمایش می‌دهد. بدین ترتیب، شما می‌توانید از رستوران مورد نظر، غذای مورد علاقه خود را سفارش داده و پرداخت آن را به صورت آنلاین انجام دهید. این شرکت به تازگی و با توجه به سیاست‌های مجموعه روماک، به اسنپ فود تغییر نام داده است.

علی بابا

علی بابا با سابقه‌ترین، بزرگ‌ترین و معتبرترین سامانه‌ی خرید اینترنتی بلیط هواپیما و قطار است. علی بابا نه تنها تمامی پروازهای ثبت شده در سیستم پروازهای بین‌المللی را که از مبدا یا مقصد تهران انجام می‌شود برای شما جستجو می‌کند، بلکه این جستجو را برای تمامی مقاصد پروازی و ایرلاین‌های خارجی که امکان خرید آنلاین بلیط آن‌ها موجود است انجام می‌دهد. همچنین برای خرید بلیط چارتر، علی بابا مطمئن‌ترین گزینه است، چرا که استرداد آنلاین پروازهای کنسل شده را تضمین می‌کند.

دیوار

دیوار از محبوب‌ترین و معروف‌ترین استارت‌آپ‌های ایرانی به حساب می‌آید. قطعا برای شما هم پیش آمده که بخواهید وسیله‌ای را به صورت دست دوم خریداری نمایید یا وسایلتان را که دیگر برای شما کارایی‌ای ندارد به فروش برسانید.

این سایت یک سایت فروش محصولات دست دوم می‌باشد و کاربران می‌توانند ابزار، لوازم و وسایلی که به آن‌ها نیازی ندارند در این سایت به فروش برسانند. درج آگهی در این سایت هزینه‌ای ندارد ولی پس از مدتی که از ثبت آگهی شما می‌گذرد به دلیل اینکه ممکن است آگهی‌های مشابه‌ای بر روی آگهی شما قرار گیرد و یا پایان یک ماه رایگان بودن درج آگهی عملا دیده شدن آگهی شما با مشکل مواجه شود می‌توانید با پرداخت هزینه‌ای اصطلاحاً آگهی خود را نردبان کنید و دوباره آنرا به بالای لیست فروش در سایت منتقل کنید همچنین می‌توانید آگهی خود را از نوع ویژه انتخاب کنید و با درج ستاره در کنار آگهی خود توجهات بیشتری را به سمت آن جلب نمایید. این سایت در حال حاضر دو اپلیکیشن برای گوشی‌هایی با پلتفرم اندروید و ای او اس منتشر کرده که کاربران با استفاده از این اپ‌ها می‌توانند کالای مد نظر خود را بدون مراجعه به سایت خریداری نمایند. شیپور نام دیگر سایتی است که کاری مشابه سایت دیوار را انجام می‌دهد.



مطبخ...

۱۹

شاهد جوان / شماره ۱۵۰

قبل از شروع باید بگم، این نوع خورش به هم به صورت کاملاً شسیرین و هم به صورت ملس (ترش و شسیرین) درست میشه. قبلاً این خورش همراه نون خورده می‌شده، ولی الان در کنار چلو هم سرو میشه و خیلی هم پرطرفداره. برای شروع پیازی رو که به صورت نگینی خرد کردیم همراه با مقدار روغن داخل قابلمه ریخته و تفت می‌دیم تا سبک و نرم بشه.

۱. سپس گوشت رو اضافه می‌کنیم و همراه با پیاز تفت میدیم تا رنگش تغییر پیدا کنه و لایه روی گوشت منسجم بشه.

۲. سپس کمی زردچوبه و فلفل رو به گوشت و پیاز تفت خورده اضافه می‌کنیم و خوب مخلوطشون می‌کنیم.

۳. سپس مقداری آب در حدی که روی گوشت‌ها رو با فاصله یک بند انگشت بگیره می‌ریزیم. این خورش در اصطلاح باید تنگ آب باشه یعنی بعد از جا افتادن باید مقدار کمی آب داشته باشه. درب قابلمه رو روش قرار میدیم و اجازه میدیم تا گوشت با حرارت ملایم بپزه.

۴. به‌هارو بعد از شستشو به صورت مکعب‌های درشت برش می‌زنیم. بافت به‌ها بسیار لطیف و نرم هست و در حین پخته شدن، اگر خیلی ریز برش خرده باشن، یا نازک باشه بافت خودش رو از دست میده و خورش ما دیگه چهره فشنگی نخواهد داشت.

۵. بعد از خرد کردن به‌ها، کره رو توی ماهیتابه ذوب می‌کنیم و البته مواظبیم که حرارت ملایم باشه و بلافاصله بعد از ذوب شدنش به‌های خرد شده رو اضافه می‌کنیم و یک تفت کوچیک بهشون میدیم.

۶. به‌ها که کمی طلایی رنگ شدند از روی حرارت برشون میداریم.

۷. به‌های تفت داده شده رو به گوشت پخته شده اضافه می‌کنیم و درب قابلمه رو میگذاریم. برای اینکه به رنگ قشنگ و قرمز رو به خوبی نشون بده سعی میکنیم تا حدوداً نیم ساعتی که برای پخت به زمان لازم داریم، درب قابلمه رو باز نکنیم.

۸. در ۱۵ دقیقه پایانی پخت آلو‌هایی رو که از قبلاً با مقداری آب سرد خیس کرده بودیم، آبکش می‌کنیم و بعد به خورش اضافه می‌کنیم.

۹. و در ۵ دقیقه پایانی، چاشنی‌ها رو اضافه می‌کنیم. شکر رو بنا به ذائقه میتونیم کم یا زیاد کنیم. همچنین مقدار خیلی کم نمک به اندازه ۴/۱ قاشق چایخوری به خورش اضافه می‌کنیم.



وداعی عاشقانه

ما ابوالقاسم حجتی را آخرین بار قبل از عملیات والفجر چهار دیده بودیم. آن روزها جهاد سازندگی نجف آباد عهده دار ساختن یکی از تأسیسات امنیتی بود که در عملیات نقشی عمده داشت. ابوالقاسم حجتی مسئول مهندسی - رزمی جهاد سازندگی نجف آباد بود و از همان آغاز، همه‌ی حیات خویش را عاشقانه در مذبح جبهه‌ها قربانی کرده بود.

با شهادت ابوالقاسم تعداد شهدای خانواده‌ی حجتی‌ها به پنج تن رسید، اما اگر کسی می‌پندارد که آنها از جنگ خسته شده‌اند بدانند که اشتباه می‌کند.

در انتهای یکی از کوچه‌های صمیمی شهر نجف آباد خانه‌ای است که بر فراز آن فرشته‌های خدا، بال در بال، چتری از رحمت خاص کشیده‌اند،

چرا که آن خانه مجلای نور خداست و در آسمان عشق چون شعرای یمانی می‌درخشد.

نجف آباد هر چند اکنون شهر بزرگی است، اما هنوز اصالت روستایی خود را از کف نداده است. آنها هنوز در تنور نان می‌پزند، در استکان چای

می‌خورند و بر دستانشان جای بوسه‌ی پیامبر را حفظ کرده‌اند؛ آنها کشاورز هستند. پدر خانواده اعتقاد داشت این خطاب پروردگار با فرشتگان

که «انی اعلم ما لا تعلمون» (۱) درباره‌ی شهادت و مادر خانواده می‌گفت شهدا با خون خویش شجره‌ی طیبه‌ی اسلام را آبیاری می‌کنند.

اواسط تابستان بود و در مزرعه‌ی جلال آباد، آنجا که سرچشمه‌ی برکتش در باغ رضوان است، خوشه‌های انگور به قرمزی می‌نشست، گونه‌ی

انارها گل می‌انداخت و دهان بادام به خنده‌ای شیرین گشوده می‌شد. حاج محمود حجتی که اکنون علمدار سپاه حجتی‌هاست می‌گفت:

«جانمایه‌ی ما از رزق حلال است و ما هر چه داریم بعد از خدا از پدرمان داریم که یکایک درختان این باغ در خاک همت او روئیده‌اند و در هوای

جوانمردی او نفس کشیده‌اند.»

هزارها سال از عمر کره‌ی زمین گذشته است و همواره سال‌ها و فصل‌ها، ماه‌ها و روزها و ساعت‌ها و لحظه‌ها بر همین منوال گذشته‌اند. اکنون

بادام‌ها رسیده‌اند و فصل چیدن آنها سر رسیده است. مزرعه‌ی جلال آباد آینه‌ی عبرت است تا تو در آن خود را بنگری و بپرسی: فصل چیدن

ما کی خواهد رسید؟

آن روز در جهاد سازندگی نجف آباد، در فضایی آکنده از رایحه‌ی صلوات که عطر گل محمدی دارد، گردان‌های انصار به سوی جبهه می‌رفتند.

برادر کاظمی اسامی داوطلبین را که از پیش نام‌نویسی کرده بودند یکایک می‌خواند و آنان را روانه می‌کرد. از اجتماع غیر معمولی که در کنار

یکی از اتوبوس‌ها اتفاق افتاده بود معلوم بود که واقعه‌ی غیر مترقبه‌ای رخ داده است. برویم ببینیم چه خبر شده است.

پسری سیزده ساله، ساک به دست روی پله‌ی اول اتوبوس ایستاده است و می‌خواهد به‌زور داخل اتوبوس شود.

همه می‌خواستند جلورفتن او را بگیرند و او اصرار داشت که برود. گریه‌کنان قسم می‌داد و التماس می‌کرد و از ساک سفری‌اش پیدایش پیدا بود که

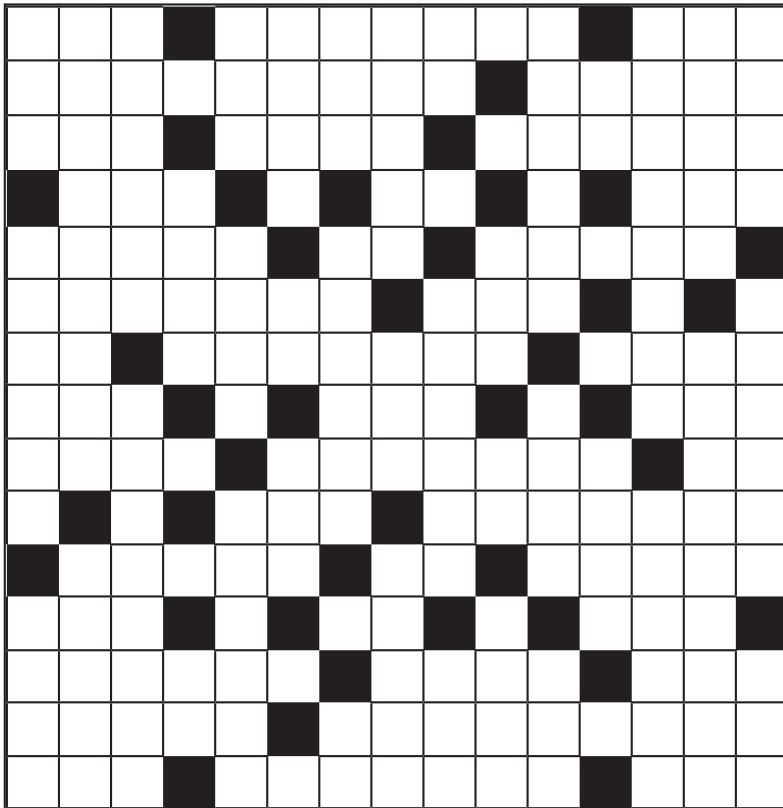
این تصمیم را ناگهانی نگرفته است. آخر الامر بچه‌ها او را از رفتن منصرف کردند، اما هیچ جایی برای سرزنش او وجود نداشت. جبهه‌های حق

مجلای نوری است که همه‌ی پروانه‌ها را به خود می‌کشد، و چه کند آن نوجوان اگر پروانه‌ی عاشقی در درون خود دارد؟

آنچه در اینجا می‌گذرد جلوه‌گاه خاص آن پرتوی است که از نور الانوار حق در جان امت ما تابیده است.

منبع: پایگاه اینترنتی شهید آوینی

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



- **افقی**
- ۱- پی بردن و دریافتن - کنایه از دوبه هم زنی و فتنه‌انگیزی
 - ۲- پرنده رنگین پوش - رشته کوهی در اروپا- شهری در استان کردستان
 - ۳- ریسمان، طناب - پیشوا- پسر گودرز در شاهنامه
 - ۴- گوشت آذری- لباس خانم‌ها- بازدارنده- دوستی، محبت
 - ۵- خدای هندو- گل همیشه بهار- خانه ساحلی
 - ۶- پرنده‌ای خوش آواز- مخالف- همدم
 - ۷- سپاسگزار- مخفف از این- شاهزاده
 - ۸- مخفف ساو- از آثار و بناهای تاریخی شیراز- صدمه، آسیب
 - ۹- پرهیزکار- به کفش بعضی‌ها دیده می‌شود- خوراک فرنگی شبیه تاس کباب
 - ۱۰- زرد انگلیسی- کشور فلاسفه- خدمت کننده به وطن
 - ۱۱- نشیمن، حجره- صنعتی در شعر فارسی- هر گردی... نیست!
 - ۱۲- حرف بی‌زاری- لایه محافظ دندان- هیکل، کالبد- تاقچه بالایی
 - ۱۳- شیپور بزرگ جنگی- اندوه- فلز مرتجع
 - ۱۴- نوعی اسباب بازی- سوو جانب- شهری در استان چهارمحال و بختیاری
 - ۱۵- طرفدار دموکراسی- نویسنده کتاب کیمیای سعادت

****عمودی**

- ۱- کتابی کوتاه به زبان فارسی در «علوم خفیه» ترجمه و تألیف ملاحسین واعظ سبزواری- نژاد ایرانی
 - ۲- دوره ابتدایی- تباه کردن، تلف کردن- صدای زنبور
 - ۳- شهری در استان همدان- از حبوب- نیرو، توانایی، خوراک- مرزبان
 - ۴- سفید آذری- نام دیگر گریب فروت- گلابی
- ۵- مار خطرناک- مقیاس اندازه گیری- ایمان قلبی، اعتماد
 - ۶- شغال- ذخیره، پس انداز- باطل کننده
 - ۷- موز- در این مکان- درخت انگور
 - ۸- ساز اصیل ایرانی- تاجر- از انجیل‌ها
 - ۹- کسی که دستش معیوب و از کار افتاده است- آقای فرانسوی- شهری در ایتالیا
 - ۱۰- نمایش با ساز و آواز- ناشناس تر- مرد شمشیرزن
 - ۱۱- تاکنون- گل نومیدی- پرنده خبرچین
 - ۱۲- قالب شعر خیام- از نقاط دیدنی و از جاذبه‌های استان خوزستان- گل خوشبو
 - ۱۳- بدهی- پول کشور ایتالیا- پشم شتر- شهری در استان فارس
 - ۱۴- همسر مرد- بندر بلغارستان- غده فوق کلیوی
 - ۱۵- پیروان دین موسی- جنون جوانی



طیبه کریمی

بهاری‌ترین زمستان



این حکاکی‌ها خوب یا بد، خوشایند و ناخوشایند، ماندگارند، پاک نمی‌شوند و در مجموع حافظه تاریخی و فرهنگی یک ملت را تشکیل می‌دهند. یکی از این نوشته‌های اثرگذار، انقلاب اسلامی ایران است، انقلابی که پیامدها و دستاوردهای زیادی را در بر داشت و نقطه آغاز یک تحول گسترده بود. قیامی که با ایمان مذهبی مردم شکل گرفت و با عقل و درایت یک رهبر اندیشمند به مسیر درستی هدایت شد.

وجه تمایز این انقلاب با سایر انقلاب‌های جهان در این است که قیام مردم ایران صرفاً به دلیل ناراضی‌تاری از شرایط مادی و یا حتی سبک و شیوه حکومتی نبود بلکه بیشتر از نگرانی‌های عمومی نسبت به گسترش فرهنگ غربی و اشاعه فساد و تباہکاری سرچشمه می‌گرفت و ریشه‌های مذهبی داشت. هرچند در آن مقطع، محرومیت‌های رفاهی زیاد و فاصله طبقاتی نیز بسیار بود لیکن وضعیت اسفبار فرهنگی و فساد گسترده‌ای که می‌رفت تا همه ارزش‌های اصیل دینی و تاریخی را تحت الشعاع قرار دهد، موجب نگرانی و شورش مردم شد. «می‌شل فوکو» جامعه‌شناس معروف غربی در کتاب «ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟» نوشته است: اسلام شیعی تنها عنصری است که به انقلابیون، نیرویی مقاومت‌ناپذیر در مقابل رژیم شاه بخشیده است. او همچنین می‌نویسد: «سرنوشت عجیبی دارد ایران؛ در صبحدم تاریخ، این کشور دولت و سازمان اداری را پدید آورد. بعدها نسخه آن را به اسلام سپرد و مقامات ایرانی در سمت دیوانی به خدمت امپراطوری‌های عربی درآمدند. اما در ایران از همین اسلام مذهبی بیرون آمده است که در طول قرن‌ها، به هر چیزی که می‌تواند از اعماق وجود یک ملت که با قدرت دولت، دریفتند، نیرویی مقاومت‌ناپذیر ببخشد». آری انقلاب ما انفجار نور بود، نوری که از باورهای مذهبی ملت و ایمان به خداوند سرچشمه می‌گرفت. ۳- اکنون سال‌ها از آن زمستان گرم گذشته است و طی این زمان افراد زیادی که در شکل‌گیری انقلاب نقش داشتند دیگر بین ما نیستند اما ما هستیم، حضور داریم و موظفیم دستاوردهای این عزیزان را حفظ نموده و آن را به عنوان میراث بزرگ اجتماعی به نسل‌های بعدی بسپاریم. رمز موفقیت برای نسل‌های بعدی، حفظ اتحاد و تقویت همدلی بین اقشار مختلف

ایجاد شود. این حرکت بطنی از سالیان قبل آغاز شده بود شاید از خرداد ۴۱ اما ناگهان در یک دوره زمانی ده روزه که اینک به دهه فجر شناخته می‌شود، به سرانجام رسید. مردمی که سال‌های سال از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و اوضاع اسفناک فرهنگی ناراضی بودند و از اقلیت اشرافی که قدرت سیاسی و حاکمیت کامل کشور را در اختیار داشت به ستوه آمده بودند، به خیابان‌ها ریختند و آتش مخالفت با رژیم مستبد شاهنشاهی را بر افروختند. پس از چند ماه مبارزه بی‌امان، سرانجام در بهمن ماه آن سال این جریان خودجوش مردمی ناگهان سیری بس سریع و پرشتاب گرفت و در نهایت در ۲۲ بهمن به فرجامی خوش رسید. همه می‌دانند که نهال نوپای این انقلاب فقط به خواست خدا در آن ایام فراموش نشدنی به بار نشست از این رو زمستان ۵۷ را می‌توان بهاری‌ترین زمستان دانست چرا که نقطه شروع یک تحول بزرگ بود پس سالگرد آن روزهای پرشور و حال بر همگان میمون و مبارک باد...

۲- می‌گویند تاریخ مثل لوحی است که آدم‌ها و تمدن‌ها به مرور زمان بر روی آن یادگاری‌های زیادی را حک می‌کنند،

زمستان همیشه یادآور سوز و سرما و دلتنگی‌های رمانتیک شاعرانه است. بارش برف و باران و گذر عابری که لرزان از سوز سرد و گزنده، با شتاب از کوچه‌ها رد می‌شوند و سوسوی بی‌رمق خورشید که سپیدی صبح را رنگ و جلای دیگری می‌بخشد اما یک زمستان گرم در گذشته‌ای نه چندان دور همه قوانین طبیعت را درهم شکست. زمستان سال ۵۷ که عابری لرزان کوچه پس کوچه‌ها با امیدی نو، حرکتی بزرگ و گسترده را علیه تباہی حاکم بر فضای اجتماعی آغاز کردند و بدینسان بهاری گرم را در دل زمستان سرد به تصویر کشیدند.

وه چه فرخنده فصلی بود و چه خوش ایامی

۱- آن سال همه چیز در حال تغییر بود. هر لحظه حادثه‌ای جدید رخ می‌داد، دوره‌ای نو، زمانی نو، روزهایی که هر دقیقه‌اش آستان حادثه‌ای سترگ و پیش‌بینی نشده بودند و بعد همه چیز به سرعت اتفاق افتاد، نوعی تفاوت شگرف که از توان محدود آدمی خارج بود و فقط می‌توانست به واسطه یک نیروی الهی

مردم، اقوام و گروه‌های سیاسی است. همانگونه که اشاره شد، مردم ما برای کسب شرایط بهتر کمی و مادیات رفاهی چنین تحول گسترده‌ای را ایجاد نکردند بلکه با هدف حفظ اعتقادات و اصول اخلاقی ارزش‌ها و قوانین اسلامی و هر آنچه که به عنوان هنجار و فرهنگ یک مسلمان قابل احترام است، به میدان آمدند لذا اینک کسانی که برخلاف این طرز تفکر در صدد اشاعه دیدگاه‌هایی ضد فرهنگ ما هستند باید بدانند این خشم و این پایبندی به اصول اخلاقی امری نهادینه شده و محکم است، اگر آن‌ها و یا اربابانشان بخواهند با هر شیوه‌ای کشور ما را مورد تهاجم قرار دهند و مردم را به عصبانیتی افراطی بکشانند کسی نمی‌تواند از شررهای این خشم در امان بماند و تاریخ این مرز و بوم گواه راستبودن این ادعاست... در حال حاضر ما شاهد فعالیت گروه‌هایی هستیم که مستقیم یا غیرمستقیم باورهای الهی و تفکر شرافتمندانه این مرز و بوم را نشانه رفته‌اند و هنوز هم در کوچه و خیابان افراد ساده لوحی با تقلید از شبکه‌های هدایت شده بیگانه، مفاهیم مکتب لیبرالیسم فایده‌گرا، بی‌قیدی و اعتلای مادی را در زندگی هدف خود قرار داده و به اشاعه باورهایی می‌پردازند که هیچ

گونه همراهی و سنخیتی با فرهنگ ایرانی ندارند و اعجاب‌آور آنکه در پاره‌ای از موارد، رسانه‌های عمومی نیز با ساخت فیلم‌ها و تهیه برنامه‌های بی‌محتوا، گاه به شکل یک برنامه طنز و کمدی و گاهی هم به شکل یک فیلم درام به اصطلاح عاشقانه! ناآگاهانه به تبلیغ و اشاعه این نوع دیدگاه‌های غیر منطقی می‌پردازند! حال آنکه گردانندگان این گونه رسانه‌ها موظفند در کنار سایر نهادهای اجتماعی، اصل تقویت پایبندی به ارزش‌های مشترک دینی و انسانی را میان ملت و به ویژه در بین جوانان گسترش دهند به ویژه اصول اخلاقی و فرهنگی مورد احترام را... آری هنوز هم می‌توان کارهای زیادی انجام داد.

اینک سال‌ها از آن زمستان بهاری گذشته است و وقتی که بیشتر به روزگار گذشته، اتفاقات گذشته، خاطرات دور و نزدیک نگاه می‌کنیم و با به موقعیت‌هایی که آمدند و رفتند، به آدم‌هایی که آمدند و رفتند، می‌بینیم چه سرمایه عظیمی صرف این انقلاب و بقا و تداوم آن شد. یاد همه شهیدان بزرگ، پیشوایان اندیشه مدار و آدم‌های آشنای کوچه و خیابان بخیر که تلاش‌ها کردند تا نهال نوپای این انقلاب قوی شود پا بگیرد و در مقابل ناملایمت‌ها و حمله‌های بی‌وقفه دشمنان در هم نشکند

و حال همگان می‌دانند ملت ایران به خواست خدا هربار ققنوس وار از دل هر آتشی زنده و مغرور به در می‌آیند جانی دوباره می‌گیرند و مصمم‌تر از قبل راه آغاز شده در بهمن ۵۷ را ادامه می‌دهند. احترام می‌گذاریم به مردمی که دانسته و آگاهانه در رشد و تعالی به پیش می‌روند و از هیچ تهدید و ناملایمتی هراس ندارند.

حال اگر می‌خواهیم از گذر عمر و یادآوری روزهای خوش زمستان‌های بهاری لذت ببریم، اگر می‌خواهیم شاهد لحظاتی بزرگ مثل تولد یک نوزاد، آمدن هر بهار و سالی که در تکراری زیبا هربار نومی شود باشیم، اگر می‌خواهیم پویایی و زنده بودنمان را جشن بگیریم و علیرغم محدودیت‌های ریز و درشت و حتی سخت‌تر شدن شرایط همچنان سربلند بمانیم، باید در کنار هم باشیم و حس دوستی، مهر و محبت حس رشد را در خود و اطرافیانمان زنده کنیم. یاد بگیریم که درک زندگی، درک زیبایی، حقیقت، عشق، صداقت و همه چیزهای خوب و زیبا شاید در یک کلمه خلاصه شود و آن کلمه «همدلی» است. آن‌ها دیگر نیستند ما غیر از هم شاخه و ریشه‌ای نداریم دست هم را بگیریم و کنار هم باشیم زمستانان همیشه بهاری باد...



دیروز ملت کاخ ۵۷ سال ظلم را ویران کرد

رژیم متلاشی شد



اطلاعات

آخرین سنکرهای
ی و ریخته:

- رژیم شاهنشاهی
- نخست وزیری
- شورای سلطنت
- مجلس شور اوسنا
- پادگانهای ضد خلق

امام خمینی: من یک طلبه‌ام، تشریفات را کم کنید

امام صبح فردا در تهران است



کیمیا

نقار امام
مفردات
استقبال

شاهد رفت

اطلاعات

- نمایندگان مجلسین
- اعضای شورای سلطنت
- خارج شوند
- کشته

عروج باید روز
عویل ایران شد

نظامی کار
انقلاب ایران

وی ۱۰ هزار
ایخلج فارس

شاه معزول ایران

در خلیج فارس
مستقل شد

وع در آس
قرا در گرو

کنس
خسخت
ممنوع شد

ادانجوی
نزدان

سخت
سخت

سخت
سخت

دیو چو بیرون رود...

۱۳۵۷/۱۱/۲۱

با آغاز درگیری مسلحانه، پرسنل انقلابی نیروی هوایی، برای مسلح کردن مردم در مقابل ارائه کارت پایان خدمت سربازی، یک قبضه سلاح و تعدادی فشنگ در اختیار آنان قرار می‌دادند.

۱۳۵۷/۱۱/۲۱

فرماندار نظامی تهران در اعلامیه شماره چهل خود، ساعات حکومت نظامی و منع عبور و مرور را افزایش داد و از ساعت ۴/۵ بعد از ظهر تا پنج صبح حکومت نظامی اعلام کرد.

۱۳۵۷/۱۱/۲۱

حضرت امام خمینی در مورد حکومت نظامی اعلام شده از طرف فرماندار نظامی تهران، آن را ملغی اعلام کردند و گفتند: اعلامیه امروز حکومت نظامی، خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ وجه به آن اعتنا نکنند!

مینی بوسها و ماشین‌های وابسته به ستاد کمیته امام خمینی، با بلندگو، لغو اعلامیه فرماندار نظامی را در سطح تهران اعلام کردند.

گفتنی است که بنا به گفته سرهنگ رحیمی، از سران ارتش، بنابر اسناد دیگری که به دست آمده، حکومت تصمیم داشت با افزایش ساعات حکومت نظامی، به انجام کودتا و سرکوب مردم و خصوصاً ترور و دستگیری رهبران نهضت بپردازد. تصمیم حضرت امام، توطئه بزرگی را در آستانه پیروزی نهضت در نطفه خفه کرد.

۱۳۵۷/۱۱/۲۲

با تسلیم ارتش و سقوط پی در پی کلانتری‌ها و مراکز نظامی و تسخیر کامل صدا و سیما از سوی انقلابیون، پیروزی انقلاب اسلامی اعلام شد.

انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی، نظام دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی را سرنگون کرد. وقایع انقلاب آن قدر سریع بود که حتی مقامات آمریکادر آخرین روزهای نامی دانستند انقلاب پیروز شده است. اتاق عملیات کاخ سفید از طرف برژینسکی، تلفنی از سلیوان (سفیر آمریکا در تهران) می‌پرسد: آیا هنوز امکان کودتا وجود دارد؟

سی و نهمین بهار

اینک در آستانه ی سی و نهمین بهار آزادی، همه ی ما به بازخوانی شعارها و مطالبات تاریخی ملت ایران نیازمندیم، نسل اول برای اینکه به یاد بیاورد آنچه برای آن فداکاری کرد و به نسل‌های بعد وعده ی تحقق این آرزوهای دیرین را داد و نسل‌های بعد برای آشنایی و آگاهی نسبت به آرمان‌های تاریخی ملت ایران و تلاش مستمر برای تداوم راه خونین شهیدان انقلاب و همگی برای پای بندی بر اصول و اصلاح امور تا تحقق کامل اهداف انقلاب اسلامی آری یک بار دیگر همه باهم فریاد می‌زنیم "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی"

ادبیات سیاسی ایران مطرح شد و اکنون به عنوان نماد اصلاح طلبی در چارچوب ارزش‌های دینی و بومی ایران مطرح است، آری «مردم‌سالاری دینی» گزینه‌ای است که از میان انواع نظام‌های شرقی و غربی از سوی ملت ایران برگزیده شد و با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» به همه ی ایسم‌ها و مکاتب دنیا «نه» و به «جمهوری اسلامی»، «آری» گفت و با فاصله ی زمانی کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در فراندوم تغییر رژیم شرکت کرد و با اکثریت قریب صد درصد به «جمهوری اسلامی» آری گفت.

روزشمار فرار شاه تا ورود امام خمینی و پیروزی انقلاب اسلامی

۱۳۵۷/۱۰/۲۶

شاه به بهانه معالجه ایران را ترک کرد. وی در فرودگاه مهرآباد هنگام خداحافظی با بختیار (نخست وزیر) گریست و از مصاحبه و اظهار نظر درباره سفرش خودداری کرد.

خروج شاه از ایران، در میان مردم به (فرار شاه) تعبیر شد. شادمانی مردم پس از اطلاع از خروج شاه، به شکل گسترده‌ای در سطح شهر تهران و شهرستان‌ها موج جدیدی آفرید. مردم با رقص و پایکوبی، نقل و شیرینی پخش کردند. پس از روزها و هفته‌ها گریه و عزاداری برای شهدای انقلاب، جریان فرار شاه، موجب خنده و شادی عمیق و گسترده‌ای در میان مردم شد. در پی این رویداد مهم، مجسمه شاه از میادین توسط مردم پایین کشیده شد و مردم به نظامیان گل هدیه دادند.

۱۳۵۷/۱۱/۱۲

امام خمینی رحمه الله با یک فروند هواپیمای فرانسوی و با استقبال با شکوه «چند میلیونی» مردم وارد فرودگاه مهرآباد شدند و در بهشت زهرا، اولین سخنرانی خود را ایراد کردند. ایشان در بهشت زهرا با این جمله که «من دولت تعیین می‌کنم، من تو دهن این دولت می‌زنم.» وعده تعیین دولت اسلامی را دادند.

۱۳۵۷/۱۱/۱۶

چهار روز پس از ورود به ایران، امام خمینی رحمه الله دولت انقلاب را تعیین کردند. این در حالی بود که بختیار آخرین نخست وزیر شاه، همچنان خود را دولت قانونی می‌دانست.

امام خمینی رحمه الله و شورای انقلاب، حکم و فرمان نخست وزیری مهدی بازرگان، اولین دولت انقلاب (دولت موقت) را تصویب کردند.

۱۳۵۷/۱۱/۱۹

جمعی از پرسنل نیروی هوایی (با لباس رسمی نیروی هوایی) با انجام رژه و خواندن سرود «خمینی ای امام» در مقابل حضرت امام خمینی، با رهبری انقلاب اعلام همبستگی کردند.

انقلاب اسلامی ایران، انقلاب شعارها بود، به این معنی که در بازه ی زمانی بسیار کوتاه همه ی افراد و گروه‌های اجتماعی در اقصی نقاط کشور، با هدایت و رهبری امام خمینی (ره) برای اهداف و آرمان‌های انقلاب، منسجم و متحدند و اهداف و برنامه‌های انقلاب از طریق نوار کاست و اعلامیه‌های مکتوب امام و سایر شخصیت‌های مذهبی و سیاسی از طریق سازمان‌های غیررسمی مساجد و دانشجویان و طلاب به دست مردم می‌رسید و در زمان کوتاهی براساس این پیام‌ها و نیز براساس نحوه ی برخورد دشمن، شعارهایی تولید و پخش می‌شد، البته برخی از گروه‌ها شعارهای دیگری مطرح می‌کردند اما شعارهایی که از سوی یاران امام مطرح شد، به شعارهای فراگیر و سراسری تبدیل شد و هیچ کس در فراگیری این شعارها به عنوان مطالبات اصلی ملت ایران تردیدی ندارد.

هر کدام از این شعارها به عنوان بخشی از مطالبات به حق مردم به ثبت رسید که به دو مورد از شعارهای انقلاب به عنوان فراگیرترین شعار، اشاره می‌کنم تا ضمن تجدید عهد با آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی، به مهم‌ترین مطالبات ملت ایران در قالب شعارهای سراسری پی ببریم. یکی از شعارهای سراسری و فراگیر مردم شعار «مرگ بر شاه» بود.

این شعار بیانگر هویت استبداد ستیزی و نفی سلطنت بود. مردم با این شعار سلطنت موروثی و مطلقه را نفی کردند و با صدای بلند فریاد می‌زدند: ما شاه نمی‌خواهیم و شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» اصلی‌ترین شعار مردم و رهبر انقلاب بود. استقلال بر هویت مستقل و غیر وابسته انقلاب، استعمارزدایی و نفی سلطه ی بیگانگان تأکید می‌ورزید و خواستار نفی استیلا ی خارجی در شئون مختلف کشور بود. کشور ما در حوزه‌های نظامی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تحت سلطه ی آمریکا و انگلیس بود و بلوک شرق نیز از سفره ی بی‌صاحب منابع و ثروت ایران بی‌بهره نبود.

حاکمان کشور اعم از پادشاهان و نخست وزیران با مداخله مستقیم قدرت‌های بیگانه عزل و نصب می‌شدند و کاسه ی صبر ملت از این مداخلات لبریز شده بود و یکپارچه خواهان پایان بخشیدن به این مداخلات شدند. شعار "آزادی" که یکی دیگر از مطالبات تاریخی ملت ایران بود، بر نفی زورگویی و تحمیل دیدگاه‌های زورگویان و تحقق آزادی اندیشه و آزادی قلم و بیان به عنوان یکی از مطالبات تاریخی مردم ایران تأکید داشت.

شعار «جمهوری اسلامی» شکل و محتوای نظام مطلوب ملت ایران را به عنوان آرزوی مبارزان حق طلب معرفی می‌کرد. جمهوریت به معنی حاکمیت رأی و اراده مردم در تعیین سرنوشت و اسلامیت به مفهوم اداره امور کشور براساس آیین اسلام ناب محمدی (ص) که بعدها با عبارت ترکیبی مشابه یعنی «مردم‌سالاری دینی» در

پشت پرده داروهای رقیق‌کننده خون

یا عود بیماری را دارد. یعنی از ایجاد لخته و بسته‌شدن استنت‌های قلبی (لوله یا فنرهای ظریفی که برای باز نگه داشتن جریان خون در رگ‌های خونی کار گذاشته می‌شود) جلوگیری می‌کند. وارفارین نیز صرفاً جنبه درمانی دارد و مصرف آن بخصوص برای آن دسته از بیمارانی که درچه‌های مصنوعی قلب فلزی برایشان گذاشته شده، طبق دستور متخصص قلب و با در نظر گرفتن ملاحظات ضروری است.

زنگ خطر خونریزی‌های گوارشی

بیشتر افرادی که خودسرانه آسپرین مصرف می‌کنند از عوارض گوارشی خطرناک این دارو و نیز عوارض مغزی احتمالی آن بی‌خبرند. دکتر محمد حسینی با تأکید بر این که حتی مصرف خودسرانه یک عدد آسپرین ممکن است در فرد خونریزی‌های گوارشی همراه با مدفوع و استفراغ خونی بدهد، افزود: هیچ فردی بدون تجویز و تأیید پزشک متخصص قلب نباید خودسرانه آسپرین مصرف کند. حتی کسانی که فشار خون بالا دارند و خودسرانه آسپرین مصرف می‌کنند در معرض خطر سکته مغزی (از نوع خونریزی دهنده و نه از نوع لخته‌ای) قرار دارند. حتی مصرف کلوییدوگرل نیز در برخی بیماران ممکن است با ناراحتی‌های گوارشی همراه باشد که در این صورت مراجعه به متخصص گوارش ضروری است.

دکتر محمد جعفر فره‌وش، فوق تخصص گوارش نیز در این باره می‌گوید: کسانی که سابقه زخم معده یا اثنی عشر دارند باید نسبت به مصرف آسپرین بسیار محتاط باشند و از مصرف خودسرانه این دارو پرهیز کنند. همچنین ضروری است مصرف آسپرین فقط تحت نظر متخصص گوارش و تجویز داروهای کاهش اسید معده صورت بگیرد. از سوی دیگر باید این افراد متوجه هر نوع مشکل و بیماری گوارشی بویژه خونریزی در مدفوع خود باشند. این متخصص می‌افزاید: باید توجه داشت که آسپرین با برخی داروها و مواد غذایی تداخل پیدا می‌کند. به طور مثال مصرف آسپرین همراه با غذاهای ترش و اسیدی منجر به تشدید ناراحتی‌های گوارشی می‌شود. به همین دلیل و با هدف کاهش اثرات گوارشی آسپرین بهتر است که از نوع پوشش دار این دارو استفاده شود. آسپرین پوشش دار به جای معده در روده باریک جذب می‌شود و با احتمال بروز آسیب گوارشی کمتری همراه است.



داشته باشد.

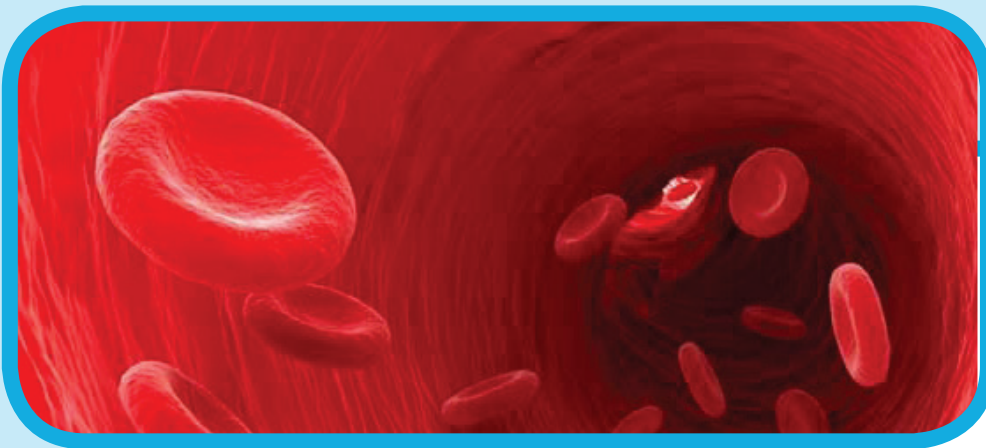
دکتر محمدرضا محمد حسینی، فوق تخصص قلب و عروق درباره مصرف خودسرانه دارو می‌گوید: وقتی غلظت خون از حد طبیعی بالاتر می‌رود، خطر پارگی مویرگ‌های خونی به دنبال افزایش فشار خون افزایش می‌یابد و خطر بروز سکته قلبی و مغزی نیز زیاد می‌شود. رقیق‌کننده‌های خون برای پیشگیری یا درمان؟

به گفته دکتر محمد حسینی، از میان داروهای رقیق‌کننده خون، آسپرین تنها دارویی است که از سوی افراد سالم به منظور پیشگیری از لخته‌شدن خون مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین مبتلایان به بیماری‌های قلبی-عروقی نیز برای جلوگیری از پیشرفت یا عود بیماری‌شان این دارو را مصرف می‌کنند، اما باید دانست که این دارو هرگز بیماری قلبی را درمان نمی‌کند و صرفاً با کاهش قدرت انعقاد پذیری پلاکت‌های خون مانع از لخته شدن خون در رگ‌ها می‌شود. وی ادامه می‌دهد: از میان دو داروی دیگر رقیق‌کننده خون برای مبتلایان به بیماری‌های قلبی، کلوییدوگرل یا پلاویکس نیز بویژه برای کسانی که بیماری قلبی فعال دارند، جنبه پیشگیری از تشدید

بررسی فهرست داروهای پرفروش کشور در سال ۹۱ نشان داده است که داروهای بیماری‌های قلبی-عروقی در صدر این جدول قرار دارد. چراکه این بیماری‌ها بیشترین میزان شیوع و مرگ و میر را در ایران به خود اختصاص داده است.

از میان این داروها کلوییدوگرل یا پلاویکس پرمصرف‌ترین داروی کشور است که نوعی مهارکننده تجمع پلاکتی یا رقیق‌کننده خون تلقی می‌شود. وارفارین نیز یکی دیگر از داروهای رقیق‌کننده خون است که آمار مصرف آن در میان مبتلایان به بیماری‌های قلبی-عروقی بسیار بالاست.

آسپرین هم از آن دست داروهای نام‌آشنایی است که مسیر خود را بسرعت از دنیای کودکان به بزرگسالان با اثراتی که در رقیق‌کنندگی خون دارد، باز کرده است تا جایی که امروزه بسیاری از افراد سالم نیز از دهه چهارم زندگی خود با هدف پیشگیری از بیماری‌های قلبی-عروقی به مصرف روزانه آسپرین اقدام می‌کنند. نکته مهمی که از نظر بسیاری از مصرف‌کنندگان این سه داروی پرمصرف رقیق‌کننده خون دور مانده آن است که مصرف خودسرانه این داروها می‌تواند عوارض بسیار خطرناکی



وارفارین، دارویی ضروری اما پر خطر

به گفته دکتر محمد حسنی، مصرف داروی وارفارین که مانع از لخته شدن خون می شود برای جلوگیری از سکته قلبی در افراد مسنی که بیماری قلبی جدی دارند، بویژه دارای دریچه قلبی مصنوعی هستند یا ضربان قلبشان غیرطبیعی است، جنبه درمانی دارد و در جلوگیری از انعقاد خون این دسته از بیماران ضروری تلقی می شود.

این فوق تخصص قلب و عروق تاکید می کند: نکته مهم آن است که اثربخشی این دارو تحت تاثیر مصرف برخی مواد غذایی و نیز برخی داروها کم یا زیاد می شود که می تواند بسیار خطرناک باشد و حتی ممکن است عوارضی چون خونریزی مغزی را به دنبال داشته باشد. برای پیشگیری از چنین عوارضی نه تنها پزشک متخصص، فهرستی از مواد غذایی و داروهای را که با وارفارین تداخل دارد در اختیار بیمار قرار می دهد، بلکه بیمار باید به صورت روزانه، هفتگی یا ماهانه آزمایش خونی خاصی (PT) بدهد تا وضع انعقاد خورش به طور مرتب چک شود تا میزان مصرف دارو برای وی بر اساس نتیجه آزمایش تعیین شود. بی شک انجام مرتب این نوع آزمایش در بیمارانی که وارفارین مصرف می کنند، جنبه حیاتی دارد.

دکتر محمد حسنی با تاکید بر این که مصرف مواد غذایی و داروهای همراه با وارفارین صرفا باید با تایید پزشک متخصص باشد، می گوید: بررسی ها نشان می دهد که مصرف برخی سبزیجات از جمله اسفناج و کاهو در بیماران قلبی که وارفارین مصرف می کنند باید بسیار کم و کنترل شده باشد.

مراقب خون خود باشید

همانطور که می دانید کلیه ها و کبد ارگان های مسئول تصفیه ی کننده ی خون و دفع سموم بدن هستند. اما لازم است که با روش های ساده و طبیعی نیز به این ارگان های حیاتی کمک کرد. لازم است که رژیم سالم و مناسبی داشته باشید و با مصرف برخی از نوشیدنی ها به پاکسازی بدن و تصفیه ی خون کمک کنید. تمیزی خون برای همه از اهمیت بالایی برخوردار است چون باعث پیشگیری از ابتلا به برخی از بیماری ها و ناخوشی ها می شود. علاوه بر این تصفیه ی خون به داشتن پوستی زیبا و سالم کمک کرده و سلول ها را از پیری زودرس حفظ می کند. لازم است که با مصرف مواد غذایی سرشار از مواد

مغذی و ویتامین ها از ابتلا به کم خونی نیز پیشگیری کنید. در ادامه گیاهان مفید برای تصفیه ی خون را ذکر می کنیم.

گیاه گزنه

لازم است که در مورد خواص گیاه گزنه مطالب زیادی نوشته شود چون این گیاه سزاوار شناخت بیشتری است. گزنه حاوی آهن است و کم خونی را کاهش می دهد. در این روزهای سرد هیچ چیز به اندازه ی نوشیدن یک فنجان دمنوش گزنه برای بدن مفید نخواهد بود. گزنه برای تصفیه ی سریع خون و حذف توکسین های آن فوق العاده است. این گیاه ادرارآور بوده و برای تمیز کردن کلیه ها و کبد موثر عمل می کند.

گیاه قاصدک

قاصدک قاصد سلامتی است. در این عصرهای سرد زمستانی یک فنجان دمنوش قاصدک میل کنید تا توکسین های بدن تان دفع شده و جریان خون تان بهبود یابد. کافیت مقدار کمی از این گیاه را با یک فنجان آب جوش و به مدت ۵ دقیقه دم کرده و نوش جان کنید.

گیاه زوفا

بهتر است بدانید که زوفا برای تصفیه ی خون و دفع چربی های مضر بدن فوق العاده است. این گیاه را از عطاری تهیه کنید و دمنوش آن را برای پاکسازی بدن تان از شر توکسین ها مصرف کنید. می توانید روزانه تا دو فنجان از این دمنوش را میل کنید.

آلوورا

احتمالا تصور می کنید که از آلوورا صرفا برای نرمی و لطافت پوست استفاده می کنند. اما باید بدانید که این گیاه مفید برای درمان بسیاری از ناخوشی های روزمره و همچنین پاکسازی بدن از توکسین ها یا همان سموم مفید است. آلوورا باعث پاکسازی کبد و کلیه ها می شود. می توانید چای آلوورا میل کنید. یک قاشق عصاره ی آلوورای خالص را در یک فنجان آب جوش دم کنید و سپس آن را صاف کرده و اجازه دهید به مدت ۵ دقیقه بماند. بهتر است چند قطره لیموترش نیز به این چای بچکانید تا طعم آن بهتر و خواصش بیشتر شود.

چگونه می شود خون را سم زدایی کرد؟

قبل از معرفی گیاهان و دمنوش های تصفیه کننده ی خون چند ماده ی غذایی را یادآوری می کنیم که کمک زیادی به پاکسازی بدن تان می کند.

میوه های تصفیه کننده ی خون: لیموترش، انگور، پرتقال، گریپ فروت، آناناس، بری ها، کیوی، توت فرنگی و غیره. سبزیجات تصفیه کننده ی خون: سیر، پیاز، هویج، کرفس، جعفری، جوانه ها، سویا و غیره.

گیاهان تصفیه کننده ی خون

گیاه بابا آدم

ما توکسین های بدن را از طریق پوست و ادرار دفع می کنیم. اما برای افزایش سرعت این روند می توانید به گیاه بابا آدم اعتماد کنید. گیاه بابا آدم یک گیاه تمیزکننده ی ویژه است که برای تصفیه ی خون و سیستم لنفاتیکی موثر عمل می کند. می توانید این گیاه را از عطاری ها تهیه کنید. بابا آدم باعث پاکسازی بدن و بهبود جریان خون شده و از احتباس آب در سلول ها و نفخ و سنگینی معده پیشگیری می کند. این گیاه برای درمان آرتریت، سیاتیک، نقرس، آکنه، کاهش اسیدیته، رفع سنگ کلیه و سنگ کیسه ی صفرا و همچنین پیشگیری از بیماری های کبدی و صفراوی، درمان عفونت ادرار، هرپس، تب و دیابت و غیره نیز مفید است. می توانید روزانه تا دو فنجان دمنوش گیاه بابا آدم میل کنید و نتیجه را ببینید.

گیاه آقطی

گیاه آقطی یک ملیح خوب و در عین حال تمیزکننده ی بدن و ضد عفونی کننده است. این گیاه باعث کاهش حالت نفخ و التهاب های بدن می شود. گیاه آقطی قابض طبیعی بوده و جزو تصفیه کننده های موثر خون محسوب می شود. می توانید از این گیاه برای پاکسازی کلیه ها و کبد استفاده کنید و دمنوش آن را

تاثیر سجده نماز بر سلامتی

عبادت و نیایش و هرگونه کاری که برای رضای خداوند انجام می‌گیرد، دارای یک سلسله آثار گران‌بهای فردی و اجتماعی است و در حقیقت از عالی‌ترین مکتب‌های تربیتی و اخلاقی می‌باشد زیرا:

اولاً: پرستش خدا و عبادت وی حس تقدیر و شکرگزاری را در انسان زنده می‌کند، قدردانی از مقامی که نعمت‌های بزرگ و پرازشی را در اختیار انسان نهاده، نشانه لیاقت و شایستگی او نسبت به الطافی است که در حق او انجام گرفته است.

تشکر و سپاسگذاری از مقام خداوند این نتیجه را دارد که فرد سپاسگذار با عرض تشکر و انجام وظیفه، حق‌شناسی خود را در برابر نعمت‌هایی که خدا در اختیار او گذاشته است آشکار و هویدا می‌سازد.

ثانیاً: عبادت و پرستش خدا مایه تکامل روحی انسان است؛ چه تکاملی بالاتر از این که روح و روان ما با جهان بیکران کمال مطلق «خدا» مرتبط گردد و در انجام وظایف بندگی و کارهای زندگی، از قدرت نامتناهی و نیروی نامحدود او استمداد بطلبد و به اندازه‌ای شایسته و لایق گردد که بتواند با او سخن بگوید.

این مزایا که به طور اختصار بیان گردید در تمام عباداتی که بطور صحیح انجام گیرد وجود دارد؛ در عین حال، هریک از عبادات مانند نماز، روزه، حج و... اثر و مزیت

مخصوص خود را دارند که به عنوان نمونه به برخی از اسرار نماز بطور اختصار اشاره می‌نماییم تا روشن شود که فایده نیایش و عبادت برای ماست و خدا نیازی به آنها ندارد.

نماز و اسرار تربیتی آن

۱- نماز موجب یاد خداست: یاد خدا بهترین وسیله برای خویشتن‌داری و کنترل غرایز سرکش و جلوگیری از طغیان روح است.

«نمازگزار» همواره به یاد خدا می‌باشد، خدایی که از تمام کارهای کوچک و بزرگ ما آگاه است، خدایی که از آنچه در زوایای روان ما وجود دارد و یا از اندیشه ما می‌گذرد، مطلع و باخبر است و کمترین اثر یاد خدا این است که به خودکامگی انسان و هوس‌های وی اعتدال می‌بخشد، چنان که غفلت از یاد خدا و بی‌خبری از پاداش‌ها و کیفرهای او، موجب تیرگی عقل و خرد و کم فروغی آن می‌شود.

انسان غافل از خدا در عاقبت اعمال و کردار خود نمی‌اندیشد و برای ارضای تمایلات و غرایز سرکش خود حد و مرزی را نمی‌شناسد و این نماز است که او را در شبانه روز پنج بار به یاد خدا می‌اندازد و تیرگی غفلت را از روح و روانش پاک می‌سازد.

به راستی، انسان که پایه حکومت غرایز در

کانون وجود او مستحکم است، بهترین راه برای کنترل غرایز و خواست‌های مرزنشناس او همان یاد خدا، یاد کیفی‌های خطاکاران و حساب‌های دقیق و اشتباه ناپذیر آن می‌باشد. از این نظر قرآن یکی از اسرار نماز را یاد خدا معرفی می‌کند: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِيَذُكَّرَ» [طه/۱۴] نماز را برای یاد من بپادار!

۲- نماز موجب دوری از گناه: نمازگزار ناچار است که برای صحت و قبولی نماز خود از بسیاری از گناهان اجتناب ورزد؛ مثلاً، یکی از شرایط نماز، مشروع بودن و مباح بودن تمامی وسایلی است که در آن به کار می‌رود، مانند آب وضو و غسل، جامه‌ای که با آن نماز می‌گزارد و مکان نمازگزار، این موضوع سبب می‌شود که گرد حرام نرود و در کار و کسب خود از هر نوع حرام اجتناب نماید؛ زیرا بسیار مشکل است که یک فرد تنها در امور مربوط به نماز به حلال بودن آنها مقید شود و در موارد دیگر بی‌پروا باشد. گویا آیه زیر به همین نکته اشاره می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ» [عنکبوت/۴۵] که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد" مخصوصاً اگر نمازگزار متوجه باشد که شرط قبولی نماز در پیشگاه خداوند این است که نمازگزار زکات و حقوق مستمندان را بپردازد؛ غیبت نکند؛ از تکبر و حسد بپرهیزد؛ از مشروبات الکلی اجتناب نماید و با حضور قلب و توجه و نیت



تأثیر سجده نماز بر سلامتی

اضطراب، گاهی به شکل طبیعی در اشخاص سالم بروز می‌کند و گاهی به صورت بیمارگونه و دائمی در می‌آید که نیاز به درمان و مراقبت پزشکی دارد. با اینکه دلایل علمی گوناگونی از دیدگاه‌های مختلف به عنوان دلایل بروز اضطراب و تشدید آن ارائه شده است اما همچنان دور شدن از ایمان مذهبی، به عنوان یک عامل مهم در بروز اضطراب، نقش غیرقابل انکاری دارد و به این ترتیب نقش پیشگیری کننده و حتی درمانگر مذهب در مورد اضطراب، قابل بررسی است. آرامش حاکم بر روح و روان و در نتیجه آن سلامت جسم اشخاص مذهبی، در مقایسه با آشفتگی روانی و جسمی و اضطراب لامذهبانها از دیر باز مورد توجه پزشکان بوده است.

به این ترتیب در بُعد پیشگیری از اضطراب و برای آرامش دائمی جسم و روان، "نماز" نقش خارق العاده‌ای را ایفا می‌کند در مورد اضطراب، بد نیست به این نکته اشاره کنیم که شخص نمازگزار با ایمان به قدرت لایتناهی پروردگاری که در مقابلش کرنش می‌کند، خود را در مقابل هر عاملی که قصد به خطر انداختن و ترساندن (و در نتیجه مضطرب ساختن) او را داشته باشد ایمن می‌یابد و ضمن تکرار باور اعتقادی خود طی نمازهای پنج‌گانه یومیه این ایمنی همه جانبه را، به روان خود تلقین می‌کند و سرانجام آرامش عمیق را در وجود خود ملکه می‌سازد. در راستای این موضوع تحقیقات علمی در برخی کشورهای مسلمان نشان می‌دهد که بیماران مضطربی که در کنار درمان‌های رایج ضد اضطراب، به خواندن نماز و قرآن و حتی احادیث نبوی مشغول شده‌اند، از بهبودی بالاتری نسبت به سایرین برخوردار بوده‌اند.

منابع: تیبان - پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی

اتحاد و یگانگی معنوی نیازی به توضیح ندارد.

گرچه اسرار و فواید اجتماعی و تربیتی نماز منحصر به اینها نیست، ولی همین قدر روشننگر عظمت و اسرار خطیر این فریضه الهی می‌باشد.

در زمان سجده کردن هم محور طولی انسان و هم به دنبال آن میزان تاثیرگذاری الکتریسیته‌ها کم می‌شود و سپس عمل تخلیه از طریق تماس پیشانی با زمین صورت می‌گیرد، البته در زمان سجده به دلیل آنکه دیگر نقاط بدن هم با زمین ارتباط می‌یابند، عمل تخلیه آسان تر انجام می‌شود و انسان از بیماری‌های روحی، جسمی و حتی سرطان در امان می‌ماند.

شیوه درست تخلیه الکتریسیته‌ی بدن به همان شیوه‌ای است که انسان در زمان نماز گزاردن دارد و به سوی مکه نماز می‌خواند، چرا که این حالت بهترین حالت است و شخص احساس آرامش و راحتی بیشتری خواهد داشت. **الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب «۲۸»**

- "اضطراب" بیماری شایع قرن است.

پیشرفت سریع و پیچیده تمدن و در عین حال بی‌توجهی به ارزش‌های مذهبی و خانوادگی، هر روز بیش از پیش برای افراد و اجتماع اضطراب‌های جدید به وجود می‌آورد. از نظر روان‌پزشکان، اضطراب با یک احساس منتشر و مبهم دلوپستی که اغلب ناخوشایند و بدون دلیل است مشخص می‌شود که معمولاً با یک یا چند مشکل جسمی همراه می‌گردد. از جمله شخص ممکن است علامت‌های جسمی چون احساس تپش قلب، تنگی نفس و درد قفسه سینه، خالی شدن سردل، تعریق، سردرد، تکرر ادرار، اسهال، گزگز دست و پاها، لرزش و... را نیز به همراه داشته باشد.

پاک به درگاه خدا رو آورد و به این ترتیب نمازگزار حقیقی ناگزیر است تمام این امور را رعایت کند. روی همین جهات، پیامبر گرامی ما (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: نماز چون نهر آب صافی است که انسان خود را در آن شست‌وشو می‌دهد؛ اگر کسی در شبانه‌روز پنج مرتبه خود را با آب پاک شست‌وشو دهد، هرگز بدن او الوده و کثیف نمی‌شود. همچنین کسی که در شبانه روز پنج مرتبه نماز بخواند و قلب خود را در این چشمه صاف معنوی شست‌وشو دهد، هرگز آلودگی گناه بر دل و جان او نمی‌شیند.

۳- نظافت و بهداشت: از آن جا که نمازگزار در برخی از مواقع همه بدن را باید به عنوان «غسل» بشوید و معمولاً در شبانه روز چند بار وضو بگیرد و پیش از غسل وضو تمام بدن را از هر نوع کثافت و آلودگی پاک سازد؛ ناچار یک فرد تمیز و نظیف خواهد بود. از این نظر نماز به بهداشت و موضوع نظافت که یک امر حیاتی است کمک می‌کند.

۴- انضباط و وقت شناسی: نمازهای اسلامی هر کدام برای خود وقت مخصوص و معینی دارد و فرد نمازگزار باید نمازهای خود را در آن اوقات بخواند، لذا این عبادت اسلام به انضباط و وقت‌شناسی کمک مؤثری می‌کند.

نمازگزار باید برای ادای فریضه صبح، پیش از طلوع آفتاب از خواب برخیزد، طبعاً یک چنین فردی گذشته از این که از هوای پاک و نسیم صبحگاهان استفاده می‌نماید، به موقع فعالیت‌های مثبت زندگی را آغاز می‌کند.

آثار فردی و تربیتی نماز به آنچه که گفته شد منحصر نیست؛ ولی این نمونه می‌تواند نشانه اسرار بزرگ این عبادت بزرگ اسلامی باشد.

اسرار اجتماعی نماز

نماز در اوقات معین نموداری از وحدت و یگانگی ملت بزرگ اسلام است؛ زیرا همه مسلمانان در وقت‌های مخصوصی رو به قبله ایستاده و با آداب خاصی خداوند جهان را می‌پرستند، این خود نمونه بزرگی از اتحاد و یگانگی ملتی است که اسلام همه را به وسیله آن عبادت متحد و متشکل نموده است.

هرگاه این نمازها به صورت جماعت برگزار گردد، روح وحدت و اتحاد و مساوات و برابری، از صف‌های منظم و فشرده نمازگزاران نمایان خواهد بود و اهمیتی این

ماخونیک؛ لی لی پوتیهای ایران

روستای ماخونیک در ۱۴۲ کیلومتری شهرستان بیرجند به دلیل معماری، آداب و رسوم و فرهنگ خاص مردمانش به یکی از هفت روستای شگفت انگیز جهان معروف است.

یکی از عمده نشانه‌های فرهنگی روستای ماخونیک مسکن است که در نوع خود جالب و قابل توجه است چرا که بافت مسکونی روستا در دامنه‌ی تپه و خانه‌ها به طور فشرده به هم و در گودی زمین ساخته شده‌اند، کف خانه حدود یک متر از سطح زمین پایین تر است و دارای یک درب کوتاه از تنه درختان است که باید برای رفتن به داخل خانه دولا شده و به زحمت، خود را داخل خانه کرد و اغلب یکی دو پله درگاهی را به کف خانه متصل می‌کنند.

آداب و رسوم ساکنان روستا از نحوه قضاوت تا شیوه کشاورزی و از چگونگی تقسیم ارث تا بازی‌ها همگی از گذشته‌های دور جریان داشته و اغلب آنها دست نخورده باقی مانده است.

گفته می‌شود مردم ماخونیک تا ۵۰ سال پیش، چای نمی‌نوشیدند، شکار نمی‌کردند و اصلاً گوشت هم نمی‌خوردند و هنوز سیگار نمی‌کشند. مردم ماخونیک این قبیل کارها را گناه می‌دانستند، ورود تلویزیون به این روستا به معنای ورود شیطان بود و اهالی تا چند سال پیش به تلویزیون می‌گفتند شیطان. آنها هرگز اجازه نمی‌دادند کودکان پای صفحه تلویزیون بنشینند و جادو شوند.

ماخونیک روستایی محصور شده در کوه‌هایی بدون علف در ناحیه‌ای دور از دسترس و جایی که می‌شود قرن‌ها بدون دیده شدن زندگی کرد و از نظرها ناپدید ماند. در گذشته این روستا هیچ راه دسترسی نداشته است و در سالهای اخیر برای دسترسی به این روستا قسمتی از کوه را شکاف داده تا جاده‌ای برای روستا بسازند. در بافت قدیم روستا خانه‌های محقر خشتی و گلی بدون حیاط و ایوان و پنجره و کیپ تا کیپ هم ساخته شده‌اند که هنوز بعد از گذشت سالها برخی از اهالی این روستا در این خانه‌ها زندگی می‌کنند. چیزی که در نگاه اول در روستای ماخونیک خراسان جنوبی توجه گردشگران را به خود جلب و بیشتر از هر چیزی آنها را شگفت‌زده می‌کند سبک معماری خانه‌های این روستا است.

خانه‌های ماخونیک بسیار کوچک و هرکدام حاوی یک اتاق ده یا دوازده متری هستند که با سنگ و خاک ساخته شده و سقف آن با شاخ و برگ درختان پوشیده شده و این خانه‌ها اغلب به جز یک در ورودی کوتاه هیچ منفذی رو به بیرون ندارند.

فاصله خانه‌ها در روستای ماخونیک از هم بسیار کم و بعضی به شکل طبقاتی و پلکانی ساخته شده‌اند که به نظر می‌رسد برای حفظ امنیت مردم منطقه اینگونه معماری رایج بوده است. با کالبد شکافی خانه‌های متروکه‌ی روستای ماخونیک، به این نتیجه می‌رسیم که برای ساخت هر خانه در گذشته ابتدا زمین به اندازه یک الی ۱.۵ متر به داخل زمین حفر شده و بعد دیواری به ارتفاع تقریبی یک متر با گل و سنگ ساخته‌اند و همه جایش را با گل نمکاری کرده‌اند.

سقف خانه‌ها در بافت قدیم روستای ماخونیک با چوب و شاخ و برگ درختان ساخته شده است، به نظر می‌رسد که علت این سبک معماری، نبود امکانات و مصالح ساختمانی بوده و اینکه با این شیوه علاوه بر ایجاد امنیت، از اتلاف گرما و سرما در زمستان و تابستان جلوگیری شده است. در گذشته مردم روستای ماخونیک شش الی هشت نفر در خانه دوازده متری زندگی می‌کردند که خانه‌ها غیر از در ورودی هیچ راهی به بیرون نداشته است.

ماخونیک به سرزمین لی لی پوتی‌های ایران شهرت دارد چرا که در این روستا سبک زندگی مردمش، معماری خانه‌ها، آداب و رسوم و باورهای عجیب و غریب و انزوای چندصد ساله‌اش، آن را به یکی از هفت روستای شگفت انگیز جهان مبدل کرده است.



○ سید حسین حسینی

خانواده فدای گیشه طنز فدای ابتذال

از شدت وقاحت و شرم آور بودن، امکان مطرح شدن ندارند.

به همین دلیل، زمینه و عوامل به وجود آمدن چنین فیلم‌هایی در ساحت سینمای حرفه‌ای ایران، مهم‌تر از ساختار و محتوای آنهاست. به ویژه اینکه طی دو-سه سال اخیر، تعداد این گونه فیلم‌ها بسیار زیاد شده است و در سال ۹۶ به اوج رسیده است. به طوری که از ابتدای سال ۹۶ تاکنون ۹ فیلم کمدی روی پرده سینماها رفته است که آماری کم نظیر و یک رکورد محسوب می‌شود. این وضعیت به گونه‌ای است که حتی می‌توان از آن به عنوان «تورم کمدی» یاد کرد. اولین زمینه‌ای که سبب ساخته شدن آثار پیش پا افتاده‌ای چون «پا تو کفش من نکن»، «نهنگ عنبر»، «اکسیدان» و... این است که در سینمای سال‌های اخیر ما، هر کس حرف یا هنری ندارد و هدفش صرفاً کار تجاری در سینماست، سراغ تولید فیلم کمدی می‌رود.

آنچه نگران‌کننده است، نزول و افت کیفی روز افزون این گونه فیلم‌ها در سینمای ایران است. چون از نظر ساختاری و تکنیکی هم بسیار ضعیف هستند و پیام‌های محتوایی خوبی هم ندارند. سازندگان اغلب فیلم‌های کمدی بیشتر از اینکه به خلاقیت و نوآوری و ایجاد طنز هنرمندانه فکر کنند، شوخی‌های شبکه‌های اجتماعی را به کار می‌برند. برخی از فیلم‌های کمدی سینمای ما از این هم بدتر هستند و برای جلب توجه بینندگان، الفاظ زشت و غیراخلاقی را بکار می‌برند. «پا تو کفش من نکن» از این هم بدتر است. در نتیجه چنین آثاری، تعریف و جایگاه

و فضا سازی‌های خاص تبلیغاتی، از این فیلم استقبال نشده و فروش چندانی نداشته است.

فیلم «پا تو کفش من نکن» تا حدودی شبیه فیلم «۵۰ کیلو آلبالو» است؛ فیلمی است که در آن هیچ منطق و عقلانیتی وجود ندارد، فقط چند مسئله وقیحانه در آن مطرح می‌شود. مشکل اصلی چنین فیلم‌هایی این است که مخاطب خود را موجودی بیمار و حریص درباره مسائل جنسی می‌پندارند! طوری که محور داستان این فیلم، مسائلی است که

سینمای ایران نماد سینمای فاخر است که با رعایت قواعد اخلاقی و انسانی در جهان شهرت دارد و پیام‌هایی که از سینمای ایران به جهان ارسال می‌شود پیام زندگی توأم با اخلاق است.

با پیروزی انقلاب، در ابتدا این تصور مطرح شد که حاکمیت دینی با سینما سر سازگاری ندارد و سینما از حیات فرهنگی این سرزمین حذف خواهد شد؛ اما با سخنان امام خمینی (ره) که با سینما مخالف نیستیم با فحشا مخالفیم؛ این ذهنیت برطرف شد. اما متأسفانه امروز بر پرده‌ی سینما شاهد برخی فیلم‌هایی هستیم که اگر چه در ظاهر جلوه‌های فساد در آن دیده نمی‌شود اما در باطن آن ترویج ابتذال و فساد است.

فیلم «پا تو کفش من نکن» ارزش چندانی برای نقد ندارد؛ همان طور که از اسم فیلم بر می‌آید، ما با اثری زیر صفر مواجه هستیم که حتی نمی‌توان آن را یک فیلم دانست. چون نه تنها ارزش‌های هنری و تکنیکی در آن وجود ندارد، بلکه سرگرمی و کمدی هم به معنای واقعی در آن نیست. طوری که در طول فیلم، کمتر موقعیتی برای خندیدن پیش می‌آید. همین عوامل هم سبب شده که به رغم جنجالی بودن





کمدی در سینمای ایران تغییر کرده است. به این معنی که اگر در گذشته، فیلم‌های طنز و کمدی محل بیان حرف‌های عمیق و اندیشه‌های ظریف در قالب هنرمندانه و زیبا بود، امروز این نوع فیلم‌ها محل لودگی و سخافت شده‌اند. اگر مخاطب اصلی کمدی در سال‌های گذشته خانواده‌ها بودند، امروز این گونه فیلم‌ها محل خانواده ستیزی هستند. طوری که فیلم‌هایی چون «پا تو کفش من نکن» و «۵۰ کیلو البالو» به صراحت و آشکارا علیه نهاد خانواده هستند. چون سوژه اصلی آن‌ها، هجو امر مقدس ازدواج است.

عدم توازن در تولید فیلم‌ها و تبدیل نوع بسیار نازل از فیلم‌های کمدی به جریان غالب بر تولیدات سینما، بیش از هر چیز نشان دهنده مشکلات ساختاری در مدیریت فرهنگی و سینمایی است. به این معنی که هم در تولید، ساخت چنین فیلم‌هایی به سادگی امکان پذیر است و هم در اکران با استقبال پخش کننده‌ها و سینماداران مواجه می‌شوند. اگر یک کارگردان یا تهیه کننده فیلمی خوش ساخت و استاندارد بسازند که دارای مولفه‌های محتوایی متعالی باشد، قطعاً موقع اکران فیلم خود با مشکلات فراوانی مواجه می‌شود. احتمالاً تعداد سالن‌های سینما و سانس‌هایی که برای فیلم او اختصاص می‌یابد، بسیار محدود خواهد بود، اما همان فیلم ساز اگر فیلمی سطح پایین و بی‌مایه اما کمدی و پر از نشانه‌های مبتذل داشته باشد، ده‌ها سالن سینما و در سانس‌های زیاد به او تعلق می‌گیرد. هم از این روست که فیلم سازها در این شرایط به تولید کمدی‌های سخیف تشویق می‌شوند.

نتیجه این روال در فرهنگ عمومی جامعه نیز گسترش سطحی گرایی است. شاید عده‌ای بگویند مگر نمایش چند فیلم مبتذل چقدر می‌تواند بر مردم تأثیر بگذارد؟! اما واقعیت این است که چنین فیلم‌هایی در دراز مدت و به خاطر تکرار و حضور دائمی و پر حجم بر پرده سینما، می‌توانند رفته رفته باعث فرسایش اخلاق و فرهنگ مردم شوند. اساساً خاصیت فرایندهای فرهنگی همین است که به صورت نامرئی و بدون اینکه خود افراد بفه‌مند، موضوعاتی وارد روح و ذهنشان می‌شوند و وقتی این موضوعات بر هم انباشته می‌گردند، باعث اعتلا یا انحطاط

فرد می‌شوند. تر، این فیلم را به یک اثر تجاری یک بار مصرف تبدیل کرده است.

حیف است که به این اثر فیلم فارسی بگوییم چرا که در فیلم فارسی‌های قبل انقلاب هم حرمت‌ها نگه داشته می‌شدند اما در این برهه‌ی زمانی حسین فرحبخش هیچ واهمه‌ی ندارد که فیلمی بسازد که اخلاق و اصول در آن جایی نداشته باشد و می‌کوشد با ادبیاتی کوچه بازاری و اروتیک تماشاگرش را گول بزند و بگوید این فیلم کمدی ست و می‌تواند از تماشاگر خنده بگیرد اما غافل از آنکه در سالن سینما هیچ تماشاگری به این فیلم نمی‌خندد شاید بهتر بود به جای ایجاد شرایط سنی برای این فیلم اعلام می‌کردند که این فیلم را به صورت انفرادی تماشا کنید چرا که تماشا‌ی این فیلم همراه با خانواده شرم آورست اگر می‌گوییم سریال‌های شبکه‌ی جم بدآموزی دارد پس چرا باید فیلمی مثل پا تو کفش من نکن را در سینما ببینیم؟ اساساً ریشه و ایده‌ی این فیلم از سریال‌های شبکه‌ی جم گرفته شده است اما با رعایت بعضی از نکات! ولی همان نکات بشدت غیر اخلاقی در بطن فیلم نهفته شده است.

این درحالی است که اگر پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سینمای کمدی در کشور ما شکوفا شد، به این دلیل بود که این فیلم‌ها هم پیام‌های اخلاقی و اجتماعی خوبی داشتند و هم موجب سرگرمی و خوشحالی تماشاگران می‌شدند. برخلاف فیلم‌های طنزآمیز قبل از انقلاب و سینمای بسیاری از کشورهای، فیلم‌های کمدی بعد از انقلاب برای بچه‌ها و خانواده‌ها نیز مناسب و مفید بودند. اما این روند تغییر یافته و اکنون با فیلم‌هایی همچون «پا تو کفش من نکن» مواجهیم که نه ارزش دیدن دارند و نه ارزش خندیدن.

اما اتفاق دیگری که در پی نمایش فیلم «پا تو کفش من نکن» افتاده، ناامن شدن فضای سینما برای خانواده‌ها و فرزندان آن‌هاست. این مسئله از آنچه نشانه خطر است که یکی از موفقیت‌ها و ارزش‌های منحصر بفرد سینمای ایران در سال‌های پس از انقلاب این بوده که محلی مناسب برای تفریح و سرگرمی خانواده‌ها باشد. جایی که برخلاف سینمای قبل از انقلاب و همچنین فیلم‌های خارجی، مردم همراه فرزندان خود به راحتی و بدون ترس از تأثیر منفی و تخریب فرهنگ و اخلاق خانواده می‌توانستند به سینما بروند یا فیلم‌ها را در خانه تماشا کنند. اما فیلم‌هایی چون «پا تو کفش من نکن»، «اکسیدان»، «نهنگ عنبر» و... وضعی دارند که نمی‌توان همراه خانواده به تماشا‌ی آن‌ها رفت. فیلم‌هایی که بطور وقیحانه به طرح مسائل جنسی می‌پردازند و حتی با همجنس گرایی هم شوخی می‌کنند و پر از سخنان و عبارات بی‌شرمانه و روایت‌هایی درباره مسائل غیراخلاقی هستند. تنها راه حل مسئولان هم برای کاهش تأثیر منفی این فیلم‌ها این است که برای آن‌ها محدودیت سنی تعیین کرده‌اند. یعنی ورود کودکان و نوجوانان به سینماهای نمایش دهنده آن‌ها ممنوع است!

پا تو کفش من نکن فیلم بی محتوایی ست که هر چه جلوتر می‌رود به ابتدال نزدیک می‌شود، دیدن این فیلم نه تنها باعث خنده و شادی نمی‌شود بلکه به معنای کمدی خدشه وارد کرده است و تماشاگر را از سینما و فیلم دیدن دلسرد می‌کند، این فیلم از ایده تا اجرا هیچ نکته‌ی مثبتی نداشته و از تیتراژ نخست تا سکانس پایانی ضعف هایش قابل مشاهده است. کارگردانی ضعیف و بازی‌های ضعیف

آخرین دیدار

باقی می ماند که باید قناعت کنید. گفتم: اشکالی ندارد. این حرف را زن. شرمندگی ندارد گفت: الان هم ۲۳ هزار تومان بیشتر ندارم که به تو بدهم و باید تا آخر ماه این پول را استفاده کنید. گفتم: مشکلی نیست. آخر آن موقع شانزدهم ماه بود. وقتی دیدم این طور ناراحت است به او گفتم: من می روم مغازه پایین ساختمان تخم مرغ بخرم و بیایم که با هم شام بخوریم تو که دیگر فرصتی نداری و می دانم از خانه بروی جایی شام نمی خوری. مثل اینکه منتظر بود که من از کنارش بروم تا راحت بتواند هر چه می خواهد بنویسد. اصلاً حواسش پیش من نبود.

چادرم را سر کردم و رفتم پایین. مغازه دار خانم همسایه بود. با هم سلام و احوال پرسری کردیم وقتی خواستم بگویم تخم مرغ دارید چشمم به فلافل های روی میز افتاد یادم آمد سجاد عاشق فلافل است. پولی که بهم داده بود که تا آخر ماه استفاده کنیم و مقداری هم خودم داشتیم روی هم گذاشتم و تصمیم گرفتم همه اش را برای سجاد خرید کنم. به اندازه دو ساندویچ برای سجاد خرید کردم، نون باگت و خیارشور و سس و دلستر و... و مقداری تنقلات برای سفرش مثل تخمه که می دانستم چقدر دوست دارد و پسته و پفک که به ذهنم رسید. هر کجا بروم منطقه نظامیست آنجا گیرشان نمی آید و دور هم خیلی می چسبید. وقتی می خریدم خانم همسایه با تعجب پرسید: به سلامتی خبریه؟ گفتم: همسرم به مأموریت می رود و برای طول سفرش خرید می کنم. گفت: مشخص است خیلی دوستش داری. گفتم: خیلی زیاد، دعا کن سلامت برگردد. گفت: این شاء الله.

آمدم بالا دیدم هنوز سرش مشغول نوشتن است. نگرانیم بیشتر شد، ولی حرفی نزدیم رفتیم آشپزخانه و ساندویچ ها را آماده کرده و سفره را پهن کردم و صدایش زدم خیلی در فکر بود اصلاً حواسش نبود. همیشه خوشحال می شد از سفره ای که پهن می کردم و از من تشکر می کرد، ولی آن شب هیچ نگفت و فقط آمد سر سفره نشست و گفت: چرا خودت نمی خوری؟ گفتم: خانه دایی شام برایم هست تو بخور. من فقط کنارت می نشینم تنها نباشی. باز موقع خوردن در فکر بود و غذایش که تمام شد، دوباره مشغول نوشتن شد. سفره را جمع کردم و رفتم نقلاتی که



سید سجاد حسینی در سیزدهمین روز از تیرماه سال ۱۳۶۲ در شهر شهید پرور درجه به دنیا آمد. سید سجاد پس از تحصیل در مقاطع ابتدایی و راهنمایی در رشته کامپیوتر ادامه تحصیل داد؛ و پس از اخذ دیپلم برای گذراندن دوره آموزش های نظامی به تبریز رفت. در سال ۸۳ در حالی که بیش از ۲۱ سال از عمر پربرکتش نگذشته بود بدلیل علاقه به خانواده شهدا با فرزند شهید سید باقر حسینی ازدواج کرد؛ و در همان سال در لباس پاسداری به استخدام گروه موشکی ۱۵ خرداد درآمد. در سال ۸۶ پس از اصرارها و تشویق های همسرگرمی شان در دانشگاه امام حسین (ع) تهران به ادامه تحصیل در رشته مدیریت دولتی در مقطع کاردانی نمود و پس از گذشت چند سال به اصفهان بازگشت و برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی به دانشگاه امام علی (ع) رهسپار شد؛ و در فروردین ماه سال ۱۳۹۰ تنها فرزند ایشان سید محمد پارسا در اصفهان بدنیا آمد. سیدسجاد روز نهم آبانماه ۱۳۹۴ در دفاع از حرم به شهادت رسید.

در ادامه خاطره همسر شهید از شب آخر و آخرین دیدار را می خوانیم:

شب آخر

برگردی، ولی سعی کن سالم برگردی. بین راه هیچ کدام حرفی نزدیم، سجاد خیلی در فکر بود. رسیدیم خانه، من رفتم ساکش را بستم. ۱۶ مهرماه ۱۳۹۴ بود. سیدسجاد همین طور مشغول نوشتن بود. کنارش نشستم و با تعجب دیدم تمام بدهکاری هایش را لیست کرده و یکی یکی وارد سررسید می کند با تاریخ موعود چک ها و شماره همراه آن طلبکاران! نگاهش کردم و گفتم چرا اینها را می نویسی؟ گفت: می خواهم به مأموریت بروم بهتر است بنویسم. گفتم: تو همیشه به مأموریت می رفتی هیچ وقت این کار را انجام نمی دادی! وقتی دید دارم نگران می شوم گفتم: مأموریت این بار من دو ماه است و چندتا از این چک ها تاریخ شان نزدیک است. من نیستم تو باید حقوقم را دریافت و به حساب این چک ها واریز کنی. گفت: فقط شرمندمه مقدار کمی از حقوقم

به علت فوت پسردایی ام ما در خانه دایی ام بودیم که یک دفعه سجاد به من گفت: می خواهم بروم مأموریت و من هم چون این حرف برایم عادی بود، گفتم: باشه برو، گفت: الان می خواهم بروم. گفتم: خب صبر کن فردا برو، الان که شب است. گفت: منتظر من هستند گفتم: خب الان باید چکار کرد؟ گفت: برویم خانه و ساک سفرم را ببند. گفتم: باشه. هر دو سوار ماشین شدیم و رفتیم سمت خانه. بین راه به مسجد رسیدیم گفت: نگهدار من از دایی خداحافظی کنم. موقع اذان مغرب بود. نگه داشتیم رفت داخل مسجد و با تعجب برگشت. گفتم: چیزی شده؟ گفت: من اصلاً به دایی حرفی نزدیم نمی دانم از کجا متوجه شد کجا می خواهم بروم. گفت: به سلامتی بروی و

خریده بودم داخل کیفش گذاشتم، ولی اجازه ندادم متوجه بشود چون می‌شد با همان مقدار پول کم برایش خرید کرده باشم و مطمئن بودم بفهمد با خودش نمی‌برد. ساکش را بستم و دم در گذاشتم. امدم نشستم روی مبل و نگاهش کردم، اصلاً متوجه من نبود و فقط می‌نوشت. دلم طاقت نیاورد رفتم کنارش و سررسید را نگاه کردم. سررسید را برداشتم و اجازه دیدن به من نداد. گفتم: چرا اجازه نمی‌دهی بخوانم؟ گفت: وقتی رفتم بخوان و لبخندی زد که ناراحت نشوم. گفتم: مگر چه می‌نویسی؟ گفت وصیتم را!

چند لحظه ای سکوت کردم و بهت زده بودم که آیا درست شنیده‌ام؟ گفتم: نمی‌خواهد بنویسی. سررسید را به من بده. گفت: نه، باید بنویسم. گفتم: احتیاجی به این کار نیست. تو همیشه به مأموریت می‌روی. این بار به کجا می‌روی که وصیت می‌نویسی؟ گفت: وصیت احتیاج است و من قبلاً هم اشتباه می‌کردم، که نمی‌نوشتم. گفتم: هر چه دوست داری، بنویس من نخونده پاره می‌کنم. گفت: نه، این باید بماند. مطمئناً احتیاجت می‌شود.

از حرکات و صحبت‌های خیلی ناراحت شدم گفتم: این بار قرار است به کجا بروی که از برنگشتن مطمئن هستی؟ گفت: باور کن همه اینها باید انجام شود و من همیشه باید این کار را انجام می‌دادم. وقتی دید اجازه نوشتن به او نمی‌دهم، گفت: برو کت من را بیاور تا مدارکم را از داخلش بردارم. رفتم کنش را آوردم، دستم را داخل جیبش کردم دیدم پاسپورتش هست. با تعجب نگاهش کردم. خندیدید. گفتم: برای بار چندم است می‌پرسم، کجا می‌خواهی بروی؟ یا خنده گفت: نمی‌خواهی ازش یک عکس یادگاری بگیری؟ گفتم: چرا به من نمی‌گویی؟ گفت: حالا یک عکس بگیر تا بگویم. خنده از لبش نمی‌رفت. نشستم و از پاسپورت عکس گرفتم. به اتاق رفت و کتاب‌های دیده‌بانی‌اش را برداشت. گفت: برابرم دعا کن در کارم اشتباهی انجام ندهم و سر بلند برگردم. گفتم: ان شاءالله. کتاب‌ها را داخل کیفش گذاشتم و مدارکش را دادم. گفتم: می‌خواهی بروی سوریه؟ خندیدید و حرفی نزد. گفتم: چرا حرف نمی‌زنی؟ می‌خواهی بروی سوریه؟ گفت: همین اطراف؟ گفتم: نمی‌خواهد بروی. گفت: چرا؟ گفتم: برای چه می‌خواهی بروی؟ حرفی نزد. دوباره گفتم: نمی‌خواهی بروی! گفت: اگر نروم آبرویم می‌رود. گفتم: پیش چه کسی؟ گفت: فرمانده‌ام. گفتم: چرا؟ گفت: الان در ترمینال منتظر من نشسته. تو که نمی‌خواهی آبروی من پیشش

برود؟ گفتم: مهم نیست آبرویت پیش فرماندهات برود مهم‌تر از جانت که نیست! من اجازه رفتن نمی‌دهم. وقتی دید که اجازه نمی‌دهم گفت: آبرویم پیش حضرت زهرا چه؟ آن هم مهم نیست؟ گفتم: پس می‌خواهی بروی سوریه؟ باز خندیدید. گفتم نمی‌خواهم بروی. گفت: با نرفتنم آبرویم پیش فرمانده و حضرت زهرا می‌رود. قول می‌دهم دفعه آخرم باشد. نمی‌دانم چه شد که حرفی نزد. کیفش را برداشتم. گفت: وصیتم را پاره نکن! گفتم: ان شاءالله به سلامتی برمی‌گردی و با هم به وصیتی که نوشتی می‌خندیم و با هم پاره‌اش می‌کنیم. خندید و گفت ان شاءالله.

رفتم قرآن را برداشتم و از زیر قرآن ردش کردم. دلم آرام نگرفت گفتم باز برگرد، برگشت و دوباره قرآن را بوسید و دوباره هنگام بیرون رفتن از زیر قرآن ردش کردم. چون به تازگی وارد خانه جدیدمان شده بودیم، وسایل خانه هنوز چیده نشده بود و همه چیز وسط سالن با کارتن‌هایش بود. موقع رفتن نگاهی به خانه انداخت و گفت: خدا را شکر که سقفی بالای سرتان هست خیال‌م راحت است. گفت: دست به وسایل خانه نزن، وقتی برگشتیم با هم وسایل را می‌چینیم، ولی سعی کن سالن را مرتب کنی! شاید چند وقت دیگر مهمان‌هایی برای‌تان بیاید.

بعد خودت می‌فهمی! منظورش همان‌هایی بودند که بعد از شهادتش به دیدار ما آمدند، ولی آن روز منظورش را نفهمیدم. سوار ماشین شدیم و در بین راه باز مداحی حضرت زینب را گوش می‌دادیم تا رسیدیم ترمینال صفه. گفت من فرصت نکردم محمدپارسا را ببوسم، از طرف من ببوسش. گفتم: چشم! گفت: مواظب خودتان باشید. گفتم: چشم ولی کسی که باید مواظب خودش باشد تویی نه ما. گفت: نه شما بیشتر مواظب خودتان باشید من مواظبم و خندیدید. گفتم: اجازه بده بیایم داخل ترمینال تا وقت رفتن کنارت باشم. گفت: نه خیلی شلوغه. برو، جای پارک نیست، نگران نباش. گفتم: باشه پس حساسی مواظب خودت باش. گفت: چشم موقع رفتن دستت را گذاشت روی در ماشین و خواست حرفی بزند، ولی پشیمان شد!

گفتم: چیزی شده؟ گفت: نه! باز خواستم بروم دوباره پایش را گذاشت جلو. سه مرتبه این کار را انجام داد! ولی حرفش را نزد. نمی‌دانم چه می‌خواست بگوید و نگفت. در آخر گفت برو به سلامت و خداحافظی کرد. آخرین دیدار دونفره‌مان به همین سادگی تمام شد. هر روز این صحنه در برابر دیدگانم مرور می‌شود.

آخرین ساعات سید

آخرین تماسش را هم به یاد دارم. زمانی که تماس گرفت گفت: در محاصره هستیم، برای‌مان دعا کن. در آن لحظه در جمعی بودم و هیچ حرفی نتوانستم بزنم. فقط آشوب و اضطرابی داشتم که تا به حال آن را تجربه نکرده بودم! آری! من به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود. در دل دعا می‌خواندم و از خدا می‌خواستم تنهاش نگذارد. من به برگشتنش مطمئن بودم. هر چند که این روزها هم من با خودش زندگی می‌کنم و وجودش را در زندگی‌مان حس می‌کنم.

آنچه می‌دانم روایت هم‌زمان ایشان است. هم‌زمانش می‌گفتند: سیدسجاد در سوریه هر کاری از دستش برمی‌آمده انجام می‌داده و به همه کمک می‌کرده است. پشت بی سیم آنقدر شوخی می‌کرده که هر کسی او را نمی‌شناخت می‌خواست بداند صاحب این صدا کیست؟ در سوریه مجروح شده بود، اما به کسی چیزی نگفته بود تا به عقب برنگردد. هم‌زمانش از تنها نگرانی سجاد برایم گفتند. به آنها گفته بود: نگران همسرم و مادرشان هستم. آنها یک بار سختی این راه را چشیده‌اند و حال دوباره سختی نبود من را هم باید تحمل کنند. حق هم داشت، بعد از رفتن او سختی‌ها چندین برابر شده، اما به شوق دیدارش روزها را می‌گذرانم.

خبر شهادت

به درخواست سیدسجاد دانشگاه رفتم و در حال حاضر دانشجوی هستم، صبح روز ۱۱ آبان‌ماه بود که از خانه به سمت دانشگاه خارج شدم، بنر شهید «دایی تقی» را که دیدم ناخودآگاه از خدا برای همسر شهید طلب صبر کردم. در بین کلاس بود که با دیدن تماس‌های بی‌پاسخ گوشی کمی دلواپس شدم. آخر من مسافری در آن سوی مرزها داشتم و این دلواپسی من را بیشتر می‌کرد. در راه رفتن به درچه با تماس دوست سجاد مواجه شدم که به من گفت، خبر تیر خوردن سید سجاد درست است؟ به شدت پایم را بر ترمز ماشین زدم و توان صحبت نداشتم. وقتی دوست سیدسجاد متوجه شد که من بی‌خبر از همه‌جا هستم، ادامه داد که شنیده است دست سجاد تیر خورده و همین دلواپسی‌ام کم‌تر شد و به راهم ادامه دادم، ولی زمانی که به درچه رسیدم، نگاه دائمی‌ام با من صحبت از پرواز کبوتر عزیزم سیدسجاد به آسمان بود. بله سیدسجاد حسینی همسر مهربانم در دفاع از حرم به شهادت رسید.

○ مجتبی اردشیری

یک فیلم استاندارد و کم ادعا

فیلم در عین برخورداری از افتتاحیه نسبتاً باشکوه و میانه داستانی قوام یافته، در بخش فینال، با مشکل مواجه می‌شود. حوادث داستان، چندان آستن یک پایان باز نیستند و قطعاً تعدد التهابات داستانی و چالش‌های تعریف شده در طول روایت، این اجازه را نمی‌دهند که طبق جبر به نمایش گذاشته شده در فیلم، یک راه حل مدون به عنوان منجی تمامی آن اتفاقات تعریف شود و به همین دلیل، داستان به یک باره و به صورت ناگهانی پایان یافته و در نتیجه، مخاطب را تا حدودی شوکه می‌کند. شاید بهتر بود به جای این فینال شبه روشنفکرانه (که با قامت رئالیستی و ساده فیلم همخوانی ندارد) یک پایان خطی و مشخص برای آن نوشته می‌شد تا سدمعبر با تمام قابلیت‌هایی که دارد، به یکی از برترین درام‌های امسال سینمای ایران تبدیل شود.

پوئن فانتزی فیلمنامه، جریان معنوی کار است که به موازات داستان صریح رئالیستی، به شکل غیرملموسی نشان داده می‌شود؛ قاسم که مامور سدمعبر شهرداری است و کارش برخورد فیزیکی با دستفروشان است، حالا خود در مقام سدمعبر برمی‌آید به گونه‌ای که منزل پدری وی که قرار بود به بردار نیازمند او (با یک فرزند معلول) برسد، توسط او اشغال شده و حتی وی بر سر راه آرزوهای چندین ساله همسرش در راه رسیدن به استقلال و خرید یک خانه نقلی، سدمعبر ایجاد می‌کند و با پول ارثیه، به جای خرید خانه، کامیون می‌خرد. این، عطف به مضمون بسیار جالبی بود که به ساختار

دو قشر هم طراز با یکدیگر، در تقابل با هم قرار گرفته و این به جذابیت داستان و چالش‌های پیش روی آن، کمک بسیاری می‌کند. روستایی به خوبی توانسته این ایده را در همین فضای محدود طبقه فرودست بسط داده و با موقعیت سازی‌هایی که سازگاری خوبی با منطق روایی دارند، داستان خود را به جلو هدایت کند. دیالوگ نویسی‌های او برای این فیلم قابل تامل است، علی‌الخصوص در مواقعی که پاسخ سوالات متداول چیزی بر خلاف تصور و حدس مخاطب از آب در می‌آید، اما نکته عجیب فیلمنامه، شکل شخصیت‌پردازی کاراکتر به اصطلاح بدمن فیلم (نادر فلاح) است که در نیمه نخست حضور خود، یادآور همان بدمن‌های کلاسیک سینما و فردی که محل و مزاحم است تداعی می‌شود، اما وقتی بر روی زندگی وی فوکوس می‌شود مشخص می‌شود که وی برخلاف قهرمان داستان (که فردی آلوده است)، زندگی سالمی دارد و این عدم بالانس در شخصیت‌پردازی این کاراکتر (آن هم با توجه به اصرارهای ابتدایی فیلم مبنی بر مزاحم بودن وی) یکی از نقاط تعجب آور فیلمنامه است که سد بزرگی در کامل بودن آن محسوب می‌شود.

«سدمعبر»، یکی از مهم‌ترین فیلم‌های امروز سینمای ایران است؛ نخستین تجربه مستقل کارگردانی محسن قرائی (پس از کارگردانی مشترک فیلم خسته نباشید) که زیر سایه سنگین نام سناریست (سعید روستایی) توانسته با کسب افتخار در چندین فستیوال داخلی و خارجی، در یک بازه زمانی نسبتاً بد، به روی پرده برود.

درام اجتماعی سدمعبر، افتتاحیه قابل قبولی دارد؛ جایی که در همان چند سکانس ابتدایی، می‌توان به نمودار واضحی از شخصیت‌پردازی قاسم (حامد بهداد) با آن دوربین روی دست‌های ملتهب و کم نقص رسید و تعلیق ملموسی که از همان زمان آغاز و تا انتهای اثر، همراه مخاطب است؛ یک شک روشمند برای مخاطبی که هر لحظه به نحوه برخورد قاسم و همکاری‌اش با دستفروشان شک دارند و منتظر هستند تا جریان رئالیستی اثر، ناهنجاری‌های متنوعی به خود ببیند، اما کلیدواژه مهم فیلم، «لقمه حلال» است که تا حدودی بحث جبری داستان را خنثی می‌کند و به شکلی عامدانه، وارد حریم اعتقادی کاراکترها می‌گردد. فارغ از این، کلیت داستان در همان ایده ابتدایی، بالانس می‌شود؛ جایی که قرار است





زیباشناسانه اثر، (برخلاف ظاهر زمخت آن) انجامید و بار غنایی اثر را دو چندان نمود. در این بین، نباید از شیوه اجرایی قرایی غافل ماند؛ فیلم، دکوپاژهای متغیر داخلی و خارجی بسیاری دارد و کارگردان، به خوبی توانسته با حفظ ریتم روایت، دکوپاژهای متناسب و چشمگیری را خلق کند. ضرباهنگ داستان، به لحاظ اجرا، قابل قبول است؛ فیلم لکت ندارد و صحنه‌های پرتنش و هیستریک آن، به خوبی مهندسی می‌شود. قرایی نشان داد که پس از کارگردانی نیمه آماتور فیلم قبلی خود (خسته نباشید) به درجه خوبی از اشراف و تسلط محیطی در بحث کارگردانی دست یافته است. فیلم، یک حامد بهداد کنترل شده دارد که به خوبی می‌تواند ضمن حفظ فردیت قهرمان، کنش‌های بیرونی قابل توجهی در مقابله با خانواده و جامعه پیرامونی‌اش را به تصویر بکشد. امتیاز بالای بازی بهداد در این فیلم، به حفظ راكوردهایش برمی‌گردد چون عمده صحنه‌های حضور این بازیگر به درگیری‌های درونی و واکنش‌های عصبی او برمی‌گردد که قطعاً حفظ این تعادل، به شدت سخت است کما اینکه بهداد به خوبی توانسته از پس این مهم برآمده و یک بازی قابل قبول از خود به نمایش بگذارد. باران کوثری هم در همان چند سکانس محدودی که حضور دارد، اکت‌های درست و زیرپوستی از خود به نمایش می‌گذارد که عیار بازی فیلم را بالا می‌برد. سد معبر قطعاً گام رو به رشدی برای کارگردان جوانش به حساب می‌آید گرچه قطعاً نباید در این مرحله متوقف بماند. امتیاز مهم فیلم، اصرار برای دوری از نشانه‌های ظاهری سینمای اجتماعی فرهادی و سندرمد متکثری است که طی این سال‌ها، از سوی کارگردانان جوان دنبال می‌شود و البته وجوه غیرمشترکی که احساس می‌شود به واسطه نگارش فیلمنامه توسط سناریست و کارگردان «ابد و یک روز»، جریان داستانی این فیلم نیز تا حدودی شبیه آن شود که به جز فضای روایت، وجه اشتراک چندانی میان این دو فیلم وجود ندارد. نکته مهم دیگر، دوری از سیاه‌نمایی‌های رایجی است که اصولاً در این گونه فیلم‌ها به چشم می‌خورد، اما در این فیلم با وجود تمام بدببیری‌های خودخواسته فاسم، هم چنان «امید» در میان تمامی کاراکترهای کلیدی داستان وجود دارد که داستان را جهت دار می‌کند. هر چند باید به دوری جستن کارگردان از ایجاد فضاهای شبه روشنفکرانه با بهره‌گیری از میزانشن‌هایی هوشمندانه، تریک‌گفت و تلاش وی برای رسیدن به درجه‌ای از سبک کاری خاص را ستود.

قدیمی ترین مجسمه چوبی دنیا

در یکی از موزه های روسیه مجسمه ای چوبی به ارتفاع دو متر و هفتاد و پنج سانتی متر در محفظه ای شیشه ای قرار دارد که بت شیبگیر (Shigir Idol) نامیده می شود و قدیمی ترین مجسمه ی چوبی دنیاست که به یازده هزار سال پیش یا به زمانی که تازه انسان ها کشاورزی را کشف کرده بودند بر می گردد. اندازه ی اصلی این مجسمه بیش از ۵ متر بوده که در زمان آشوب های روسیه در قرن بیستم، دو و نیم متر از آن نابود شده است.

این مجسمه ی فوق العاده در سال ۱۸۹۴ در یک مرداب زغال سنگ پیدا شد، در حالی که به قطعات بیشماری شکسته شده بود به لطف خاصیت نگهدارندگی زغال سنگ، آسیبی به مجسمه نرسیده بود. وقتی که قطعات کنار هم قرار گرفت، تصویر مبهم یک مرد پدیدار شد. سطح بت پر از نماد های دوره ی میان سنگی (Mesolithic) و طرح هایی هندسی است که هنوز باستان شناسان پی به معنای دقیق آن نبرده اند.

این بت احتمالا از چوب درخت صنوبری ساخته شده که بیش از صدوپنجاه سال قدمت داشته و برای کنده کاری و شکل دادن بدن از ابزار آلات سنگی استفاده شده است. بدن این مجسمه ی ماقبل تاریخ، صاف و مستطیلی شکل است و به نظر می آید که خطوط افقی روی سینه ی آن نشان دهنده ی قفسه ی سینه باشد. به غیر از صورتی که در بالا قرار دارد، شش صورت دیگر در نقاط مختلف از این مجسمه کنده کاری شده که کارشناسان آن را مرتبط با سلسله مراتب این صورت ها می دانند. سه صورت به ترتیب بالای یکدیگر در دو قسمت پشت و جلو و صورت هفتم که دو قسمت را به هم متصل می کند و این ترکیب را کامل می سازد. محققان باور دارند که بینی کشیده و گونه های بالای این مجسمه احتمالا نشان می دهد که خالقین این مجسمه از چنین صورت هایی برخوردار بوده اند، حال آن که آثار هیرگلیف به جامانده ممکن است حاوی اطلاعات بیشتری به صورت رمزگذاری شده درباره ی "خلقت دنیا" از چشم انسان های نخستین برای ما باشد.

ابتدا گمان می شد این مجسمه ۹۵۰۰ سال قدمت داشته باشد ولی اخیرا با استفاده از وسایل تخمین مدرن تر مشخص شده که این مجسمه بیش از یازده هزار سال قدمت دارد که یعنی این مجسمه دو برابر اهرام ثلاثه قدمت دارد!



کشف این مومیایی‌های ایتالیا دنیا را در حیرت فرو برد

مومیایی‌های ونزون

کلیسا قرار داشته‌اند! و این یکی از عجیب‌ترین چیزهایی بود که در این مومیایی‌ها پیدا شد. در مقاله‌ای که در سال ۱۹۰۶ میلادی منتشر شد، نویسنده‌ی این مقاله به نام F. Savorgnan de Brazza چندین فرضیه را مورد بررسی قرار داده است صرف‌نظر از این که این اجساد به چه دلیل مومیایی شده‌اند. او می‌گوید که وجود نمک و نیترو، آلومینا و آهک می‌تواند باعث چنین خشک‌شدگی‌ای در بدن شود اما در تحقیقات هیچ نشانه‌ای از نمک روی بدن این اجساد دیده نشده است.

برازا بر این باور است که روند مومیایی شدن توسط فونگوس که نوعی قارچ است انجام شده است مخصوصاً اینکه هاگ‌های این قارچ هم در مقبره‌ها و هم در تابوت‌های چوبی دیده شده است. به این قارچ *Hypa tombicina* گفته می‌شود. برازا در باره‌ی این قارچ‌ها می‌گوید که هیفا تامبیسینا عاشق رطوبت و اماکن مرطوب است و آن را از طریق مکنده‌های میکروسکوپی و بی‌نهایت ریزی که دارد جذب می‌کند. آن‌ها سریعاً توسعه پیدا می‌کنند و زیاد می‌شوند و بدن را قبل از اینکه بخوابد تجزیه شود، وارد فاز خشک‌شدگی می‌کنند. تا کنون چندین بار سعی شده است تا این نوع قارچ هیفا را کشت کنند اما تمام تلاش‌ها بی‌نتیجه بوده است.

عکس‌های مومیایی‌های ونزون

در آن دوران که برازا این مقاله را می‌نوشت، تعداد مومیایی‌هایی که پیدا شده بود، ۴۲ عدد بود اما با زلزله‌ای که در این منطقه رخ داد، تعداد مومیایی‌ها به ۱۵ عدد کاهش پیدا کرد. همین کمتر شدن تعداد خود به خود باعث سخت‌تر شدن کار دانشمندان می‌شود چون روند مطالعه درباره‌ی این که چه شرایطی در پس مومیایی

بسیار پیش آمده که کشفیاتی که در حال حاضر ما از آن‌ها اطلاعاتی داریم، کاملاً اتفاقی کشف شده‌اند، مانند این که مثلاً شخصی در دریا مشغول غواصی بوده است که به طور ناگهانی به گنجینه‌ی عظیمی از جواهرات گران‌قیمت برخورد کرده است. در این نوشتار هم می‌خواهیم یکی از همین تجربه‌های مشابه را توضیح دهیم، کارگرانی که در حال مرمت بنایی بوده‌اند به طور خیلی اتفاقی به مجموعه‌ای از مومیایی‌های بسیار عجیب برمی‌خورند که این مومیایی‌ها بعداً به تعدادی از شناخته‌شده‌ترین مومیایی‌های جهان یعنی همان مومیایی‌های ونزون تبدیل می‌شود. در سال ۱۶۴۷ کارگرانی که در حال مرمت کلیسای سنت اندرو در شهر کوچکی در ایتالیا به نام ونزون در استان اودین بودند به طور ناگهانی به مقبره‌ای که در حیاط این کلیسا بود برخوردند. در داخل این مقبره جسد خشک شده‌ای از مردی پیدا شد که قدم متوسطی داشت و احتمالاً در دورانی که زنده بوده است فربه داشته است. در حال حاضر بدن او کوچک‌تر شده بود و به ۳۳ پوند رسیده بود که تقریباً معادل ۱۵ کیلوگرم می‌شود. اما عجیب‌تر این که تجزیه نشده بود.

بعد از این کشف تصمیم گرفته شد تا تحقیقات بیشتری در این منطقه انجام شود و بعد از حفاری‌ها و کندوکاو‌هایی که از قرن چهارم تا به امروز شده است باستان‌شناسان موفق شده‌اند در مجموع ۴۲ جسد را از زیر خاک در حیاط کلیسا به بیرون بکشند. همه‌ی این اجساد به طور کاملاً ناگهانی و خود به خود به محض دفن شدن، مومیایی شده‌اند، پوستی که روی بدن این اجساد وجود دارد به زرد مایل به قهوه‌ای تبدیل شده است و این تصور را به وجود می‌آورد که این اجساد لباس‌های چرمی به تن کرده‌اند! تمام ماهیچه‌های اجساد این مومیایی‌ها مانند قلب به غشاهای نازکی تبدیل شده است و در کمال تعجب ارگان‌های داخلی آن‌ها مثل کلیه و پانکراس کاملاً ناپدید شده است. مغز این مومیایی‌ها به یک سوم اندازه و حجم واقعی‌اش رسیده است. بر اساس تحقیقات بر روی آن‌ها مشخص شد که مومیایی‌های ونزون بین ۲۲ تا ۴۴ پوند وزن دارند اگر چه مدت زمان زیادی از مرگ آن‌ها گذشته است و بسیار پیر هستند ولی فرم اصلی و ویژگی‌های بدنی آن‌ها به خوبی حفظ شده و کاملاً قابل تشخیص است.

مومیایی‌های ونزون ایتالیا

طبق تحقیقاتی که روی این اجساد مومیایی شده انجام شد مشخص شد که این تغییرات در ۱۱ مقبره‌ای اتفاق افتاده است که در نزدیکی محراب

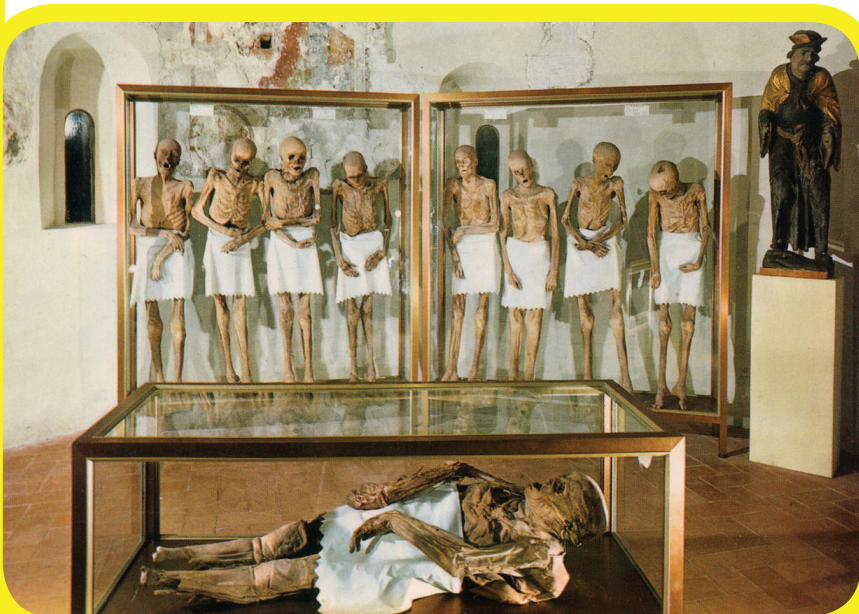
شدن این اجساد بوده است را سخت‌تر می‌کند. طبیعتاً زمانی که نمونه‌های بیشتری در دست باشد و محققان بتوانند روی تعداد گونه بیشتری تحقیقاتی را انجام دهند، قاطع‌تر می‌توانند درباره‌ی این نمونه‌ها تصمیم بگیرند و نتایج‌شان را قطعی‌تر انتشار بدهند.

علاوه بر این، دیگر مرده‌ای در کلیسا دفن نمی‌شود و بنابراین این احتمال وجود ندارد که تعداد آن‌ها در آینده افزایش پیدا کند.

در حال حاضر تئوری فونگوس بسیار بیشتر از یک حدس و گمان است. در سال ۱۹۸۳ یکی از پروفیسورهای دانشگاه مینه‌سوتا به نام آرتور سی آفدهاید از این مکان دیدن کرد و این اجازه به او داده شد تا کشت میکروب نمونه‌هایی از فونگوس‌ها را در آزمایشگاه انجام دهد و علاوه بر این، مقداری از خاک و چوبی که در منطقه وجود داشت را برای آنالیز بردارد. هیچ کدام از میکروارگانسیم‌هایی که تعیین هویت شدند، با توضیحات اصلی *Hypa bombicina* یکی نبود. در نتیجه طبق مشاهدات، پروفیسور آفدهاید به این نتیجه رسید که محتمل‌ترین توضیحی که درباره‌ی این مومیایی‌های خشک شده در ونزون می‌تواند بگیرد، خاک سنگ‌آهک‌دار آن بوده است.

مومیایی‌های ونزون در ایتالیا

مومیایی‌های ونزون هنوز هم که هنوز است دانشمندان و توریست‌ها را با علامت سوال‌های بزرگی روبرو کرده است. بعضی از این مومیایی‌ها را می‌توان در حال حاضر در کلیسا و در همان قسمت قبرستان کوچک این منطقه دید. این قبرستان در حال حاضر به یکی از مشهورترین جاذبه‌های گردشگری ایتالیا تبدیل شده است و جمعیت بالایی از توریست‌ها حتی دانشمندان، هر ساله به ونزون ایتالیا می‌ورند به این امید که شاید توانستند معمای آن را حل کنند. منبع amusingplanet.com



کوثر یوسفی

چگونگی ظهور نهادهای اجتماعی و نقش آن‌ها

تحمیل قیود پیرامونی و اجبار اجتماعی مطرح بود به حیطة جامعه‌شناسی مربوط می‌گردید. طی چند دهه اخیر این حیطة نیز مورد توجه و بررسی اقتصاددانان قرار گرفته و دست‌آوردهای قابل توجهی فرا دست آمده است. یکی از این حیطة‌های مطالعه "نهادهای"

و دلیل ظهور و تداوم آنها است. ظهور نهادهای را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرارداد. منظر اول، بحث هزینه مبادله است و اینکه چگونه ظهور نهادهای منجر به کاهش و یا جایگزینی آن می‌شود؛ و منظر دوم، بازی‌های تعاملی اجتماعی است که منجر به ظهور نهادهای می‌گردد. به این معنی که وجود هزینه مبادله منجر به ایجاد نهادهای می‌شود و نهادهای نیز گرچه بعضی هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهند لکن خود نوعی هزینه مبادله را جایگزین می‌کنند به نحوی که در مجموع، بهبود رفاهی ایجاد می‌شود. دیگر اینکه کنش‌های اجتماعی و بهره‌مندی متقابل نهادهای را ایجاد میکنند که قاعده ایجاد آنها مشابه نتیجه یک بازی تعاونی است.

یکی از کارکردهای نهادهای، کاهش هزینه‌های مبادله است؛ هر چند که خود آنها نیز می‌توانند عاملی برای ایجاد هزینه مبادله باشند. در مثال بالا، فروشنده و خریدار به آن دلیل به بنگاه مسکن اعتماد می‌کنند و چک و سفته‌شان را نزد وی به امانت می‌گذارند که احتمالاً، فرد بنگاه دار در محل، شناخته شده بوده و سرمایه‌ی انسانی و فیزیکی خود را به کسب و کارش وارد کرده است و برای حفظ این سرمایه‌ها دغل بازی نخواهد کرد. اعتماد به بنگاه مسکن نهادی به شمار می‌رود که برای کاستن از هزینه‌ی مبادله بوجود آمده است (هر چند که خود می‌تواند هزینه مبادله را بالا ببرد زیرا دو طرف معامله ناگزیرند هزینه بنگاه را نیز متحمل شوند).

در مثال مراسم ازدواج نیز که در ابتدای

چنین انتخاب‌هایی را می‌توان در چارچوب رفتار عقلایی آحاد مردم گنجاند؟

عرف و فرهنگ اجتماعی را می‌توان همانند قاعده‌ای دانست که مردم، آن را به عنوان یک قید پذیرفته و در تصمیم‌گیری‌شان دخیل می‌کنند. اگر یادگیری بشر را متأثر از تجربیات او در طول زمان بدانیم، فرهنگ اجتماعی به مثابه فیلتری خواهد بود که تجربیات بشر از آن می‌گذرد. به بیان دیگر، تفسیر بشر از جهان، بر اساس قواعدیست که در جامعه و در غالب فرهنگ، سنت، دین، و مانند آن‌ها آموخته است و مدل ذهنی و طرز تفکر خود را بر اساس آن شکل داده است. به این قواعد نهاد گفته می‌شود؛ "نهادهای محدودیت‌هایی هستند که توسط بشر ایجاد شده و تعاملات انسانی را شکل می‌دهند." هنگامی که بحث نهادهای به میان می‌آید، ناگزیر از چارچوب سنتی اقتصاد نئوکلاسیک خارج شده و وارد دنیایی می‌شویم که به آحاد اقتصادی اختیار تام نمی‌دهد تا هر گونه که خواستند انتخاب کرده و مطلوبیت‌شان را ماکزیم کنند؛ بحث نهادهای به ما می‌آموزد که بشر در دنیای واقعی، خواه و ناخواه با قیودی مواجه است که توسط خود او و یا پیشینیانش در طول زمان وضع شده‌اند و دامنه‌ی انتخاب‌های وی را محدود می‌کنند. بدیهی است که این قیود بشری، ربطی به قید بودجه که مبتن محدودیت منابع است ندارد. به طور سنتی حیطة علم اقتصاد به آنجا که بحث انتخاب آزادانه آحاد اقتصاد مقدور است، مانند بحث تولید، مصرف و مبادله بازاری، محدود می‌شد. آنجا که بحث

چرا بی‌منطقی از رفتارهای رایج است؟ بسیاری از مردم هنگامی که بحث از مراسم ازدواج به میان می‌آید خود را طرفدار مراسم کم‌خرج و مهریه پایین معرفی می‌کنند اما هنگامی که نوبت به دختر خودشان می‌رسد همان‌گونه عمل می‌کنند که جامعه می‌پسندد و فعلشان را نیز به ضرب المثل معروف "خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو" می‌آریند. آیا چنین رفتار دوگانه‌ای را باید ناشی از دورویی دانست و یا انگیزه‌ی دیگری در میان است؟

آیا در مراسم ازدواج، روابط اجتماعی، مراسم ترحیم و بسیاری دیگر از کنش‌های اجتماعی، شاهد رفتارهای دوگانه و غیر قابل توجیه نیستیم؟ چرا مراسم ازدواج و عزاداری پر سر و صدا است و برای همسایگان مزاحمت زا؟ آیا مراسم عروس کشی، یعنی راه انداختن کاروان اتومبیل در خیابانها، کارکرد قابل توجیه دارد؟ آیا کارکرد اینگونه رفتارها را می‌توان تبیین کرد؟ چرا موعظه و سفارش و ممنوعیت قانونی نیز نمی‌تواند مانع این رفتارها شود؟

اگر به رفتار روزمره‌مان مراجعه کنیم بسیاری از رفتارها را خواهیم یافت که دلیل قانع‌کننده‌ای برای انجامشان نیست و جز به مدد عرف، قابل توجیه نیستند. نوع لباس پوشیدن، استانداردهای ادب و نزاکت و مقبول عام بودن، و بسیاری از رفتارهای دیگر در این زمره قرار می‌گیرند. برآستی چه عاملی ما را و ما می‌دارد که انتخاب‌هایمان را در محدوده‌ی عرف اجتماعی انجام دهیم؟ آیا





نوشته آمد، هزینه مبادله‌ی بالایی که ازدواج برای دو فرد (و بخصوص برای خانم‌ها) در بر دارد، موجب می‌شود تا برای کاستن از آن، نهادهایی شکل گیرد. هدف از پیدایش این نهادها که قواعد رفتاری خانواده‌ها را هنگام ازدواج شکل می‌دهند آنست که میزان پایبندی دو طرف را به زندگی مشترک آینده بسنجند. آیا داماد حاضر است به خاطر این ازدواج از پول که عزیزترین دارایی‌اش به شمار می‌رود بگذرد و مراسم باشکوهی برگزار کند؟ این خود نشان دهنده تعهد عملی به حفظ پیوند زناشویی در آینده است. آیا وی حاضر است با قبول مهریه‌ای سنگین، پیشاپیش پایبندی خود را به همسر آینده نشان دهد؟ علاوه بر این ایجاد هزینه مرده (مانند ریخت و پاش‌های بی‌پروا در کلیه مراحل خواستگاری تا ازدواج) در این نهاد سبب می‌شود که دو طرف (بخصوص مرد) تمایل کمتری به تکرار این معامله داشته باشد، و این نیز می‌تواند کمکی به تداوم پیوند ازدواج تلقی شود.

واقعیت آنست که زندگی اجتماعی ایرانیان در نهاد خانواده شکل می‌گیرد. محدود بودن کانال‌های ارتباطی با جامعه که بخصوص برای بانوان بارزتر است، موجب شده تا کسانی که به هر دلیل از خانواده‌ی خود جدا شده‌اند و یا خانواده‌ای ندارند، از بخش عظیمی از زندگی اجتماعی باز بمانند. هزینه‌ی گزاف عاطفی و روانی را علاوه بر هزینه مادی متحمل شوند. به دلیل چنین هزینه‌ی بالایی که در صورت از هم پاشیدگی خانواده (بخصوص برای بانوان) متصور است، مراسم پرخرج و غیرضروری ازدواج به مثابه‌ی نهادی برای کاستن از احتمال از هم پاشیدگی بوجود آمده است.

یکی از نقدهای اساسی که طرفداران مکتب نهادگرایی جدید به نئوکلاسیک‌ها وارد می‌کنند نادیده گرفتن هزینه مبادله است. دنیای ارو دبرو را نیز می‌توان با توضیحات فوق دنیایی نظری دانست زیرا شرط برابری قیمت با می‌نیم هزینه متوسط که در بازار رقابت کامل ارو دبرو و در تعادل بلندمدت حاصل می‌شود با فرض صفر بودن هزینه مبادله بدست آمده و در سطح تکنولوژی کنونی نمی‌توان هیچ بازاری با هزینه‌ی مبادله‌ی صفر یافت. مطالعه‌ای در سال ۱۹۷۰ و در کشور ایالات متحده نشان داده است که در حدود ۴۵٪ از تولید ناخالص داخلی این کشور شامل انواع هزینه مبادله می‌شود. هر چند که این ارقام با پیشرفت تکنولوژی رو به کاهش نهاده‌اند اما در بهترین حالات نیز به صفر نرسیده‌اند.

بسیاری از نهادهای اجتماعی را می‌توان راه‌حل‌های پایداری دانست که برای بازی‌های تکرار شونده یافت شده‌اند و در

طول زمان توسط بازیگران اجرا شده و بصورت یک نهاد درآمده‌اند. بسیاری از رفتارهای بشر را می‌توان در قالب نظریه‌ی بازی‌ها توضیح داد. برای مثال، رانندگانی که به چهارراهی بدون چراغ راهنما و پلیس می‌رسند و هر یک تلاش می‌کنند تا زودتر از آن چهار راه بگذرند، در نهایت، گرفتار قفل شدن مسیرها شده و به نوعی دچار معمای زندانی می‌شوند. رفتار وزاری که برای تخصیص بودجه بیشتر به وزارت مطبوعشان، هریک تلاش می‌کنند رقم درخواستی بیش از حد مورد نیازشان به دولت اعلام کنند نیز منجر به کسری بودجه دولت خواهد شد و تمامی ایشان را دچار تورم ناشی از کسری بودجه خواهد کرد. واضح است که با ایجاد تورم که همین اقدام جمعی ایجاد می‌کند، ارزش حقیقی بودجه‌ای که هر وزارتخانه دریافت کرده کاسته شده و کل جامعه در معمای زندانی گرفتار شده‌اند.

در مورد بسیاری از بازی‌های اجتماعی می‌توان گفت که اگر تکرار شونده نباشد حل آن‌ها از نوع معمای زندانی خواهد بود. برای مثال، مهاجرت مردم از روستا به شهر موجب می‌شود تا ایشان در محیطی قرار بگیرند که اطرافیان‌شان را نمی‌شناسند. بنابراین بسیاری از کارهایی را که پیش‌تر در روستا به دلیل شناخت اطرافیان انجام نمی‌داده‌اند مرتکب می‌شوند. در حالت حدی می‌توان معمای زندانی را اینگونه ترسیم کرد که اگر مردم از طریقی مطلع شوند که امروز آخرین روز دنیا خواهد بود، تمامی نظم‌هایی که امروز در اجتماع‌های بشر وجود دارد به هم خواهد ریخت و هرج و مرج بوجود خواهد آمد. زیرا مردم می‌دانند که بازی تمام می‌شود و دلیلی برای ادامه دادن به توافقات جمعی از قبیل نظم، نزاکت، عرف و رعایت حقوق دیگران نخواهند داشت. بسیاری از قراردادهای اجتماعی که از نوع نهادهای توافقی هستند در واقع راه‌حل‌هایی هستند که در اثر تکرار پذیرد بازی زندگی بوجود آمده‌اند و گرچه در بسیاری از این بازی‌ها، منافع افراد در تضاد با هم قرار می‌گیرد اما به دلیل همین تکرار پذیری به راه حل پایدار رسیده و تبدیل به بازی‌های همکارانه می‌شوند.

بازی‌های همکارانه، در مورد بوجود آمدن ائتلافات مختلف میان گروه‌های مختلف جامعه بحث می‌کند. ائتلافات سیاسی، قانون مدنی، نظم، و حتی ادب اجتماعی را می‌توان راه حل تعادلی برای بازی‌های تعاملی دانست که بشر به مرور زمان به آن‌ها دست یافته است و تبدیل به نهاد شده‌اند. برای مثال، نهاد دموکراسی یا قاعده‌ی اکثریت آرا را می‌توان حل پایدار بازی تعاملی جامعه دانست که برای توزیع مواهب شکل گرفته است. همچنین، قاعده‌ی تمام آراء که در واقع به هر یک از شرکت‌کنندگان حق و تو می‌دهد را نیز می‌توان نهاد دیگری دانست که برای توزیع مواهب شکل گرفته است. چگونگی ظهور این نهادها بستگی کاملی به ارزش هریک از شرکت‌کنندگان در بازی (یا ائتلاف) دارد که توضیح بیشتر آن از مجال این نوشتار خارج است.

اگر فروض نئوکلاسیک را در مورد رفتار احاد اقتصادی بپذیریم، قادر نخواهیم بود رفتارهای غیر عقلایی بشر را که در طول تاریخ همواره با او بوده‌اند توجیه کنیم. همچنین، در دنیای ارو دبرو امکان توضیح بسیاری پدیده‌ها از قبیل هزینه‌ی مبادله و چگونگی شکل‌گیری بازارها و توسعه‌ی آن‌ها وجود ندارد. مکتب نهادگرایی جدید درجه نوبنی به روی اقتصاددانان گشوده است تا مباحث فوق را در چارچوب علم اقتصاد و با بهره‌گیری از متدولوژی غنی این علم، به حیطة مدلسازی، پژوهش و آزمون قرار دهد.

همچنین می‌توان گفت که هزینه مبادله و بازی‌های تعاملی دو منظر مهم در بحث عروج و ظهور نهادهای اجتماعی هستند که بوسیله‌ی آن‌ها می‌توان به بسیاری از مباحث از قبیل حقوق مالکیت، شکاف درآمدی بین کشورها و مدل‌های رشد، ائتلافات سیاسی، سازمان‌ها (اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، آموزشی) و نظام‌های حقوقی و مانند آن‌ها پرداخت.

بی‌شک، فهم نهادها و چگونگی ایجاد و تحول آن‌ها می‌تواند مهمی برای فهم بهتر رفتار احاد اقتصادی (از منظر خرد) و رشد کشور (از منظر کلان) و تنظیم سیاست‌ها و خط مشی‌های کارآمد خواهد بود.

مروری بر حضور ایران در جام جهانی روسیه

معودی آسان گروهی سخت

پنجمین حضور؛ جام جهانی و میلیون‌ها بیننده در سرتاسر جهان؛ این رخداد بزرگ، اصلی‌ترین هدف همه تیم‌های ملی فوتبال در سطح جهان محسوب می‌شود. این بار روسیه، کشور سرد جهان سه دهه بعد از جنگ سرد میزبان بزرگ‌ترین کنگره فوتبال جهان است. پیش‌تر این کشور در سال ۱۹۸۰ میزبان المپیک بود که در جریان حمله سال ۱۹۷۹ شوروی سابق به افغانستان باعث واکنش بسیاری از کشورها و تحریم گسترده بازی‌های المپیک ۱۹۸۰ مسکو برای حمایت از رژیم کمونیستی نوپای این کشور توسط بسیاری از کشورهای غربی شد.

جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه که بیست و یکمین دوره بزرگ‌ترین آوردگاه فوتبالی جهان محسوب می‌شود، در حالی در روسیه برگزار می‌شود که تمام تیم‌ها تلاش می‌کنند تا بهترین عملکرد خود را در این رقابت‌ها ارائه دهند.

نخستین بازی جام جهانی، ۱۴ ژوئن و از ساعت ۱۷:۳۰ برگزار می‌شود که یک طرف آن تیم ملی روسیه قرار دارد و تیم حریف نیز ۳۰ آبان در مراسم قرعه‌کشی در کاخ کرملین مشخص می‌شود. روسیه به عنوان سرگروه گروه نخست جام جهانی حضور دارد و بازی افتتاحیه نیز در ورزشگاه لژنیکو برگزار خواهد شد. این بازی اولین بازی روز نخست جام جهانی خواهد بود و پس از آن هر روز سه یا چهار بازی برگزار

خواهد شد تا در نهایت روز ۱۵ جولای دیدار نهایی، روز یکشنبه راس ساعت ۱۹:۳۰ به وقت ایران برگزار و قهرمان جام جهانی مشخص شود. دیدار نهایی نیز قرار است در همان ورزشگاه بازی افتتاحیه (لژنیکو) برگزار شود.

قرار است، جام جهانی روسیه در ۱۲ ورزشگاه و ۱۱ شهر برگزار شود که اسامی استادیوم‌های میزبان این مسابقات به شرح زیر است:

کازان-آرنا، کازان، اسپارتاک آرنا (اوتکریتی آرنا) - مسکو، استادیوم المپیک فیشت - سوچی، زنیت آرنا - سن‌پترزبورگ، نیژنی نوگورود آرنا - نیژنی نوگورود، لژنیکو آرنا - مسکو، سینارا آرنا - اکتربورگ، سامارا آرنا - سامارا، بالتیک آرنا - کالینینگراد، بالتیک آرنا - کالینینگراد، لوبردون آرنا - روستف اون دون، ولگوگراد آرنا - ولگوگراد،

همچنین پس از ۳۲ تیم راه یافته به جام جهانی، اول دسامبر ۲۰۱۷ (۳۰ آبان ۹۶) در کاخ کرملین مسکو قرعه‌کشی انجام خواهد شد و تیم‌ها حریفان خود را خواهند شناخت. غیر از ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، چهره‌های سرشناس دیگری در این مراسم حاضر خواهند بود که شامل بازیکنان سابق و قهرمانان پرافتخار دنیای فوتبال خواهند بود. صعود ایران به جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه صعودی کم‌نوسان و بی‌درد سر و بدون اما و اگر بود. ایران با این برد رکورد قابل توجهی در مراحل مقدماتی ثبت کرد: ۱۶ بازی، بدون شکست، ۳۴ گل زده و تنها ۳ گل خورده. تیم ملی بعد از برزیل دومین تیمی است که به روسیه می‌رسد. چینی‌ها که می‌خواهند به

ابرقدرتی در فوتبال جهان تبدیل شوند، فقط می‌توانند با نگاهی حسادت‌بار به ایران چشم بدوزند. ژنی پینگ، رییس جمهوری چین باشگاه‌ها را به هزینه کردن در فوتبال تشویق کرده، ولی تیم ملی این کشور همچنان ضعیف است و بعد از تساوی مقابل سوریه جنگ‌زده در مقدماتی جام جهانی در قعر گروهش قرار گرفت. ایران در رده‌بندی فیفا بهترین تیم قاره آسیاست و در رتبه سی‌ام جهان قرار دارد. در رده‌بندی «الو» (ELO) که ظاهراً مقیاسی دقیق‌تر برای مقایسه تیم‌ها در دنیاست، ایران در رده بیستم قرار دارد. ایران تنها تیم بدون شکست آسیا در مقدماتی جام جهانی است و برای سومین بار در چهار دوره گذشته به این مسابقات صعود کرده است.

آیا ایران می‌تواند برای چنین الگویی برای موفقیت در فوتبال آسیا باشد؟ ظاهراً نه. در کتابی که سایمون کوپر و استفان ژیمانسکی به نام «اقتصاد فوتبال» نوشتند و فوتبال کشورها را بر اساس جمعیت، ثروت و تجربه بازیکنان بررسی کردند، موفقیت تیم ملی ایران بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ فراتر از انتظار بوده است.

سرانه تولید ناخالص ملی کمتر از نصف استرالیا، کره جنوبی و ژاپن است. ایران از نظر جمعیت بعد از ژاپن (۱۲۷ میلیون) قرار دارد، خیلی جلوتر از کره (۵۲ میلیون) نیست و فاصله خیلی زیادی با چین (۱/۳۸ میلیارد) دارد. از نظر جذب استعداد می‌توان گفت که فوتبال برای ایرانی‌ها در اولویت است. بهترین ورزشکاران استرالیا جذب کریکت، راگبی، فوتبال استرالیایی می‌شوند و در کره جنوبی و ژاپن، بیسبال و بسکتبال خیلی پرطرفدار هستند. ایران به خاطر وزنه‌برداری و کشتی‌شهرت دارد، ولی فوتبال معمولاً تنها ورزش گروهی در شهرهای کوچک و بزرگ است.

با این حال این برتری هم نمی‌تواند خیلی موثر باشد. لیگ ایران ضعیف است و در قاره آسیا در رده هفتم قرار دارد. رقمی که هر ساله برای انتقالات هزینه می‌شود پایین است. اگر ایران در گذشته بازیکنان زیادی به بهترین لیگ‌های اروپا صادر می‌کرد، این روزها به زحمت می‌تواند بازیکنی را به این لیگ‌ها بفرستد. یک دهه پیش اکثریت بازیکنان تیم ملی در یکی از پنج لیگ بزرگ اروپا (انگلیس، ایتالیا، اسپانیا، آلمان و فرانسه) بازی می‌کردند. این فصل فقط اشکان دژاگه ۳۰ ساله توانست در یکی از این لیگ‌ها حاضر باشد. تعدادی از بازیکنان تیم ملی در لیگ‌های ضعیف‌تر اروپایی بازی می‌کنند و حتی متعصب‌ترین هواداران ایرانی

GROUP B

PORTUGAL



SPAIN



MOROCCO



IR IRAN





هم موافقت که بازیکنی در کلاس جهانی در این تیم وجود ندارد.

این شرایط می‌تواند بازتابی از ضعف فوتبال در آسیا باشد. یکی دیگر از رتبه‌های برتر گروه‌های دوگانه مقدماتی در اختیار عربستان است؛ کشوری که هرگز بازیکنی در پنج لیگ برتر اروپایی نداشته است. سابقه نشان می‌دهد که ایران بدون بازیکنانی با تجربه حضور در این لیگ‌ها تحلیل خواهد رفت. تیم‌هایی که بازیکنانی در اروپا ندارند برای ماندن در فهرست ۳۰ تیم برتر رده بندی «الو» به زحمت افتاده‌اند.

افت صادرات بازیکن به ۵ لیگ برتر اروپا جریانی است که به تمام قاره آسیا سرایت کرده است. استرالیا هنگام جام جهانی ۲۰۰۶، ۱۸ بازیکن در این لیگ‌ها داشت که حالا به ۷ بازیکن رسیده و چین از دو به صفر. کره پیشرفت ضعیفی داشته و از ۶ به ۸ رسیده؛ وضع ژاپن با ۱۶ بازیکن در ۵ لیگ برتر اروپا از همه آسیایی‌ها بهتر است.

نزول فوتبال آسیا در آخرین جام جهانی هم به چشم آمد. در حالی که پنج تیم از آمریکای شمالی و آفریقا به مرحله حذفی رسیدند، هر چهار نماینده آسیا در گروه‌شان آخر شدند و در ۱۲ بازی حتی یک برد هم نداشتند.

چنین نتایج ضعیفی در سال ۲۰۰۲ غیرممکن به نظر می‌رسید، وقتی کره و ژاپن میزبان بودند و عطش آسیا برای پیشرفت در فوتبال را به رخ می‌کشیدند. کره هر چند به کمک چند اشتباه بزرگ داوری توانست به نیمه‌نهایی برسد و بعد از آمریکا در سال ۱۹۳۰ به دومین تیم خارج از اروپا و آمریکای جنوبی تبدیل شد که به این مرحله از جام جهانی می‌رسد.

آن زمان به نظر می‌رسید آسیایی‌ها می‌توانند این موفقیت را تکرار کنند، ولی هیچکدام از تیم‌های آسیایی بعد از آن نتوانستند در مرحله حذفی به پیروزی برسند. اشکال کار کجا بود؟ یکی از دلایل مهم کمبود رقابت در مسابقات قاره است. تام بایر، مدیری که با فوتبال چین و ژاپن همکاری کرده، معتقد است فاصله بین تیم‌های مدعی و سایر تیم‌های آسیا در مقدماتی‌ها خیلی زیاد است و صعود خیلی آسان شده. این مشکل تا زمانی که بقیه تیم‌های قاره پیشرفت نکنند، پابرجا خواهد بود.

در همه قاره‌ها تیم‌های ضعیفی در مقدماتی حضور دارند، ولی تیم‌های خارج از اروپا و آمریکای جنوبی به ندرت فرصت دارند خودشان را مقابل بهترین‌ها محک بزنند. در دو سال گذشته ایران تنها دو بازی با تیم‌های

غیرآسیایی داشته (مقدونیه و مونته‌نگرو). ژاپن، کره و چین هم همینطور. تیم‌های آفریقایی هم همین مشکل را دارند، ولی آن‌ها استعداد‌های زیادی رو می‌کنند.

نیجریه، ساحل عاج، غنا و سنگال بین ۱۴ تا ۲۱ بازیکن در ۵ لیگ برتر دارند. تیم‌های آمریکای شمالی از نزدیکی با پسرعموهای جنوبیشان بهره می‌برند. کوبا آمریکا سال گذشته به مناسبت صد سالگی با حضور آمریکا و مکزیک برگزار شد و برای سال ۲۰۱۹ هم قرار است این تیم‌ها جزو میهمانان باشند.

چین و ژاپن هم ممکن است بین این میهمانان حاضر باشند. چنین فرصت‌هایی برای پیشرفت فوتبال آسیا حیاتی است.

رویترز در گزارش خود با این عنوان که کی‌روش به دنبال حضوری طولانی‌تر در جام جهانی به همراه ایران پیشرفت کرده است، می‌نویسد: ایران برای اولین بار دو دوره متوالی به جام جهانی راه پیدا کرده است و حالا سرمربی‌اش کارلوس کی‌روش و تیم او که پنجمین حضورش در جام جهانی فوتبال را تجربه خواهد کرد، با آسودگی نسبی پا به مرحله نهایی رقابت‌ها می‌گذارند.

ایران به لطف خط دفاعی مستحکمش که با قدرت هجومی بازیکن مانند سردار آزمون ترکیب شد، از گروهی که کره جنوبی در آن قرار داشت به عنوان صدرنشین، یکی از چهار تیمی بود که به طور مستقیم از آسیا صعود کرد. کی‌روش تیمش را با تجربه‌ای که از عملکرد آن در جام جهانی برزیل کسب کرد، ساخته است، تورنمنتی که در مرحله گروهی آن با وجود ارائه نمایش‌هایی امیدوار کننده برابر نیجریه و آرژانتین نتوانست صعود کند.

سرمربی سابق رئال مادرید و تیم ملی پرتغال که ماه آوریل سال ۲۰۱۱ هدایت تیم ملی ایران را برعهده گرفت، در ۴ سالی که از آن تورنمنت گذشته، تیمش را با تزییق مهره‌های جوان، شاداب کرده است که یکی از جذاب‌ترین مهره‌های این تیم که بیش از هر زمان دیگری لژیونرهای شاغل در اروپا دارد، سردار آزمون

است. آزمون یکی از سه بازیکن این تیم است که در رده باشگاهی در روسیه بازی می‌کنند. سعید عزت‌اللهی و میلاد محمد دو بازیکن دیگر هستند ضمن اینکه علیرضا جهانبخش و رضا قوچان‌نژاد هم در لیگ هلند روزهای خوبی را سپری می‌کنند.

کی‌روش به دنبال برقراری یک تعادل مناسب میان انرژی مهره‌های جوان و تجربه بازیکنان قدیمی‌تر خود بوده است و به همین دلیل کهنه‌کارهای جام جهانی قبلی مانند اشکان دژاگه و جلال حسینی را برای رساندن تیمش به دور دوم جام جهانی حفظ کرده است. این مرد پرتغالی ابزار نگرانی‌هایی در خصوص فراهم نشدن بازی‌های تدارکاتی برای شاگردانش برابر تیم‌های قدرتمند در ماه‌های منتهی به جام جهانی داشته است اما در حالی که قابلیت‌های تدافعی ایران زیر نظر کی‌روش بهبود پیدا کرده است، قهرمان سه دوره جام ملت‌های آسیا امیدوار است که مدت حضورش در روسیه، بیشتر از ۴ دوره قبلی حضورش در جام جهانی باشد.

مجله فوتبالی چهار چهار دو (FourFourTwo) درباره گروه ایران در جام جهانی نوشت: ثبات، کلیدواژه تیم کارلوس کی‌روش که از سال ۲۰۱۱ تصدی آن را بر عهده داشته است. او در جام جهانی ۲۰۱۴ یک تیم بسیار منظم و سرسخت ساخته بود تا جایی که آرژانتین مسی را به شدت آزرده و نهایتاً فوق ستاره آرژانتینی توانست در آخرین لحظات بازی دروازه ایران را بگشاید. چیز زیادی تغییر نکرده است. ایرانی‌ها، همچنان همان دفاع که به عنوان بهترین مزیتشان است را دارا هستند: آن‌ها در مرحله پایانی دور مقدماتی، حتی یک گل هم دریافت نکردند. ایران، در منطقه حمله هم از بازیکنان ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر این، اخیراً کی‌روش «سامان قدوس» بازیکن متولد سوئد ایرانی را نیز به فهرست خود اضافه کرده که می‌تواند به قدرت حمله بیافزاید. بازیکن کلیدی ایرانی‌ها، «سردار آزمون» است.

ارزش شناسی در ورزش

و معنویت با حوزه تصمیم گیری آنها از مواردی که ارزشمند و شایسته می باشد آگاهی یابند و برای توزیع منصفانه این خوبی ها تلاش کنند به عبارت دیگر در پاره ای از موقعیت ها، شناسایی و حساس بودن به خوبی ها و اصول اخلاقی و تلاش برای سهم شدن همه تیمها در این خوبی ها و دستیابی به راه حلی اصولی و شیوه هایی برای نیل به اهداف اخلاقی به شمار می آید. برای مثال، مشخص کردن و گنجاندن اصول و انتظارات اخلاقی در دستورکار اداری مسئول ورزش باشگاه های ورزشی و سایر محیط های ورزشی هم سازمان وهم شرکت کنندگان در این برنامه ها از منافع آن بهره مند می شوند.

مسئولیت مریبان در انجام وظایف و ایفای نقش های مختلف

همان گونه که ملاحظه می شود، مریبان، مسئولیت انجام وظایف مختلف و ایفای نقش های معلمی، مربیگری و مدیریت را بر عهده دارند اما مهمترین مسئولیت های مریبان، پایبندی بر بازی های جوانمردانه (بازی های منصفانه) است که همان فلسفه مربیگری است و این فلسفه بر این مبنا است که ورزش نوعی دنبال کردن اصول اخلاقی است و همه افراد باید در آن شرکت کنند، پیام بازی های منصفانه، تقویت روح کمال گرایی، صداقت و راستی است. برای پیشبرد بازی های منصفانه بایستی مفاهیم کلی و خاصی را مورد توجه قرار داد.

مفاهیم کلی :

محترم شمردن قوانین بازی
احترام به داوران و قبول رأی آنان
احترام به حریف
ایجاد فرصت های یکسان برای تمام بازیکنان
حفظ وقار و متانت در تمام شرایط
پرورش روحیه رقابتی مفید و تصویر ذهنی مثبت از خویش در هر ورزشکار
تاکید داشتن بر اهمیت رسیدن به سطح عالی به عنوان یک هدف.
داشتن رفتاری هم سو با رفتار مورد انتظار از طرف بازیکنان و تماشاچیان.
تشویق بازیکنان به احترام گزاردن به نقش قانون
تشویق با جدیت بازیکنان در احترام گذاردن به داوران و حریفان و دوست داشتن



حقیقت، فضیلت، کیفیت، چگونگی عملکرد افراد و اینکه چه باید باشد، از جمله مباحث مقوله ارزش شناسی است به عنوان بخشی از ارزش شناسی، اخلاقیات این امکان را می دهد تا بدانیم که رفتارمان و چگونگی تاثیر ما بر کنش های دیگران اهمیت بسیاری دارد.

سوالاتی در مورد اینکه چه چیز اخلاقی و منصفانه است؟ چه چیزی زیبا و خوشایند است؟ و چه چیزی از نظر هنری نیکوست؟ بخشی از ارزش شناسی است و از مقوله اخلاقیات به شمار می آید دآوری در ورزش های موزون و ریتمیک، ژیمناستیک، شیرجه، اسکیت و... نیز از جمله مباحث دانش زیبایی شناسی است.

اصطلاحات اخلاق و معنویت با مسئولیت های انسانی ارتباط دارند. همه افراد بر اساس قبولی ارزش ها، دآوری می کنند و بایستی توجه داشته باشیم که همه افراد نیز از آگاهی رفتارهای بالای اخلاقی و معنوی برخوردار نیستند معمولا ما از خردسالی در معرض آموزش های اخلاقی قرار داریم ولی فرا گیری توان تفکر منتقدانه در باره این اصول مدتها طول می کشد و سرانجام به موقعیتی می رسیم که سوال کنیم چرا؟ لذا لازم است مدیران ورزشی باتوجه به ارتباط مستقیم اخلاقیات

مردم به صورت تجربی و بینشی، معنای واژه ورزش را گاه به صورت سرگرمی و گاه برای ورزشکاران حرفه ای به معنای وظیفه و شغل تعبیر می کنند. از دیدگاه صاحب نظران صنعت گردشگری و جهانگردی، ورزش وسیله ای برای ایجاد شغل است و از نظر بازاریابی ورزشی نیز به عنوان یک کار اقتصادی محسوب می شود. سینگر و اسپرید دو تن از صاحب نظران در کتاب مدیریت ورزشی معاصر، ورزش را فعالیتهای جسمانی، رقابتی بین انسانها که بر اساس مقررات مدون انجام می شود تعیین کرده اند. و ندرز واگ تعریف متفاوت دیگری را عرضه کرده است: ورزش، فعالیتی رقابتی است که با استفاده از وسایل و امکانات خاص و با ابعادی ویژه از جهات زمانی و فضایی برای دستیابی به رکوردهای برتر و بالا تر صورت می گیرد. پیتر فیلدینگ و میلر، ورزش را: هر نوع فعالیت تجربی یا حرفه ای به منظور آمادگی جسمانی، تفریح، ورزش قهرمانی و یا وسیله ای برای پرکردن اوقات فراغت مطرح می کنند. در این دیدگاه ورزش از روی ضرورت رقابتی نیست و همیشه هم به وسایل و مقررات خاص نیاز ندارد. ورزش به فعالیتهایی اطلاق می شود که تمرین، دویدن و انجام حرکات موزون را در بر می گیرد.

حریف. بدون حریف، رقابتی وجود نخواهد داشت پس حریف را دوست بدارید.

برای آنها توضیح دهید:

نهایت سعی و تلاش در بازی‌ها، مهم‌تر از برد و باخت است کیفیت انجام ورزش، مهم‌تر از تعیین برنده یا بازنده است به خاطر داشته باشید که تمام بازیکنان به نوبه خود مهم هستند و باید با احترام با آنها رفتار شود. معرفی ورزش به عنوان یکی از ابعاد زندگی.

مفاهیم خاص

« شما قبل از اینکه یادبگیرید چطور پیروز شوید باید بیاموزید چگونه شکست بخورید » فرانک شورتر برنده مدال طلای المپیک ۱۹۷۲ در رشته دو ماراتون می‌گوید: در واقع پذیرفتن شکست با متانت یکی از مراحل اولیه آموزش بازیکنان است اکثر بازیکنان در رقابتهای ورزشی اغلب اوقات شکست می‌خورند، بسیاری از بزرگ‌ترین ورزشکاران و تیم‌ها در بیش از پنجاه درصد مواقع با شکست مواجه می‌شوند تشویق بازیکنان برای به کار بردن منتهای سعی و تلاش، احترام به حریفان و خود حفظ وقار به هنگام پیروزی، حفظ متانت هنگام شکست از اهمیت خاصی برخوردار است تقویت روحیه مثبت‌اندیشی از مسائلی بسیار مهم است باید به بازیکنان خودآموخت :

وقتی با خود صحبت می‌کنند مثبت بیندیشند. به آینده خود بنگرند، نه به گذشته. به خود بیندیشند نه به دیگران. صحبت‌هایشان سازنده و مثبت باشد نه مخرب و منفی. تصویر ذهنی از خویشستن، سنگ بنای رفتار اوست تصویری که مردم از خود دارند از واکنش‌های دیگران مثل والدین، همسالان و مربیان شکل می‌گیرد. بعدها با تجربیات زندگی، شکل کلی این تصویر مشخص می‌شود عقاید مردم راجع به خودشان بر رفتار آنان تأثیر به‌سزایی دارد تصور ذهنی فرد از خویش سنگ بنای رفتارهای اوست

اصول ارزشی، اخلاقی و سوگند نامه مربیگری

در پایان این مقاله فرصت را مغتنم شمرده، نمونه اصول ارزشی و اخلاقی مربیگری را که توسط انجمن مربیان کانادا تهیه شده به علاقمندان ارائه می‌نماید. سوگند یاد می‌کنم در انجام وظایف خود در ارتباط با ورزشکاران، ورزش و دیگر اعضای حرفه مربی‌گری و عموم مردم، با درستی و صداقت عمل کنم. تلاش می‌کنم تا هر آنچه لازم است را تدارک دیده و آماده کنم تا به موجب آن تمام وظایف خود در قبال رشته ورزشی مربوط را با شایستگی انجام دهم به ورزشکار به عنوان یک انسان کامل نگاه کنم و همه تلاش خود را برای تکامل بیشتر وی به کار گیرم. قوانین و مقررات مدون و روح آن را که ورزش در آن چارچوب تعریف

شده و بر آن حاکم است، بپذیرم. نقش دست‌اندرکاران در تدارک و تعیین داور را بپذیرم تا اطمینان یابم که مسابقات در شرایط منصفانه‌ای برگزار شود. نسبت به دست‌اندرکاران امور و سایر مربیان : مراتب ادب، عهد و پیمان و احترام خود را بیان و در عمل رعایت کنم . بالاترین استانداردهای اخلاق و رفتار شخصی را داشته باشم و از اصول بازی منصفانه (جوانمردانه) حمایت کنم . مرجع و پناه مطمئنی باشم تا بتوانم ورزشکاران را در راه دستیابی به توانایی‌های ورزشی و اتکا به نفس یاری کنم . تفاوت‌های شخصی (فردی) ورزشکاران را مورد توجه قرار دهم و همواره به فکر مصالح دراز مدت ورزشکاران باشم . هدف گذاری خود را با توجه به هدف‌های واقعی و با نیت رشد و تکامل ورزشکار انجام دهم. در موارد زیر سرمشق و نمونه باشم : تعاون و تشریک مساعی با دیگران، خود انطباطی، احترام به مسئولان و مخالفان، رفتار مناسب به هنگام سخن گفتن، لباس پوشیدن و سلوک. با ورزشکاران روراست و بی‌چوهر باشم. آنها مایلند بدانند در نزد مربی خود چه جایگاه و ارزشی دارند، آمادگی داشته باشم تا با رسانه‌ها، دست‌اندرکاران لیگ و والدین، تعامل برقرار سازم، آنها نقش بسیار مهمی در ورزش ایفا می‌کنند. مطمئن شوید که هیچ‌گونه ایذا و اذیتی در محیط ورزش وجود نداشته باشد . منبع: تبیان



گردآوری مهدی بابایی

تاریخچه پاسپورت

اهمیت سفر

تفریحات سالم انسان را از یکنواختی خارج کرده و باعث می‌شود انسانها با سفر کردن برای مدتی هر چند کوتاه از دغدغه‌ها و مشکلات زندگی رها شود.

مهم‌ترین فواید فردی مسافرت

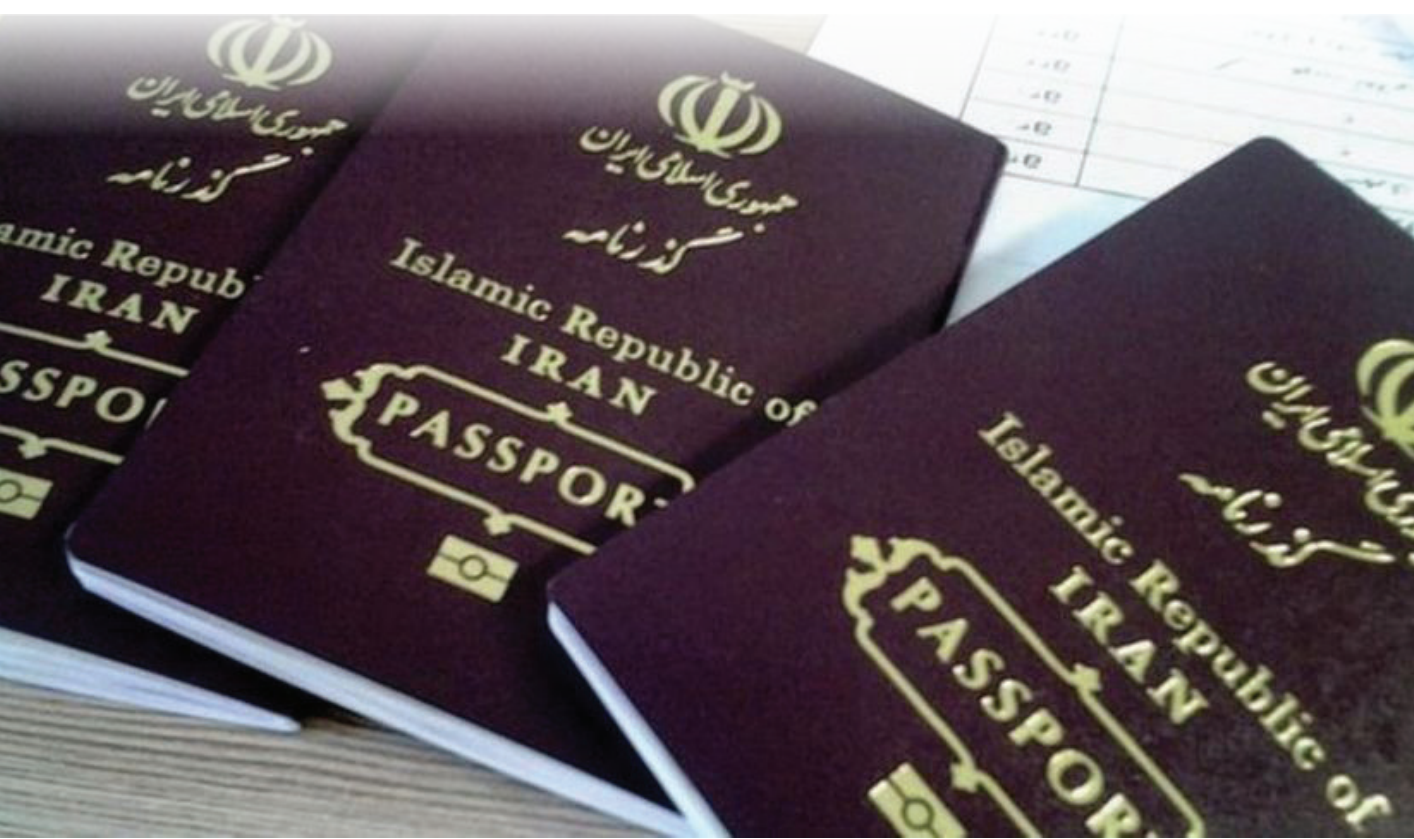
سفر، علاوه بر ایجاد نشاط در افراد و فوایدی اجتماعی که ذکر شد، می‌تواند از لحاظ فردی نیز باعث بالاتر رفتن اعتماد به نفس، عزت نفس، بهبود شخصیت، ایجاد انگیزه، خودشناسی و کاهش تنش‌های درونی افراد شده و این خود نقش درمانی خوبی دارد، به شرط آن که آن‌ها در این لحظات تنهایی به دغدغه‌ها و مشکلات آینده خود فکر نکنند، بلکه به توانمندی و زیبایی استعدادشان فکر کنند.

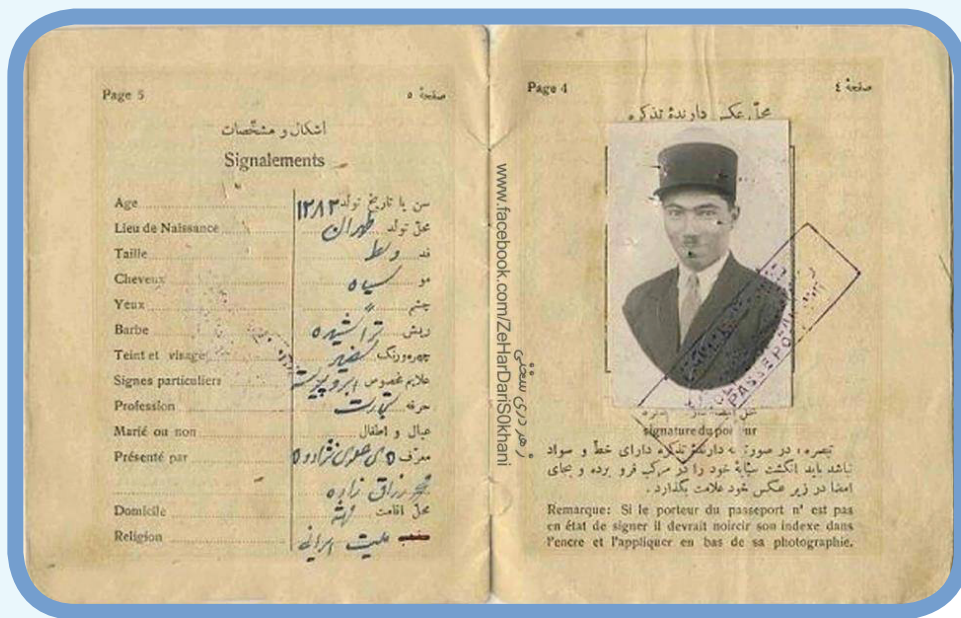
البته باید توجه داشت که سفر و مسافرت وقتی می‌تواند به نتیجه مثبت در افراد منجر شود که بتوان برای مسافرت خود از قبل برنامه‌ریزی و هدف تعیین کرد، متأسفانه بسیاری از مردم جامعه ما برای رفتن به سفر و گذران اوقات فراغت، برنامه‌ریزی قبلی ندارند. خانواده‌ها بدون در نظر گرفتن تقویم خانوادگی و اقتصادی، یک شبه تصمیم به مسافرت می‌گیرند. در نتیجه این نوع

از اموری که حرکت انسان به سوی رشد و بالندگی را کند و یا حتی متوقف می‌کند، خستگی‌های ناشی از روزمرگی و یکنواختی زندگی است. استرس‌ها و ناآرامی‌های عصبی و به ویژه افسردگی در دنیای امروز گریبان‌گیر همه شده است؛ دنیایی که صنعت و پیشرفت‌های صنعتی، انسان و هویت انسانی او را کم رنگ می‌کند و خستگی‌های روحی و جسمی از هر طرف به او فشار می‌آورند. بهترین و مؤثرترین داروی پیشگیری و درمان، مسافرت است. فوایدی که در مسافرت و گردش نهفته است، اهمیت آن را روشن می‌کند.

در واقع، صنعتی شدن و رشد انواعی از تکنولوژی‌های ارتباطی در جوامع امروزی، ضمن فراهم نمودن زمینه‌های توسعه، از فشارهای یدی و جسمانی انسان تا حدود بسیار زیادی می‌کاهد اما با توجه به اینکه این نوع پیشرفت‌ها بر پایه فکر و ذهن انسان ترسیم و نیازمند تلاش‌های فکری افراد است، طبیعی است که فشارها، خستگی‌های ذهنی، استرس‌های ناشی از این پیشرفت‌ها نیز نسبت به گذشته افزایش یافته است، در این شرایط، سفر کردن و

وقتی با کلمه پاسپورت، یا همان گذرنامه‌ی خودمان مواجه می‌شویم خواه ناخواه به یاد سفرهای برون مرزی می‌افتیم. سفرهایی که به ندرت برای ما رخ می‌دهد چون هم بار مالی زیادی دارد و هم نیاز به برنامه‌ریزی خاص دارد. ولی برای همه یک ضرورت به حساب می‌آید چرا که ممکن است شرایط سفر فراهم شود. قبل از پرداختن به تاریخچه پاسپورت به اهمیت سفر بپردازیم؛ لحظه لحظه زندگی انسان سرشار از خاطرات تلخ و شیرین است. خاطراتی که زندگی ما را تشکیل می‌دهند و گاهی تا آخرین لحظه عمر نیز، باعث شادی یا رنجش خاطرمان می‌شوند. خاطره سازترین وقایعی که در زندگی رخ می‌دهند، بیشتر در زمان‌های خاصی صورت می‌گیرند. فرصت‌ها نیز مانند ابرها در حرکتند و تکرارناپذیرند. به راحتی می‌توان ادعا کرد که یکی از زیباترین و خاطره سازترین مقاطع زمانی، سفرهایی است که هر کس در طول عمر خویش انجام می‌دهد. چه سفرهای کوتاه و داخل شهری و چه سفرهای طولانی و بلند مدت و این مطلب را با رجوع به سفرنامه‌ها می‌توان دریافت.





مسافرت‌ها نه تنها آرامش روحی برای آنها ایجاد نمی‌کند بلکه استرس‌ها و دغدغه‌های روحی آنها را افزایش می‌دهد.

گذرنامه؛ اولین پیمان‌نامه‌ی جهانی

اولین پیمان‌نامه‌ی جهانی در سال ۱۹۲۰ میلادی در مورد گذرنامه مورد توافق اعضای جامعه‌ی ملل قرار گرفت و آن‌ها تصویب کردند که اطلاعات تمام گذرنامه‌ها به زبان فرانسوی نیز (که زبان دیپلماتیک آن دوره بود) در گذرنامه‌ها درج شود. امروزه تمام گذرنامه‌ها غیر از زبان محلی، با نام PASSPORT، PASSEPORT یا PASAPORTE روی جلد آن‌ها نامگذاری می‌شوند و اطلاعات داخل آن‌ها غیر از زبان محلی، حداقل باید به یکی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی یا اسپانیایی درج شده باشد. در مورد قدیمی‌ترین پاسپورت، اطلاعاتی در کتاب نحیما که کتابی از کتاب مقدس عبری است نوشته شده است. نحیما یک یهودی بود که مباشر اردشیر اول، معروف به اردشیر دراز دست، پادشاه پارس بود. او در سال ۴۵۰ قبل از میلاد مسیح از اردشیر اول اجازه سفر به یهودیه را کسب نمود. اردشیر دراز دست با این سفر موافقت کرده و نامه‌ای خطاب به حکمرانان برای اجازه عبور وی از سرزمین‌های خود را به او داد.

معنای کلمه پاسپورت

کلمه پاسپورت نیز بسیار قدیمی است و به قرن پانزدهم بر میگردد و از دو کلمه "passe" و "port" ساخته شده که اولی به معنای عبور و دومی به معنای درگاه یا دروازه است. این کلمه در زمانی که تبادل کالاها آزاد بود ساخته شد و استفاده از پاسپورت از سال ۱۴۶۴ میلادی برای مسافران متداول شده و سپس به تدریج برای سفر به کشورهای دیگر اجباری شد.

اما بعد از جنگ جهانی اول یک سیستم بین‌المللی یکپارچه و هماهنگ برای پاسپورت‌ها پدیدار شد. پاسپورت را می‌توان شناسنامه‌ای بین‌المللی برای عبور از مرز کشورها دانست چون اطلاعات دارنده‌ی آن، چون نام و تاریخ و محل تولد و عکس و امضاء و ملیت دارنده پاسپورت در آن ثبت شده است.

تفاوت بین پاسپورت‌های الکترونیکی و بیومتریک و اپتیک

آزمایش دی‌ان‌ای، تشخیص از روی سیاهرگ دست، نمودار حرارتی چهره، شدت ضربه بر روی صفحه کلید، شکل گوش و بوی بدن قابل شناسایی است. هریک از روش‌های موجود برای تشخیص هویت در بیومتریک با توجه به کارایی و دقت کار مورد استفاده قرار می‌گیرند. در میان تمامی راهکارهای تشخیص هویت، اثر انگشت به دلیل عدم تغییر و از بین رفتن در بازه زمانی طولانی از بیشترین اهمیت برخوردار می‌باشد این روش از قدیمی‌ترین روش‌های این علم نیز بشمار می‌آید.

سه روش برای احراز هویت هر فردی وجود دارد:

اولین روش را میتوان همان کارت‌های شناسایی یا شناسنامه هر فرد بشمار آورد. روش دوم احراز هویت از طریق حافظه هر فرد با توجه به مواردیست که بخاطر میسپارد مانند رمز عبور، دسته سوم که نواقص موارد بالا را ندارد احراز هویت از طریق علم بیومتریک است که از دقت بالایی برخوردار است و از دو طریق فیزیولوژیکی و رفتاری قابل بررسی است.

هریک از روش‌های موجود برای تشخیص هویت در بیومتریک با توجه به کارایی و دقت کار مورد استفاده قرار می‌گیرند. امروزه در مواردی چون کنترل امنیتی حساب‌های بانکی، صندوق‌های مالی، کنترل دفترهای دارایی، سیستم‌های سفارشی، خرید حساب‌های دریافتی و پرداختی بکار گرفته میشود.

سیستم بیومتریک به میزان قابل توجهی مورد اطمینان تر از سیستم‌های تشخیص هویت سنتی همچون رمز عبور کارت و کارت شناسایی می‌باشد چرا که د این روش احتمال خطا بسیار پایین است.

پاسپورت الکترونیکی یک سند مسافرتی است که دارای عناصر الکترونیکی می‌باشد که در آنها داده‌هایی مربوط به دارنده آن چون نام و تاریخ و محل تولد و ملیت و شماره پاسپورت و عکس و جنسیت و امضاء وجود دارند. پاسپورت بیومتریک، همان پاسپورت الکترونیکی است اما جعل آن مشکل‌تر بوده و بر اساس استانداردهای بین‌المللی ICAO یا سازمان بین‌المللی هوانوردی کشوری که یکی از نهاد‌های سازمان ملل است می‌باشد. در واقع این پاسپورت یک عنصر الکترونیکی دارد که در آن تمام داده‌های صاحب آن چون تصویر دیجیتالی و اثر انگشت دیجیتالی و سایر مشخصات او وجود دارند و به همین دلیل است که به آن بیومتریک گفته می‌شود.

پاسپورت‌های اپتیک، پاسپورت‌های قدیمی‌تر هستند که در آنها عکس صاحب پاسپورت بصورت دیجیتالی نبوده و عکسی معمولی بود که روی پاسپورت چسبانده میشد. منابع: ویکی‌پدیا، تاریخ ایرانی، وبسایت ترفندستان

تشخیص هویت

از زمان‌های قدیم بشریت برای بقا، نیاز به تشخیص هویت داشته که امروزه به صورت چهره‌نگاری و اثر انگشت این کار انجام میشود و یکی از موارد مصرفش که بسیار مورد توجه می‌باشد اقدام برای گرفتن ویزاهایی چون ویزای شینگن و ویزای کانادا می‌باشد.

به عبارت دیگر بیومتریک علمی است که در آن با استفاده از ابزار دقیق میتوان مشخصات هر فرد را آنالیز کرد که این مشخصات همان هویت نام دارد و خود در انواع مختلفی چون: اثر انگشت، هندسه دست، اندازه‌گیری شبکه چشم، اندازه‌گیری عنبیه، تشخیص چهره، تشخیص امضاء، تشخیص صدا،

به بهانه شانزدهمین سالروز درگذشت مهرداد اوستا

شد و در سن ۳۰ سالگی به عضویت شورائی درآمد که رساله دکترای دانشجویان دوره دکتری ادبیات فارسی را تأیید یا رد می‌نمود. مطالعه شبانه روزی وی باعث گردید در مدت کوتاهی بر ادبیات فارسی، عرب و بطور کلی ادبیات جهان تسلط کامل پیدا کند و بعنوان یکی از سخنرانان برنامه 'مرزهای دانش' رادیو، که در آن زمان از وزین‌ترین برنامه‌های رادیویی بود، در کنار اساتید بزرگی همچون 'محیط طباطبائی' و 'ضیاءالدین سجادی' به سخنرانی بپردازد.

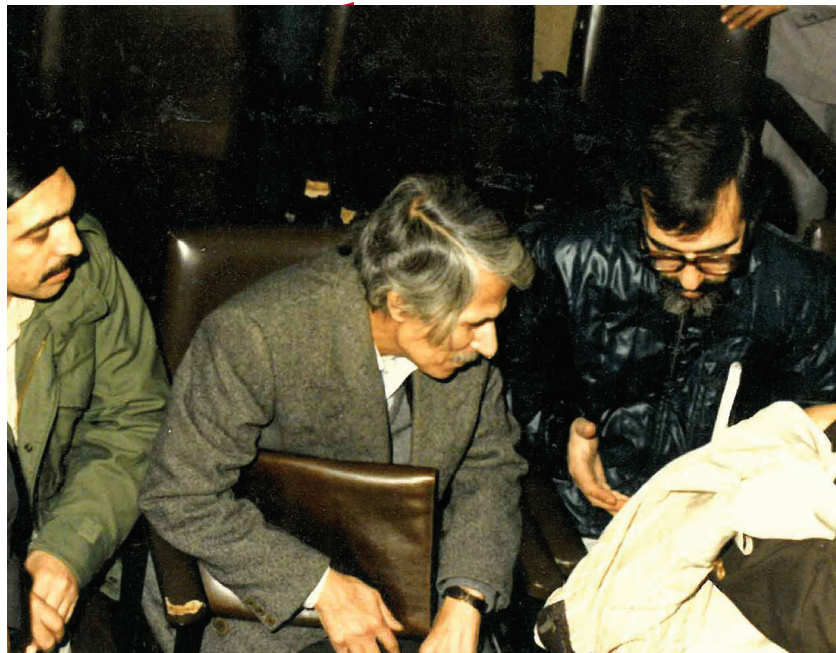
این ادیب گرانقدر و شاعر بزرگ با آنکه در همه زمینه‌های شعری قدرت خویش را به نمایش می‌گذاشت، اما به قصیده بیشتر از سایر انواع شعر عشق می‌ورزید و به حق، لقب بزرگترین قصیده‌سرای معاصر بعد از ملک‌الشعرا بهار را از آن خود ساخت.

او با تصحیح 'دیوان سلمان ساوجی' در سن ۲۲ سالگی و انتشار نخستین مجموعه شعر خود با نام 'از کاروان رفته' تحسین بسیاری از صاحب‌نظران را نسبت به خود برانگیخت. در سال ۱۳۲۷ هم‌زمان با ورود به دانشگاه تهران به استخدام آموزش و پرورش درآمد و به عنوان مسئول سامان دادن به کتابخانه‌های موجود و مقالات و کتب ادبی این وزارتخانه و نیز دبیر در چندین دبیرستان تهران به فعالیت پرداخت. در سال ۱۳۳۰ با کسب مدرک کارشناسی به ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی فلسفه در دانشگاه تهران پرداخت.

استاد اوستا ضمن تدریس در دانشگاه تهران، سفرهای متعددی را به کشورهای مختلف انجام داد و آثار و اشعار ارزشمندی از خود بر جای نهاد. سرانجام در سال ۱۳۷۰ در سن ۶۲ سالگی در اثر عارضه قلبی در گذشت و پیکر وی در قطعه مشاهیر ادب و هنر ایران در تهران به خاک سپرده شد.

ویژگی سخن

سبک اوستا به شیوه‌ی شعرای خراسانی و بیشتر به ناصر خسرو، خاقانی و مسعود سعد نزدیک است. در اندیشه‌های شاعرانه‌اش غالباً دقایق فلسفی و تفکرات حکیمانه را می‌پروانند و به فلسفه نسبی نزدیک می‌شود. او معتقد است که «یک هنرمند باید فرزند زمان خود باشد و اگر احیاناً خود نیازمندی‌های زیادی از نظر مادی ندارد باید آنقدر روحیه‌ی حساس و تأثیرپذیری داشته باشد که دردها و نیازمندی‌های اکثریت مردم را درک کند و آینه‌ی گویای رنج و شادی مردم زمان باشد.»



۱۳۰۸ شمسی در خانواده‌ای اهل شعر در شهر 'بروجرد' به دنیا آمد. پدر مادرش 'حاج دوخا محمد' متخلص به 'رعنا' شاعری بسیار خوش ذوق و توانا بود. سخاوتمندی حاتم گونه‌ی او باعث شد تا در سن ۳ سالگی با بخشیدن لباس تن خود به یکی از کودکان هم‌سن و سالش تحیر همگان را برانگیزد.

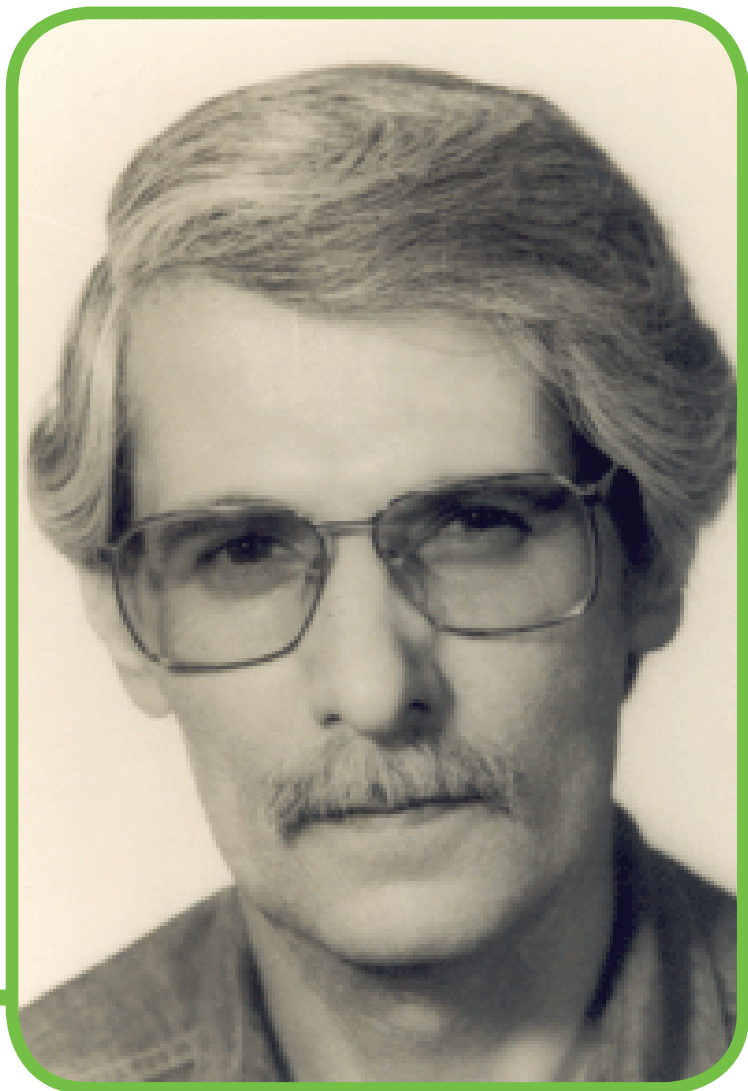
در ۱۰ سالگی با سرودن شعر - آنهم موزون و مقفی - مورد تشویق یکی از آموزگاران‌ش قرار گرفت، گوئی خود نیز به استعداد شگرف خویش واقف بود، زیرا در ۱۲ سالگی شهر بروجرد را برای خود کوچک دید و راه تهران را پیش گرفت و تا پایان عمر پر بارش در این شهر اقامت گزید.

پس از سپری کردن دوره دبیرستان، ضمن تدریس در مدارس و دبیرستانها، تحصیلات آکادمیک خویش را تا اخذ مدرک فوق لیسانس در رشته فلسفه ادامه داد و به دلیل اندوخته‌های خارق‌العاده ذهنی‌اش در زمینه ادبیات و علوم انسانی در سن ۲۵ سالگی بعنوان جوان‌ترین استاد، جذب دانشگاه

استاد اوستا با آنکه تنها ۸ ماه زندان را در کارنامه مبارزاتی خود، آنهم در جریان کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ به طرفداری از دکتر محمد مصدق دارد، یقیناً سومین شاعر مظلوم است. چرا که با همه امتیازات منحصر به فرد ادبی و هنری‌اش نه تنها قبل از انقلاب، بلکه بعد از این دگرگونی سیاسی - اجتماعی - که به تقاضای رهبر کنونی انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای به واسطه مودت دیرینه‌شان پاسخ مثبت داد و به تبع آن، یکباره تمامی عظمت فرهنگی و اعتبار هنری خویش را در این راه به تاراج اخلاص گذارد و بار توانفرسای تهمت و سرزنش‌های رسانه‌های استکباری و روشنفکران داخلی و نیز رفتار آزار دهنده برخی از تازه به دوران رسیده‌های فرهنگی را بردبارانه به دوش کشید - و با همه خدمات غیر قابل انکار فرهنگی‌اش به عنوان پدر شعر انقلاب قدرش شناخته و حقش پاس داشته نشد. مهرداد اوستا (محمد رضا رحمانی) شاعر و نویسنده‌ی معاصر در ۱۷ اردیبهشت سال

معرفی آثار

۱. تصحیح دیوان سلمان ساوجی
 ۲. تصحیح دو رساله از خیام، «رساله‌ی وجود» و «نوروزنامه»، با شرح حال خیام
 ۳. کتاب فلسفه و منطق و روان‌شناسی برای دبیرستانی‌ها
 ۴. از کاروان رفته- مجموعه‌ی شعر
 ۵. شراب خانگی، ترس محتسب خورده
 ۶. حماسه‌ی آرش
 ۷. پالیزبان- مجموعه‌ی نثر، داستان
 ۸. امام، حماسه‌ای دیگر
- استاد اوستا بیش از ۴۰ اثر تحقیقی و یا تألیفی در زمینه ادبیات و هنر از خود به یادگار گذاشته که بیش از ۲۰ اثر آن در زمان حیات ایشان و بقیه بعداً منتشر شده است.
- "راما" (در شعر)، "پالیزبان" و "از امروز تا هرگز" (در نثر داستانی)، "تیرانا" (در نثر انتقادی)، "عقل و اشراق" (در فلسفه)، "اندیشه فلاسفه شرق و غرب"، "روش تحقیق در دستور زبان و شیوه نگارش فارسی"، "رساله‌ی در فلسفه، منطق، روانشناسی و اخلاق"، "روش تحقیق در زیباشناسی" و "نقد و بررسی افسانه‌های ملل" (در چندین جلد)، "منطق کلام حافظ" و "منطق کلام فردوسی"، "منطق کلمات"، "منطق حماسی مهابرات"، "نقد و بررسی آثار سنائی"، "تصحیح کلیات شیخ سعدی"، "تصحیح دیوان ابوسعید ابوالخیر"، "تحلیل نوروز نامه و رساله وجود حکیم عمر خیام نیشابوری"، "تحلیل فلسفی و علمی پیرامون اصول ادیان"، "لحن شناسی پیرامون آثار و افکار بزرگان سخن ایران"، "روش تحقیق در تاریخ هنر"، "تصحیح مجدد دیوان سلمان ساوجی"، "روش تحقیق در تحولات فکری و فلسفی در اروپا و آسیا"، "سیر مکاتب هنری در ایران"، "هدف هنر در شرق و هدف آن در اروپا"، "مکاتب هنری در شرق"، "مکاتب هنری در اروپا"، "مکاتب فلسفی در اروپا"، "مکاتب فلسفی در آسیا"، "هدف نهائی در شرق و غرب"، "کارنامه شعر معاصر"، "کارنامه نثر معاصر" و "تأثیر ادبیات ایران بر ادبیات جهان" (در تحقیق)، "اشک و سرنوشت" (تألیف) از آثار این فرهیخته فقید می‌باشند.



با من بگو تا کیستی، مهری؟ بگو، ماهی؟ بگو
خوابی؟ خیالی؟ چیستی؟ اشکی؟ بگو، آهی؟ بگو

راندم چو از مهرت سخن گفتم بسوز و دم مزن
دیگر بگو از جان من، جاننا چه می‌خواهی؟ بگو

گیرم نمی‌گیری دگر، زآشفته‌ی عشقت خبر
بر حال من گاهی نگر، با من سخن گاهی بگو

ای گل پی هر خس مرو، در خلوت هر کس مرو
گویی گه دانم، پس مرو، گر آگه از راهی بگو

غمخوار دل ای می‌نیی، از درد من آگه نیی
ولله نیی، بالله نیی، از دردم آگاهی بگو

بر خلوت دل سرزده یک ره درآ ساغر زده
آخر نگویی سرزده، از من چه کوتاهی بگو؟

من عاشق تنهایی‌ام سرگشته شیدایی‌ام
دیوانه‌ای رسوایی‌ام، تو هر چه می‌خواهی بگو

محمد آوخ

ایرانیان کتاب‌نخوان

برخی گزارش‌ها، سرانه مطالعه در ایران را هشت تا ده دقیقه می‌دانند، برخی دیگر از ۱۸ دقیقه در روز سخن می‌گویند. رییس کتابخانه ملی ایران می‌گوید ایرانیان فقط دو دقیقه در روز مطالعه می‌کنند. همین آمار ضد و نقیض برای انتقاد از فرهنگ "تن‌پرور" و "کتاب‌نخوان" شهروندان، مورد استناد قرار می‌گیرد.

این در حالی است که آمار سرانه مطالعه در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بسیار بیشتر از این است. منتقدان "کتاب‌نخوانی ایرانیان" از آمار ۹۰ دقیقه مطالعه در ژاپن و انگلیس و ۵۵ دقیقه در مالزی و ترکیه سخن می‌گویند.

قطعاً مسائل فرهنگی در پایین بودن میزان مطالعه در ایران نقش اساسی ایفا می‌کنند اما پرسشی که در این بین مطرح می‌شود این است که آیا فقط مسئله فرهنگ کتابخوانی است که باعث پایین بودن سرانه مطالعه در ایران است؟ آیا تمام عوامل، به بی‌توجهی ایرانیان به کتابخوانی ختم می‌شود؟

به نظر بسیاری از کارشناسان، مسائل دیگری نیز وجود دارد که باعث گسترش پدیده "کتاب‌نخوانی" می‌شود. مسائلی که به شیوه‌های مدیریتی و محدودیت‌هایی دولتی موجود در این عرصه، بی‌ارتباط نیست.

مجید ابهری، آسیب‌شناس اجتماعی معتقد است: «محدود بودن کتابخانه‌های محلی و کامل نبودن موضوعات کتاب‌های مراکز تحصیلی و هم‌چنین گران بودن کتاب از دلایل نبود گرایش به مطالعه عنوان شده است.»

وضعیت کتابخانه‌های عمومی

آمار تعداد کتابخانه‌های عمومی در کشور نشان دهنده وضعیت نامناسب این بخش از فرهنگ کشور است. کتابخانه‌های عمومی ایران با کمبود کتاب جدید روبرو هستند. تمایل به عضویت در این کتابخانه‌ها و مراجعه به آنها نیز بسیار اندک است.

مطابق سند چشم‌اندازی که سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی را مشخص می‌کند، اعضای کتابخانه‌های عمومی

ایران باید تا سال ۱۴۰۴ به ۲۰ میلیون نفر رسیده باشد.

برای رسیدن به چنین موقعیتی لازم است استفاده کنندگان از کتابخانه‌های عمومی تقریباً ۲۰ برابر شوند و تعداد کتابخانه‌ها و امکاناتشان نیز به همان نسبت افزایش یابد. با وضعیت امروز و با توجه به تجربه‌ی سال‌های اخیر، دست یافتن به چنین هدفی اگر غیرممکن نباشد به یک معجزه نیاز دارد.

منصور واعظی، رییس نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور سال ۸۶ گفته است باید تا آخر سال ۸۸ تعداد اعضای کتابخانه‌های ایران به سه میلیون نفر برسد.

مطابق آماری که همین نهاد منتشر کرده درصد افزایش اعضای کتابخانه‌ها در سال ۸۶، ۴ / ۱ درصد و در سال ۸۷ که سالی استثنایی به شمار می‌رود حدود ۸ درصد بوده است. این نهاد تعداد اعضای کتابخانه‌های سراسر کشور تا پایان سال ۸۷ را یک میلیون و ۷۶ هزار نفر اعلام کرده است.

از سوی دیگر فقر کتابخانه‌ها، یکی از معضلاتی است که در ایران همیشه مطرح است، آمارها نشان می‌دهد کتابخانه‌های ایران با استانداردهای جهانی فاصله‌ای نجومی دارند. مطابق معیارهای پیشنهادی «اتحادیه بین‌المللی انجمن‌های کتابداری» در کشورهای در حال توسعه، باید به ازای هر باسواد حداقل یک و نیم جلد کتاب در کتابخانه‌های عمومی وجود داشته باشد.

با این حساب، لازم است بیش از ۷۹ میلیون جلد کتاب در قفسه‌ی کتابخانه‌های ایران جا بگیرد تا کشور به کمترین میزان پیشنهاد شده برای کشورهای در حال توسعه برسد. این تعداد تا پایان سال ۸۷ حدود ۱۶ میلیون جلد گزارش شده است. در سال‌های گذشته، آمار و ارقام مختلفی نسبت به سرانه مطالعه ارائه شده، از ۷۹ دقیقه تا ۱۵ دقیقه.

چند سال پیش اعلام شد که سرانه مطالعه در ایران ۲ دقیقه در سال است! همان زمان دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی اعلام کرد که خیر! آمار مطالعه در ایران ۷۹ دقیقه در روز است! که البته در

این میزان، سرانه مطالعه کتب درسی، کتب ادعیه، قرآن، صفحات مجازی و هر چیزی که به خواندن ربط داشته باشد، لحاظ شده بود. البته هیچ وقت گفته نشد که این آمار چطور و با چه روش آماری و طی انجام چه مراحل به دست آمده است. اعتراض‌هایی به این آمار شد که چند دقیقه‌ای از آن را کم کرد و بالاخره اعلام شد آمار سرانه مطالعه ۷۵ دقیقه و ۳۴ ثانیه محاسبه شده که ۱۵ دقیقه و ۱۷ ثانیه مربوط به کتاب، ۲۱ دقیقه و ۳۱ ثانیه برای قرآن و ادعیه، ۳۲ دقیقه و ۳۶ ثانیه روزنامه و پنج دقیقه و ۴۲ ثانیه به نشریه خوانی اختصاص پیدا کرده است که هر دو فضای مجازی و فیزیکی را شامل می‌شود. حالا نکته مهم این است که «سرانه مطالعه» یک شاخص جهانی است که تعریف مشخص و دقیقی دارد. با این تعریف، این شاخص تنها مطالعه کتاب (آن هم از نوع غیردرسی) را شامل می‌شود؛ یعنی نه مطبوعات! و نه سایت‌های اینترنتی و مجازی! که در این سرانه همه این موارد اعمال شده بود!

یک سال گذشت و در طول این مدت سرانه‌های مختلفی اعلام شد و یک بار ۱۵ دقیقه هم در این بین دیده می‌شد و مسئولان از ۷۹ دقیقه کوتاه آمدند و گفتند سرانه مطالعه ایرانی‌ها حداقل ۱۸ دقیقه (دقیقاً ۱۸ دقیقه و ۴۷ ثانیه) است! که با یک حساب سرانگشتی و نگاهی به دور و برمان می‌توانیم قضاوت کنیم که این آمار هم نمی‌تواند نشان‌دهنده وضعیت امروز ما باشد.

کتابخوانی در دنیا

طبق آمارهای جهانی، آمریکایی‌ها ۲۰ دقیقه، انگلیسی‌ها ۵۵ دقیقه و ژاپنی‌ها ۹۰ دقیقه از وقت خود را در شبانه روز به مطالعه کتاب اختصاص می‌دهند. بر این اساس، آماری که از سرانه مطالعه کتاب در ایران در کنار تمام نوسانات عددی (از ۲ دقیقه به ۱۵ دقیقه و آخرش ۱۸ دقیقه رسید) تا حالا ارائه شده است، نشان می‌دهد که ایرانیان تقریباً به میزان آمریکایی‌ها به مطالعه کتاب علاقه‌مند هستند.

کشوری که بزرگ‌ترین تولیدکننده نویسنده در جهان است

مردم ایسلند در سال، ۴۰ کتاب می‌خوانند

که بعد از کشور فنلاند با خواندن ۴۷ کتاب در سال، بیشترین مردم کتابخوان را دارند و هر ۱۰ شهروند ایسلندی در طول زندگی خود یک کتاب تالیف می‌کنند که بر اساس این آمار ایسلند، بزرگ‌ترین کشور تولید کننده نویسندگان در جهان محسوب می‌شود. اگر این نکته را مدنظر داشته باشیم که فقط ۱۰۰ هزار نفر در «ریکیاویک» پایتخت ایسلند زندگی می‌کنند، به این نتیجه می‌رسیم که ۱۰ هزار نویسنده در این شهر وجود دارد. همچنین خرید کتاب در ایسلند بیش از دیگر کشورهای دنیاست.

ژاپنی‌ها در دنیا رتبه نخست را از نظر عادت به کتابخوانی دارند

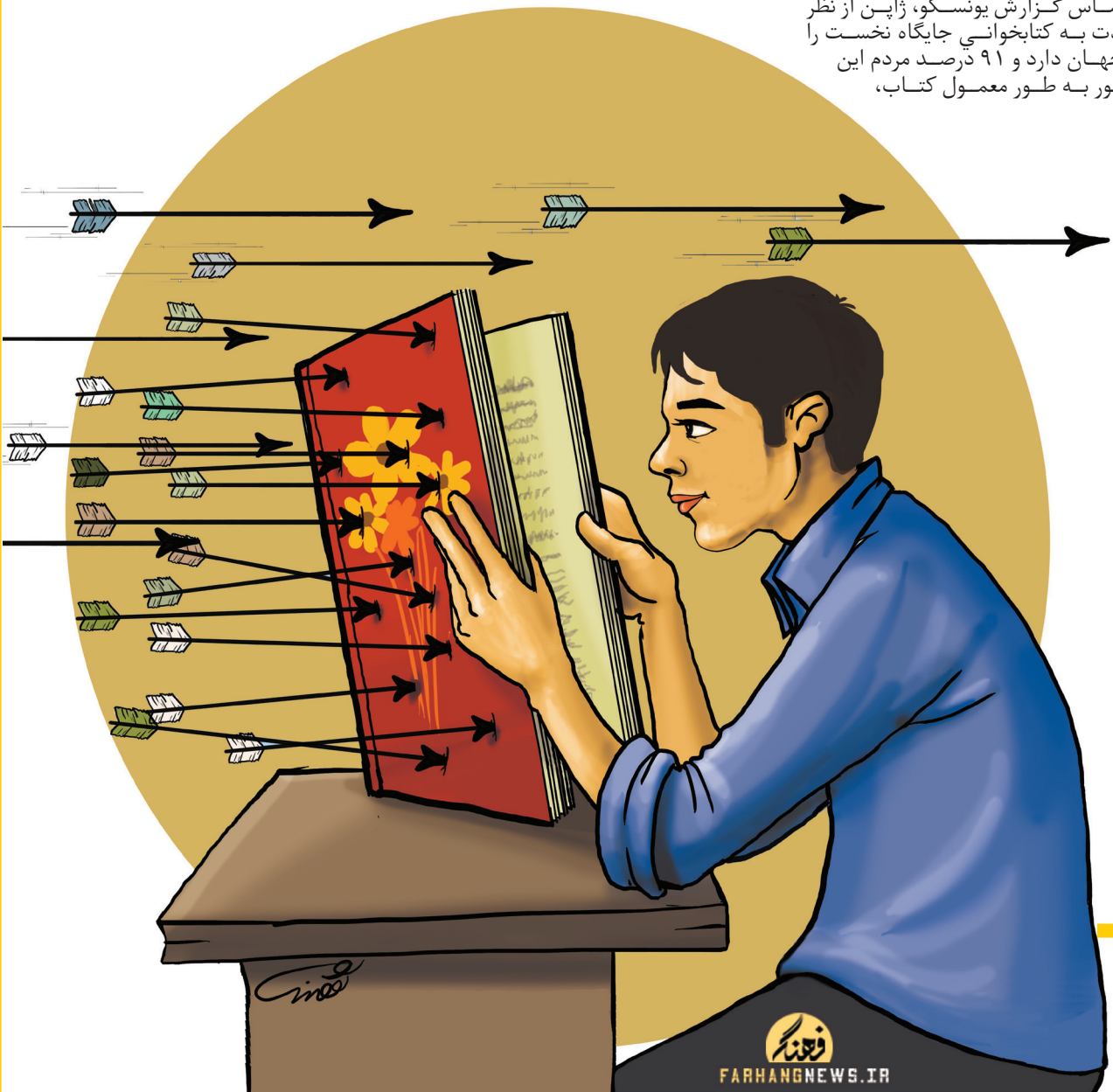
بر اساس گزارش یونسکو، ژاپن از نظر عادت به کتابخوانی جایگاه نخست را در جهان دارد و ۹۱ درصد مردم این کشور به طور معمول کتاب،

روزنامه و مجله می‌خوانند؛ یک ژاپنی در سال بین ۴۶ تا ۴۷ کتاب می‌خواند و ۶۵ درصد مردم کره جنوبی نیز عادت به مطالعه دارند.

با این حساب، ایران در رده بندی سرانه مطالعه باید جایگاه واقعا آبرومندانه و قابل افتخاری داشته باشد، اما در واقع چقدر می‌توان به این آمار و جایگاه، دلخوش و مطمئن بود؟!

مقایسه سرانه مطالعه ایران و کشورهای دیگر (البته مقایسه واقعی) نشان می‌دهد مهم‌ترین انگیزه‌ای که باعث می‌شود ایرانی‌ها سراغ کتاب نروند، بی‌نیازی از مطالعه و حس دانایی کل بودن است. اگر کلاه‌مان را قاضی کنیم می‌بینیم که

ما آدم‌هایی با اعتماد به نفسی هستیم و این روزها به دلیل حضور در شبکه‌های اجتماعی و فضای اینترنت و مواجه شدن با اطلاعات حداقّلی و پیامکی بیشتر از هر زمانی خودمان را بی‌نیاز از مطالعه می‌بینیم. حالا هر قدر هم در آمارها خودمان را خوب جلوه دهیم و آمارهای خوب و پر و پیمانی را ارائه کنیم، صنعت نشر و تیراژ کتاب‌ها خبر می‌دهد از سر درون؛ درون جامعه‌ای که قرار است توسعه پیدا کند و آگاهی مردم و افزایش سواد فرهنگی در این موضوع بسیار موثر است.



علی رضایی

راهیان نور، راویان حماسه و ایثار

عملی و نظری تاریخ و نسل‌های بعدی خود را به دست آورد. این الگو، شهدا و رزمندگانی بودند که در جنوب، غرب، شمال غرب و در نبردهای سنگین با دشمنان انقلاب اسلامی، حماسه‌ها آفریدند، پیروزی‌ها خلق کردند و از تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران و نظام برآمده از انقلاب، صیانت کردند.

آنان فقط در راه صیانت از ملت در یک برهه خاص، (دهه ۱۳۶۰) جان خود را فدا نکرده‌اند و شهیدان یک دوره نمی‌باشند، بلکه شهیدان اعصار تاریخ ایران بوده و به دلیل صدق اعتقاد و عمل، تا ابد با جان ایرانیان پیوند خورده و ملت ایران قدردان جان‌فشانی آنان در راه اسلام و نظام اسلامی و ایران است. اقتدار، ثبات، امنیت و توسعه ایران در جهانی پرآشوب و منطقه‌ای پرحادثه (غرب آسیا) وامدار مجاهدت و تلاش هشت ساله دلیرانی است که در نبرد با دشمنان دور و نزدیک خود لحظه‌ای از پای ننشستند و درس فراموش نشدنی مقاومت و تسلیم نشدن در مقابل جبهه کفر را به عنوان میراث خود باقی گذاشتند.

جامعه امروز و فردای ایران به فکر و عمل رزمندگان و فرماندهان خود در هشت سال

جنگی غرب و جنوب غربی این کشور، به استان‌های هم‌مرز با عراق می‌برد. کاروان راهیان نور از سال ۱۳۷۶ آغاز شده است. این حرکت بعد از پایان جنگ ایران و عراق، توسط گروه‌های مردمی خودجوش متشکل از رزمندگان، شکل گرفت که در ایامی خاص نظیر عید نوروز، ایام محرم و... کارون‌هایی را برای بازدید از مناطق جنگی سامان می‌دادند و محل‌هایی نظیر یادمان‌های فعلی شلمچه، اروندکنار و فتح المبین مورد بازدید این کاروان‌ها قرار می‌گرفت. این روند تا سال ۱۳۷۶ ادامه پیدا کرد. در سال ۱۳۷۷ بسیج دانشجویی از ظرفیت‌های اردوهای راهیان نور استفاده کرد و اعزام کاروان‌های دانشجویی شروع شد. جمهوری اسلامی ایران در طول هشت سال دفاع مقدس (۱۳۶۷ - ۱۳۵۹) الگوی

راهیان نور، نامی است برای گروه بزرگی از کاروان‌های سیاحتی - مذهبی در ایران که به بازدید از مناطق جنگی بازمانده از جنگ ایران و عراق در غرب و جنوب غربی این کشور می‌پردازند. بیشتر این کاروان‌ها همزمان با تعطیلات نوروزی و نیز تعطیلات تابستانی، برای مناطق غرب کشور، فعال می‌شوند و مناطق مرزی استان خوزستان به ویژه منطقه شلمچه از مقاصد پرطرفدار این گروه‌هاست. همچنین به سمت یادمان شهدای شوش نیز سفر می‌کنند.

این حرکت نوعی از گردشگری جنگ در ایران محسوب می‌شود. بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، سازمان دهنده و متولی اصلی اردوهای سراسری «راهیان نور» است که هر ساله گروه‌هایی از مردم مناطق مختلف ایران را برای بازدید از مناطق



دفاع مقدس نیاز مبرم دارد و مایل است بدانند آنان در طول آن سالها چه کردند. به همین منظور پس از جنگ، ساختارهای گوناگونی بروز و ظهور یافتند و برای انتقال این دستاوردها به نسل‌های آینده فعالیت خود را آغاز کردند. مراکز، بنیادها، سازمانها، محققان و نویسندگان بسیاری در قالب پژوهش، خاطره، فیلم، سریال، داستان و رمان و... می‌کوشند آنچه را که در این هشت سال بر ملت ایران گذشته به آیندگان منتقل کنند. اما تدارک سالانه راهیان نور، داستان دیگری دارد؛ جوانان امروز که توفیق حضور در جبهه‌های نبرد را نداشته‌اند، امکان حضور در این مناطق را می‌یابند و با حسرت و دقت، وجب به وجب خاک‌های خرمشهر، شلمچه، آبادان، جزایه، اروند و فکه، بازی دراز و... را می‌نگرند. آنان در طول این سفر، به روایت‌های برجای ماندگان دوران دفاع مقدس گوش فرامی‌دهند، گاهی قطراتی اشک ریخته و آرام می‌شوند و در پایان، بسیاری از آنان گمشده خود را می‌یابند و به شهربی و کلاس و منزل خود باز می‌گردند.

موضوع اصلی، چیستی روایت است. در روایتها برای تشنگان حقایق دفاع مقدس؛ دختران و پسرانی که با چند جمله‌ی راوی اشک می‌ریزند، چه گفته می‌شود؟ آیا روایت‌های نقل شده، با ارزشها و معیارهای دوران دفاع مقدس مطابقت دارد و میزان مطابقت آنها چقدر است؟ یا روایت‌هایی که عرضه می‌شود با این گنج نامتام و بی‌پایان هیچ نسبتی نداشته و در مقابل آن قرار می‌گیرد؟

باید اذعان کنیم که در یادمانها، روایت‌های مطابق با ارزشها و تاریخ دفاع مقدس کم است؛ وجه غالب روایتها، روایت‌های جذاب و گیرا است اما از دفاع مقدس زیاد نمی‌گویند و نیز روایتها هیچ تناسبی بعضاً با ارزشها و معیارهای دوران دفاع مقدس ندارند. معیار سنجش روایتها چیست؟ راویان باید با در نظر گرفتن ماهیت دفاع مقدس چارچوب روایت خود را تنظیم کرده و عصاره‌ای از آن را متناسب با یادمان، به مدت پانزده تا بیست دقیقه با فن بیان و خطابه مناسب برای زائران تعریف کنند.

محور اصلی این نوشتار معطوف به چیستی دفاع مقدس و بایدها و هسته‌های روایتها در اردوهای راهیان نور است. همچنین دفاع مقدس ملت ایران چه زمینه‌ها و ابعادی دارد و ماهیت آن چیست؟ روایتها چه مواردی را باید شامل شوند؟ و هسته‌های روایتها کدامند؟ چیستی دفاع مقدس و بایدها

روایت آن، هرگونه روایت از حادثه‌ای باید برگرفته از کلیت یا بخشی از آن حادثه باشد و پردازش کننده روایت در این چارچوب معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

دفاع مقدس چیست؟

درباره این سؤال بارها در سطح جزء و کل حرف زده شده و مقالات و کتاب‌هایی نیز درباره آن نوشته شده است، اما کمتر به چیستی به معنای ماهیت آن پاسخ مدون و مستقیم، داده شده و باز به گوشه‌ای از آن پرداخته شده است. چرا به سؤال درباره چیستی دفاع مقدس پاسخ کامل داده نشده است؟

دو دلیل اصلی برای آن می‌توان بیان کرد: (۱) ساده بودن پرسش و نپرداختن به آن (۲) پردامنه و پر موضوع بودن آن.

اما دفاع مقدس چیست؟ این سؤالی است که در روایت به آن نیازمندیم و باید چارچوب و محورها، موضوعات و زیرموضوعات آن را بدانیم. دفاع مقدس دارای ابعاد نظامی - عملیاتی حماسی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... است و رزمندگان، فرماندهان، مدیران و... در آن دخیل می‌باشند. علاوه بر این، دفاع مقدس دارای بعد تاریخی است. به لحاظ سطح، دارای سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. در بررسی طرفین نزاع، دارای خودی و دشمن است و بالاخره دفاع مقدس از نظر ماهیت، دین پایه و مردم پایه است که در میانه این دو، ولایت و رهبری قرار دارد که جان‌مایه‌ی آن محسوب می‌شود. از منظر دیگر، جنگ نامتوازن و نابرابر میان جمهوری اسلامی و غرب و شرق و ارتجاع منطقه است که در یک طرف آن ایران و در طرف دیگر سایر کشورها قرار دارند. در این میان، برخی کشورها نیز بی‌طرف و بی‌تأثیر هستند و در نهایت اینکه جنگ فقر و غنا و جنگ اسلام و کفر است.

راه‌های حفظ و انتقال فرهنگ ایثار

«سیال بودن» یکی از ویژگی‌های آشکار فرهنگ است. فرهنگ به گونه‌ای است که قدرت انتقال از عصری به عصر دیگر و از نسل پیشین به نسل پسین را دارد؛ اما چگونه؟ با جاری شدن آن در متن زندگی مردم. فرهنگ ایثار و ارزش‌های آن برای جاودانه ماندن باید با زندگی روزمره مردم، عجین شود و در متن زندگی آنان جریان پیدا کند. ایثار، زمان و مکان نمی‌شناسد، به یاد آوریم روزهای انقلاب و نیز روزهای خاطره‌انگیز

و پرشور دفاع مقدس را که چگونه حضور و همراهی همه مردم را در جریان‌ها شاهد بودیم. هم‌اکنون وقتی بیکر پاک و معطر شهیدان را می‌آورند، حال و هوای آن روزها دوباره پیدا می‌شود و همین امر، نشان نفوذ عمیق ارزش‌های دینی و ملی در میان آحاد ملت است.

مهم، هدایت شور، احساسات و عواطف پاک جامعه اسلامی و مردم خوب، بزرگوار و رشید ایران اسلامی و خدمت به آنان است که به تعبیر امام راحل امتحان خود را خوب پس داده‌اند و حتی بهتر از امت پیامبر (ص) در صدر اسلام در صحنه ظاهر و حاضر شده‌اند. در یک نگاه ساده، در محتوای فرهنگ ایثار، موارد زیادی را می‌توان مشاهده کرد. ایدئولوژی و جهان‌بینی، باورها و ارزش‌های پشتوانه فرهنگ ایثار و شهادت را می‌سازند. خداخواهی، دین‌باوری، خدایابی، اخلاص، انسان‌دوستی و دگرخواهی، از خودگذشتگی، عزت، عظمت و تکامل روحی، به عنوان پیش‌زمینه ایثار مطرح است. برخی از این محتوا فعالیت‌های آموخته شده و مشترک، نظیر ایثار، از جان گذشتگی و دیگر ارزش‌هایی است که از آن نام بردیم. برخی دیگر، از مقوله افکار و اندیشه‌ها است. مواردی نظیر از جان گذشتن در راه خدا، مقابله با کفر، جهاد فی سبیل‌الله از این زمره‌اند. برخی دیگر را می‌توان به عنوان محصولات اجتماعی و مشترک فرهنگی غنی ایثار دانست. لباس‌ها، مقبره‌ها، گنبد‌های شهدا و تمام آثاری که از ایثارگران به جا مانده است. برخی دیگر نیز فناوری و ابزارهایی است که محصولات مربوط به ایثار و شهادت را می‌سازد. برخی دیگر نیز سازمان‌های اجتماعی و نهاد‌هایی نظیر بنیاد شهید و امور ایثارگران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس هستند که در این زمینه مشغول به خدمت‌رسانی‌اند.

جاری کردن فرهنگ ایثار، با این محتوای بسیار، در متن زندگی عموم جامعه، شیوه و ابزارهای خاص خود را می‌طلبد. اگر بخواهیم ایثارگری، فرهنگ مردم شود و ملکه ذهن Internalization و درونی شود، باید علاوه بر عمومی بودن، از حالت عمدی بیرون آید. باید وارد ناخودآگاه مردم شود و به اصطلاح علمای اخلاق ملکه شود. صفت اخلاقی که تبدیل به ملکه شد، تغییر آن آسان نیست. برای این کار باید تلاش‌های بسیار صورت پذیرد.



عشق

گاه به آرامش پیوند تو با دست نسیم
یا به طوفانی امواج بلندت در شب

گاه هم عشق
به سبکباری آهنگ قدم هایم
در عمق تو است ...

بومیان می گویند
وقتی از ساحل امن دوری
شده گاهی دریا
سخت نامرد شده ...

بومیان
چه میدانند که در قصه من
ساحل امن
همان غرق شدن در طلب عمق تو است

○ شکیبا سروری

فروغ امید

وفا نکردی و کردم، خطا ندیدی و دیدم
شکستی و نشکستم، بُریدی و نبریدم
اگر ز خلق ملامت، و گرز کرده ندامت
کشیدم از تو کشیدم، شنیدم از تو شنیدم
وفا نکردی و کردم، خطا ندیدی و دیدم
شکستی و نشکستم، بُریدی و نبریدم
اگر ز خلق ملامت، و گرز کرده ندامت
کشیدم از تو کشیدم، شنیدم از تو شنیدم
کی ام، شکوفه اشکی که در هوای تو هر شب
ز چشم ناله شکفتم، به روی شکوه دویدم
مرا نصیب غم آمد، به شادی همه عالم
چرا که از همه عالم، محبت تو گزیدم
چو شمع خنده نکردی، مگر به روز سیاهم
چو بخت جلوه نکردی، مگر ز موی سپیدم
بجز وفا و عنایت، نماند در همه عالم
ندامتی که نبردم، ملامتی که ندیدم
نبود از تو گریزی چنین که بار غم دل
ز دست شکوه گرفتم، بدوش ناله کشیدم
جوانی ام به سمند شتاب می شد و از پی
چو گرد در قدم او، دویدم و نرسیدم
به روی بخت ز دیده، ز چهر عمر به گردون
گهی چو اشک نشستم، گهی چو رنگ پریدم
وفا نکردی و کردم، بسر نبردی و بردم
ثبات عهد مرا دیدی ای فروغ امیدم؟

○ مهرداد اوستا



تحریر توحید

کتاب تحریر توحید، نوشته آیت الله جوان، یادگار امام راحل، حاج سید حسن خمینی است. در این کتاب می‌خوانیم: عرفان را ملکه علوم خوانده‌اند، چراکه شرافت موضوع و علو مباحث و مسائل هر علم، جایگاه، ارزش و اعتبار آن را در اندیشه آدمی مشخص می‌کند و علم عرفان هم تنها دانشی است که همه وجوه آن را خدای بی‌همتای فرا گرفته است؛ موضوع عرفان، توحید ذات لم‌یزلی است و مسائل آن، اسماء و صفات جلال و جمال او و مباحث مطرح در آن علم و عین نامحدود اوست.

گستره مباحث آن در هیچ دانشی نمی‌گنجد و هیچ علمی بار گران مفاهیم آن را تحمل ندارد؛ انگبین شیرین مفاهیم آن، شاهدان شریعه شهود را واله و شیدای خود می‌کند و صعوبت فهم قله‌های آن، پای چوبین عادت کردگان به طریقت استدلال را در هم می‌شکند. جامه الفاظ بر قامت بلند آموزه‌های این علم شریف راست نمی‌آید، چرا که عرفان «بود» را «نمود» می‌کند و بر حقایق لباس ظهور می‌پوشاند و سیرت سراب گون خلائق را ظاهر می‌کند: «وَسَيَرِّتُ الْجِبَالَ فَيَكَاثُتُ سَرَابًا» (سوره نبأ، آیه ۲۰) گرچه آنکه از دایره تنگ الفاظ پر می‌کشد و در کهکشان حقایق بال می‌گستراند؛ از علم می‌گذرد و عین را در مشهد آغوش در بر می‌گیرد؛ عاشقانه چنین می‌سراید: گفته‌های فیلسوف و صوفی و درویش و شیخ در خور وصف جمال دلبر فرزانه نیست



روایت مقاومت در برابر هجوم طبیعت

فیلم‌نامه «... و زمین آرام شد» اثر محمد رضا بایرامی از سوی انتشارات کتاب نیستان روانه بازار کتاب شد. این فیلم‌نامه بر مبنای داستان بلند «گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند» این نویسنده نوشته شده است که پیش از این منتشر و با استقبال خوبی نیز همراه شده است. «و زمین آرام شد» داستان زندگی و ماجراجویی دو نوجوان در منطقه سیلان است. دو نوجوان که به دنبال کشف نادیده‌هایی از طبیعت زیستی خود در یک روز سرد زمستانی به قصد دیدن آبشاری یخ‌زده از روستا خارج می‌شوند و درست در همین لحظات نبودنشان است که زلزله، تمامی روستا را با خاک یکسان می‌کند و حالا این دو نوجوان در مسیر برگشت، خود را مأمور محافظت از روستا در برابر هجوم طبیعت می‌بینند. سرما، گرگ‌ها و ترس، به آنها هجوم می‌آورد و حالا آنها هستند که باید به ناگاه بزرگ شده و در مقابل تجربه تازه پیش رویشان تاب بیاورند. بایرامی در این فیلم‌نامه سعی کرده است پیوند میان ادبیات داستانی معاصر ایران و سینمایی ایجاد کند که سال‌های متمادی است طبیعت و زیست بوم ایرانی در آن جای نداشته و به آن رنگ و بویی نداده است. نکته جالب این فیلم‌نامه، زبان روایی آنست که بسیار ساده و صمیمی و نزدیک به گویش مردمان سیلان است. رعایت گویش‌ها، ظرافت‌های زیستی، ترسیم کلامی زیست بوم زندگی روستایی و توصیفی بسیار زیبا و رشک‌برانگیز از طبیعت سیلان، از مهمترین ویژگی‌های این اثر به شمار می‌رود. کتاب نیستان سال گذشته نیز از این نویسنده رمان «لم یزرع» را منتشر کرده بود که توانست جایزه ادبی جلال آل احمد را برای وی به ارمغان بیاورد.



راستش در این شماره هم به نیت شما متولدین هر ماه تفرالی زدیم به وصیت شهدا که امید در آینه‌ی وصیت شهدا برسیم به آنچه که از ما می‌خواهند و خدا می‌خواهد و ما می‌خواهیم.

تقال

فروردین

ای خواهرم من با رفتن به جبهه حافظ این انقلابم و تو با حفظ حجابت مشست محکمی بر دهان دشمنان بزنی.

شهید حمید بهادر بیگی

اردیبهشت

تنها راه نجات فرد و جامعه ما بازگشت به قرآن می‌باشد چنانکه خود حضرت محمد (ص) فرموده «انگاه که انواع بلا و شدت مانند پاره‌های شب تاریک در هم آمیخت و شما را فرو پوشید به قرآن بچسبید و به آن پناه برید که قرآن راهنماست و به بهترین راه دلالت و هدایت میکند.»

شهید مصطفی بهرامی

خرداد

به نظر بنده هر فرد شیعه باید مطیع امر مولایش باشد و من بنابر اطاعت از امر امام جهت انجام وظیفه به این راه گام نهاده‌ام.

شهید جمشید بیات

تیر

من به مادرم سفارش میکنم که اگر خداوند فیض شهادت را نصیب من کرد شما زینب گونه صبر کنید و به خواهرانم دلداری دهید مبادا گریه کنید که روح من ناراحت شود و به امام دعا کنید و امام را تنها نگذارید

شهید علی اکبر حجتی

مرداد

برادر و خواهرم! امروز استکبار جهانی با همه قوا به میدان مبارزه با اسلام آمده و هر روز بیشتر از پیش خود را مجهز می‌کند که نفس وجود او در عدم ماست و تا صدای الله اکبر ما را خاموش نکند از پای ننشینید پس بیای خیز و صدای خداوندان زر و زور و تزویر جهانی را در گلویشان خفه کنید و فرصت یک نفس راحت را هم به آنها ندهید که نفس راحت آنها خون دیده و آه سرد مستضعفین عالم را همراه دارد. غیرتمندان برخیزید و قلم پای این متجاوزین به حقوق انسانهای محروم که یالالمسلمین شان بلند است بشکنید.

شهید عباس پورش همدانی

شهریور

قدر این انقلاب و رهبر را مانند گذشته بدانند و یک لحظه از انقلاب و فرامین رهبری غافل نباشند همچنان که پدر و مادرم بارها بمن گفتند تو چشم ما هستی انسان بدون چشم نمیتواند زنده بماند اما امام قلب من است، انسان بدون قلب هرگز نمیتواند زنده بماند

شهید محسن ترکشوند

مهر

امسا در مورد درس خواندنتان، تا آنجایی که میتوانید کوشش و سعی بکنید و بعد هم متکی به توفیق الهی باشید. هر چه خدا خواهد، باز هم تأکید میکنم که بخاطر دوری راه و یا مسائل دیگر رشته‌های را که نه به درد خودتان نه به درد مملکت میخورد نخوانید، و الان هم دیر نیست و حتی یکسال عقب ماندن بهتر از یک عمر عقب ماندن است.

شهید هوشنگ ترکشوند

آبان

برادران عزیز، در این دنیا بسی تفکر کنید، به اعماق راه جوئید تا طریق هدایت و سعادت را یافته و در آغوش عشق و رحمت الهی، سیراب شوید، با بزرگان، پیشوایان و عارفان انس بگیرید تا گره‌ای ناگشودنی را گشوده یافته و غذایی خاص را جویده، بگام آرید، خود را به تهذیب نفس تمرین دهید و در کسب علم کوشا باشید تا با این دو بال به پرواز در ملکوت بپردازید و ابدان خویش را با مادر خود، زمین وانهید.

شهید سید جعفر حجازی

آذر

پدران و مادران و برادران و خواهران و کلاً هر کسی که این ندا را میشنوی لحظه ای با خود بیندیش که چرا خلق شده ای و به کجا خواهی رفت و عاقبت امر به کجا منتهی میشود و لذا چگونه باید در این جهان زندگی کنی. برادر جان اگر هنوز هم خود را کنار کشیده ای لحظه ای بیندیش که این رزمندگان در کجا و برای چه میجنگند. بدان که اینها در راه رضای خدا در دشتهای گرم و سوزان و کوههای صعب و سرد به شوق دیدار حسین (ع) با سلاح ایمان میرزمند و از هیچ چیز جز خدا هراسی به دل راه نمی دهند.

شهید محمدرضا بیاتی

دی

دانشجویان عزیز، استادان بزرگوار، راه شهدا را ادامه دهید که شهیدان حقی بر گردن شماها دارند و همه اعمالتان بخاطر خدا باشد.

شهید تقی حسینی

بهمن

آری ای برادران و خواهران هر انسانی در طول زندگی خود با سختیها و مشکلات روبرو میشود و سنت الهی این است که همه مردم و همه موجودات را امتحان میکند اگر انسان کمی فکر کند میفهمد که همیشه در حال امتحان است و سرنوشت انسان را همین امتحانات است که تعیین میکنند.

شهید سید ناصر الدین حسینی

اسفند

از آنجا که دانشجو بودهام از کلیه دانشجویان عزیز تقاضا دارم توجه داشته و دقت کنند که وظیفهای سنگین بر دوش دارند مبدا خود را جهت انجام وظیفه بعد از تشخیص آن مهیا نکنند مبدا بیتفاوت باشند. یقین بدانند که ضرر خواهند کرد و کوتاهی در حراست از انقلاب به هیچ وجه قابل جبران نخواهد بود. عزیزان اگر به اندازه حل کردن یک مسئله علمی هم که شده درباره عاقبت خود تأمل کنند، به خدا قسم که هیچ عذری پذیرفته نیست.

شهید سید حسین حسینی





During his exile Imam Khomeini coordinated this upsurge of opposition—first from Iraq and after 1978 from France—demanding the shah’s abdication. In January 1979 in what was officially described as a “vacation ” the shah and his family fled Iran. The Regency Council established to run the country during the shah’s absence proved unable to function and Prime Minister Shahpur Bakhtiar hastily appointed by the shah before his departure was incapable of effecting compromise with either his former National Front colleagues or Imam Khomeini. Crowds in excess of one million demonstrated in Tehrān proving the wide appeal of Imam Khomeini who arrived in Iran amid wild rejoicing on February 1. Ten days later Bakhtiar went into hiding eventually to find exile in France.

خوانندگان عزیز شما با ترجمه و ارسال متن فوق به آدرس رایانامه مجله می
توانید به قید قرعه **اشتراک ۶ ماهه** برنده شوید

Coca-Cola



DUELFA.COM

خوانندگان عزیز مجله‌ی شاهد جوان می‌توانند برداشت خود را از کاریکاتور نوشته و به دفتر مجله ارسال کنند. حتماً روی پاکت قید شود: مربوط به شاهد جوان.

فرم اشتراک مجلات شاهد

شماره حساب سیبا: ۰۱۰۴۴۷۳۰۸۵۰۰۴ نزد بانک ملی
به نام معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران

اشتراک شش ماهه ۳۰۰.۰۰۰ ریال
 اشتراک یکساله ۶۰۰.۰۰۰ ریال



نام و نام خانوادگی تاریخ تولد

اشتراک شش ماهه ۱۵۰.۰۰۰ ریال
 اشتراک یکساله ۳۰۰.۰۰۰ ریال



تلفن ثابت تلفن همراه نشانی الکترونیکی

اشتراک شش ماهه ۱۵۰.۰۰۰ ریال
 اشتراک یکساله ۳۰۰.۰۰۰ ریال



کدپستی آدرس کامل پستی

اشتراک شش ماهه ۱۳۲.۰۰۰ ریال
 اشتراک یکساله ۲۶۴.۰۰۰ ریال



مبلغ واریزی ریال - شماره فیش بانکی تاریخ واریز

امضاء/تاریخ

امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۲۳۵۸۴ دورنگار: ۰۲۱-۸۸۸۲۸۴۳۵

نشانی: تهران-خیابان آیت ا... طالقانی-خیابان ملک الشعراء بهار شمالی-شماره ۵-معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران-طبقه ۳-اداره مجلات شاهد

فراخوان جسایزه ملی ایشار

دومین جشنواره آموزشی تحصیلی

این جشنواره با هدف معرفی و تجلیل از مقام آموزشی و تحصیلی جامعه هدف طرح شاهد و ایجاد پویایی، تحرک و افزایش انگیزه تحصیلی، توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران با همکاری وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز مدیریت حوزه های علمیه برگزار می گردد.



واجدین شرایط شرکت در جشنواره:

- دانش آموزان، برگزیدگان آزمون سراسری سال ۹۶، دانشجویان و طلاب شاهد و ایثارگر شامل: همسر و فرزند شهید، جانباز ۲۵ درصد و بالاتر و همسر و فرزندان آنان، آزادگان و همسر و فرزندان آنها

نحوه انتخاب برترین ها:

انتخاب برترین ها براساس شاخص های تعیین شده در کمیته علمی جشنواره مستقر در دستگاه های آموزشی عضو طرح شاهد در دو سطح استانی و کشوری انجام خواهد شد.

آغاز از کورستان، آذربایجان، بهبهان و سایر ادارات نمایندگی

مدارک مورد نیاز انتخاب برترین ها:

دانش آموزان، دانشجویان و طلاب شاهد و ایثارگر برای کسب اطلاعات بیشتر به وب سایت ایثار به نشانی: www.isaar.ir مراجعه و برای ارائه مدارک و مستندات موفقیت های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، ورزشی و هنری دوران تحصیل خود از طریق سندهای شاهد و ایثارگر و مراکز آموزشی محل تحصیل اقدام نمایند.

• در مورد برگزیدگان آزمون سراسری سال ۹۶ از طریق سازمان سنجش آموزش کشور استعلام و نسبت به معرفی آنها اقدام خواهد شد.

